جغرافیای نظامی ایران
کویرها
تالیف
سرهنگ رزم آرا
۱۳۲۳
کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی

جغرافیای نظامی ایران

کویرهای مرکزی

تألیف سرلشکر رزم آرا

۱۳۲۳

چاپخانهٔ ارتش

فهرست مطالب مندرجه درجغرافیای کویر

صحرای لوت

مقدمه - سالها عشق و علاقه دیدن نقاط کشور در قلبم شعله ور بوده و امید موفقیت در اینراه‌را بخود نوید میدادم بالاخره اقبال من یاری وموفقیت کامل دراین‌راه یافتم بطوریکه در بین هم‌میهنان خود شاید یکی از کسانی باشم که در عمر خود موفق بدیدار کلیه نواحی میهن عزیز گردیده‌ام برای دیدار نقاط کشور حتی برای دیدن بیابانهای سوزان و سراسر ماسه آنهم علاقه غیر قابل وصفی در خود حس نموده و هروقت موفقیت کوچکی‌مییافتم بزرگترین اقبال برای خود تعبیر مینمودم ضمن زیارت اطراف و اکناف کشور کراراً بیابان های کویر و لوط های بایر وطن عزیز را دیده از زیارت آن لذت برده و برافتخارات خود میافزودم و در بین هم میهنان خود را ایرانی محسوب میدارم که تمام نقاط کشور عزیز را دیده و هر گوشه آنرا که از هرجواهری قیمتی با ارزش تر است زیارت نموده ام در خاتمه مسافرتها فکر انتشار مشاهدات جغرافیای ایران در مغزم خطور نموده و با آنکه مطالبی کامل و جامع نبود ولی از آنجا که میدانستم نوشتن هرسطری برای شناسائی کشور خدمتی است بخودجسارت و قدرت کامل داده و بالاخره مشعوف و مسرورم که راجع به کلیه نقاط حساس کشور کتب ناچیز خود را ضمن ذکر مشاهداتم باقی گذارده که در آتیه هر ایرانی با علاقه ضمن توجه به این اوراق یادی از هم میهن خود نموده و شایددر تکمیل این اوراق مجاهدت نماید چون صحرا های کویر قسمت مهمی از کشور ایران را پوشانیده جلد خاصی برای این منطقه در نظر گرفته ولی از آنجا که فکر میکردم انتشار یکجلد مخصوص راجع به این منطقه شایدزائد باشد مدتها خودداری میکردم تاروزی موقع عبور از یکی از خیابان های تهران درپشت‌شیشه کتابخانه‌چشمم به کتابی که درپشت جلد آن‌نوشته شده بود (کویرهای ایران) افتاد فوری کتاب منظور را که توسط دکتر گابریل آلمانی ضمن مسافرتهای متوالی در ایران

نوشته شده بود تهیه وچون شخصاً به لسان آلمانی آشنا نبودم از دوست محترم آقای دکتر رادمردان تقاضای ترجمه آنرا نمودم خوشبختانه دوست محترم با فرط کار و گرفتاریهای زیادی تقاضای مراردنه نموده کتاب منظور را که شامل ۳۱ فصل بود ترجمه پس از مطالعه کامل مصمم شدم در آتیه ترجمه منظور را باسم آقای دکتر راد مردان که دوستی حقیقی و ایرانی باعلاقه و باعث افتخار هم میهنان خود میباشد منتشر سازم

ضمن ملاحظه سطور کتاب دکتر آلمانی این فکر برای من حاصل شد وقتیکه یک سیاح خارجی با این حرارت و علاقه به ایران آمده و چنین کتاب قطوری برای شناسائی کویر های ایران مینویسد چگونه نوشتن یک کتاب برای شناسائی کویر در جزو جغرافیای مفصل کشور ممکن است زائد باشد پس مصمم شدم از این اندرز نتیجه گرفته جلد جغرافیای کویر را تهیه و منتشر ساخته شاید تاحدی این نقاط ناشناس کشور را که قطعهٔ از میهن عزیز است معرفی نمایم .
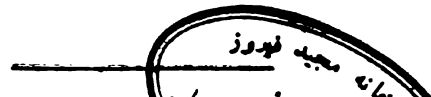
فصل یکم

وضعیت کلی کویر ها

شاید اکثر فکر شود که آیا منظره کلی کویر هـا چیست و اشکالات آن از کجا ناشی میشود .

گرچه توضیحات تنها برای دادن فکر واقعی کافی نبوده یـک مسافرت کوچك در آن نواحی بهترین افکار رابوجود خواهدآورد . در کویر هاعموماً چند نوع اراضی ملاحظه میگردد .

۱ - اراضی صاف که دارای ماسه‌است .

۲ - اراضی صاف که از خاك نرم و شن پوشیده شده .

۳ - تپه های خاك نرم

٤ - دریای شن

٥ - کویرهای نمك

۱- اراضی صاف پوشیده‌از ماسه :معمولا در موقع ورود در هریك‌از کویر ها چه شمالی و چه جنوبی بدواً به این اراضی ماسه بر خواهیم خورد این اراضی تقریباً یك نواری را در جلوی کویر ها تشکیل میدهد کـه دران بعضی درخت های گز یا بعضی بوته های وحشی هم ملاحظه میگردد این اراضی برای عبور و مرور مشکل نبوده و چون جنس آن با اراضی سایر نقاط‌بواسطه‌نرمی و لغزندگی خاك تفاوت دارد جلب نظر را مینماید ولی در حقیقت این نوع مناطق اشکالی را برای عبور و مرور ایجاد نه نموده‌وباخود رو سواری یاباری کوچکترین زحمت و مشقتی را دارا نخواهد بود .

۲- اراضی صاف پوشیده از خاك نرم : معمولا در هر کویر در بعضی از قسمتها به این گونه اراضی مصادف میشویم این اراضی با آنکه بکلی صاف است ولی زمین فرو میرود و این قبیل اراضی هم به دو شکل ظاهر میشود یازمین در سطح صاف و محکم بنظر میرسد ولی بمحض عبور زمین فرو میرود یازمین بکلی از خاك نرم پوشیده شده ولی این قبیل اراضی هم مثل زمین نامبرده بالا فرورفته و عبور از آ ن مشکل است .

در تمام کویر ها به این اراضی مصادف میشوند مثلا جاده بم بطرف نصرت آ باد سیبی که قبل از رسیدن به کهورك و درمقابل میل نادر شروع میشود بهمین قسم در راه کلشن به رباط پشت بادام یا راه چوپانان این قبیل اراضی با آ نکه مسطح است ولی بواسطه نرمی و فرو رفتن آن زمین عبور باوسائل خود رو بسیار مشکل و پر زحمت بوده و یگانه راه وسائل خود رو عبور با تمام گاز و با تمام سرعت است چه کوچکترین ایست باعث فرورفتن ماشین شده و خارج کردن آ ن مستلزم دارا بودن قطعات تخته و غیره میباشد .

همان قسمی که در بالا ذکرشد این قبیل قسمت ها در نقاط معین و مشخص جاده ها و کویر ها ملاحظه میشود

۳- ارتفاعات خاك نرم - تپه‌های خاك نرم عبارت از تپه‌هائی است که دارای مناظر بسیار بوده و طبق سمت وزش باد شکل و فرم آ نها تغییر مینماید. این تپه های خاك نرم متحرك بوده و بنا بر سختی و شدت باد ها ممکن است از محلی به محل دیگر تغییر محل دهند عبور از این تپه ها نیز کاری بسیار مشکل و در عبور از اراضی خاك نرم که در بالا ذکر شد بدرجات سخت تر و مشگل تر است زیرا اکثر درموقع بالارفتن از این ارتفاعات ازطرف دیگر به پرتگاههائی مصادف میشویم که پائین آ مدن از آ ن بسیار دشوار است بدیهی است اگر عبور با اسب تاحدی مقدور باشد ولی برای ماشین های سواری عبور از این تپه ها اشکال و زحمت بسیار را دارا خواهد بود . این تپه‌ها باارتفاعات مختلف دیده شده ولی هیچگاه مرتفع تر از ۱۸۰ متر تپه در کویر های ایران دیده نشده است

معمولا این نواحی مناطق خاصی را در کویر ها اشغال کرده و در کنار کویر ها دیده میشود .

٤ - دریای شن : درهر کویرمناطق خطرناکی وجوددارد باسم دریای شن این مناطق پوشیده از تپه های شن روان باارتفاعات زیاد و پرتگاههای بسیار است که هرتپه دارای شکل مخصوصی است این مناطق چون بهیچوجه دارای کوچکترین چشمه یا آبی نیست و چون سراسر از این تپه ها پوشیده شده لذا مناطق غیر قابل عبور کویر ها محسوب شده معمولا طوفان های بسیار شدید در این دریا های شن شروع میگردد که عبور را غیر مقدور و حتی تنفس را مشکل میسازد گذشته از آنکه عبور و مرور غیر مقدورو چشم و گوش را پر از خاك خواهد کرد هوا را نیز بکلی تیره و تار نموده صداهای بسیار موحشی از بهم خوردن خاك تولید میگردد که بیش از پیش تولیدهراس مینماید حتی اکثر عابرین ممکن است در زیراینطوفانها بکلی مدفون شده محو گردند این قسمتها خطرناکترین مناطق کویر ها و نقاطی است که شناسائی آن غیر مقدور است .

٥ - کویر های صاف نمك و دریاچه ها : در کویرمعمولا دریاچه ها که به رنك آبی نمودار شده با آب نیست بلکه اراضی پستی است که در موقع ورود آب کوهستانهای کویر بشکل دریاچه در آمده و تمام نمك های کویر ها متوجه این نقاط میگردد در کویر جنوبی ایران این قبیل نقاط زیاد است سطح این دریاچه ها در تابستان صاف ولی از لجن پوشیده شده که سراسر پر از خلل و فرج است در این قبیل نقاط از راه های موجود که برای عبور مشخص است از محل دیگری نمیتوان عبور کرد این قسمت ها فقط نقاط پست کویر ها دیده میشود عبور از این نقاط در زمستان بواسطه پوشیده شدن از آب غیر مقدور و غیر ممکن است .

در این کویر ها - دریاهای شن - تپه‌های خاك نرم - کوچکترین علف و گیاهی بنظر نمیرسد بهمین مناسبت است که کویرهای ایران را اکثردشت مرك نام نهاده چون بکلی فاقد کوچکترین منابع زندگانی بوده و جز طوفان و شن اثر دیگری در این کویر ها نیست .

تپه های شن در کویر : منظره تپه های شن مناظری بس موحش و از طرف دیگر بسیار دیدنی است این تپه ها بنا برسمت وزش باد به اشکال مختلف و ار تفاعات بسیار میباشد عموماً بزرگترین آنها بیش از ۱۸۰ متر تا کنون در کویر های ایران بزرگتر و مرتفع تر دیده نشده معمولا درهر کویری دریای شنی وجوددارد که در کویر جنوبی که درسمت خاور قرار گرفته (بطول ۲۰۰ و عرض ۶۰ کیلومتر) است دریاهای شن از تپه های کوچك و بزرگی تشکیل شده شکل این تپه‌های شن بقدری مختلف است که بهیچوجه نمیتوان شکل مشخصی برای آن در نظر گرفته شرح داد اغلب در وسط این رشته های شنی فرورفتگی هائی قرار گرفته شن‌های کویر عموماً قرمز و مایل بقهوئی عموماً گرد و بقطر ۰/۲ میلمتر میباشد ولی در بین شن‌ها در بعضی نقاط شن های درشت هم تا قطر ۲/۲٤ میلیمتر دیده شده شن های درشت اکثراً الوان میباشند کلیه شن های مرکز کویر مدور بوده و علامت آنست که در نتیجه وزش باد حرکت زیادی را دارا میباشد در صورتیکه شن های کنار کویر دارای شکل و فرم های مختلفی میباشند سطح کلیه شن‌ها بطور تیره رنگی صیقلی شده و نکته قابل توجه وجود عناصر آتشفشانی است .

اکثر سیاحان عقیده مند هستند که این تپه ها کوهای سنگی است که تحت تغییرات جوی باین‌شکل در آمده و باین قسم امروز ظاهر گردیده‌اند این ارتفاعات شنی فاقد کوچکترین گیاه یاحتی علفی بوده و اکثر این تپه ها در

حرکت و تغییر میباشند بطوریکه ممکن است در نتیجه باد شدید از طرفی
به سمت دیگر نقل مکان نموده و ارتفاعات نوینی در محل جدید تشکیل دهند
در موقع گرما حرارت این شنها بسیار زیاد و شدید میباشد بطوریکه
پای برهنه حرکت در آنها بسیار مشکل است .

فصل دوم

کویر لوت

۱ ـ حدود ـ در داخله فلات ایران کویر های زیادی وجود دارد که مساحت آنها بسیار مختلف است زیرا نواحی کویر و بیابانهای بدون سکنی در فارس ـ کرمان ـ بلوچستان ـ خراسان بسیار زیاد است دراین جا منظوراصلی صحبت و بحث در اطراف کویرهای مرکزی ایران است که نسبتاً سطح آنها بسیار مشخص و معین است این قسمت کویر مرکزی ایران هم بطور مشخص به دو قسمت بسیار روشنی تقسیم میشود قسمت شمالی که معمولاباسم دشت کویر خوانده میشود وقسمت جنوبی که باسم صحرای لوت معرفی شده .

قسمت شمالی نسبت به ناحیه جنوبی وسیع تر وبزرگتر است در صورتیکه قسمت جنوبی کوچکتر ولی از لحاظ ارتفاع از کویرشمالی پست تر و ازلحاظ وضعیت طبیعی بسیاردشوار تراست بطوریکه عبور و مرور در آن قسمتدشوار و حتی میتوان گفت کویر جنوبی بواسطه کمی عبورومرور و عدم وجود سکنه کمتر شناسائی و از وضعیت حقیقی آن اطلاع حاصل شده است .

دشت کویر ـ دشت کویر که بزرگترین کویر های ایران محسوب میشود محدود به حدود زیر است .

از طرف شمال ـ جاده طهران ایوان کیف ـ سمنان ـ حسن آباد ـ جنوب دامغان ـ خرگوشی ـ توران ـ تربت حیدری بطول ۷۷۰ کیلومتر

ازطرف خاور ـ تربت حیدری ـ بجستان ـ فردوس ـ دوهك بطول ۲۷۰ کیلومتر

از طرف جنوب ـ دوهك ـ ارتفاعات شتری ـ حلوان ـ رباط پشت بادام ـ بیضا ـ خور ـ جندق ـ انارك ـ کاشان بطول ۷۲۰ کیلومتر

از طرف باختر ـ جاده طهران ـ قم ـ کاشان بطول ۲۵۰ کیلومتر

طول این کویراز قم تا بجستان ٦٤٠ کیلومتروعرض آن از کبار تا رباط پشت بادام ۳۲۰ کیلومتر و کمترین عرض آن در خاور دریاچه نمك حوض سلطان در حدود ۹۰ کیلومتر است .

مساحت کلیه این کویر از ۱۳۰۰۰۰ کیلومتر تجاوز نمینماید . ارتفاع کلیه نقاط این کویر تا حدی که ضمن مسافرتها و ضمن بررسی های مختلف و تحقیقات بنظر رسید از ٦۰۰ متر ارتفاع از سطح دریا تجاوز نمینماید و در این کویر وسیع فقط دو دریاچه موجود است یکی دریاچه حوض سلطان و دیگری دریاچه نمك که در شمال جندق قرار گرفته .

این کویر بوسیله کوهستانهائی محدود شده و گاهی کویر های کوچکی هم در عقب کوهستانها بنظر میرسد . ارتفاع کوهستانهای جناحین کویر بطور کلی از ۱۲۰۰ متر تجاوز نمی نماید جز چند رشته منفرد که در سمت جاده دریاچه قم دیده میشود بقیه ارتفاعات تقریباً بهم متصل و ارتفاعات جنوبی پیشرفتگی محسوسی در کویر تهیه کرده که جندق در راس آن قرار گرفته است .

نظریات سرپرسی ساکس درخصوص کویر ایران

این صحرای وسیع از صد میلی طهران تاسرحد مستعمره بریطانیاامتداد دارد ومسافت آن متجاوزاز ۷۰۰ میل میباشد و فاصله بین تون (فردوس) به بمپوردر حدود ۵۰۰ میل است حاشیه شرقی این صحرا گویا مرتفعترین نقاط آن باشد و قریه بسیرانی که در ۱۸۹۹ نگارنده بآنجا عزیمت نموده ۲۸۰۰ و (فردوس) ٤۳۰۰ و سایر نقاط آن بطور متوسط ۱۰۰۰ فوت ارتفاع دارد پست ترین نقاط آن در حوالی شهداد در حدود هزار فوت است سخت ترین ناحیه لوت ناحیه ایستکه که فیمابین ایران شرقی و شهداد واقع شده و در اواسط قرن ۱۹ خط سیر خانیکف و در قرن ۱۸ نیز کاپیتن کالیندر از این راه عبور نموده است مسافر اولی در خصوص این راه چنین مینویسد (بی نهایت مشعوف و خرسندم

که بسلامت از سخت ترین کویرهای قاره آسیا گذشتم زیرا کویر های کبی قزل قم در مقابل کویرهای لوت دشت های حاصل خیزی بشمار میاید با وجود اینکه کویر اطراف ترعه سوئز را دیده از خشکی و بی‌حاصلی آن اطلاع داشتم معذالك چون وسعت آن کم بود بقدر کویر فوق در من تاثیر نکرد) چون خانیکف این کویر را با کویر وسیع بزرك دیگری مقابله نموده تصور میشود که میتوان عقاید ویرا در خصوص این کویر بمنزله نظریات قاطع بشمار آورد

صحرای لوت گویا ابتدا دریا بوده وجود کوه آتشفشان دریاچه سرحد و آتش فشان سابق و بسیاری داستانهای دیگر این ادعا را به ثبوت میرساند.

این جانب عقیده مند است که جنگهای خانه بر انداز که در ایران بوقوع پیوسته باعث شده است که دامنه این صحرای بایر توسعه بها بدازمسافرت های خود بخوبی بکنه این نکته پی برده ام که ایران بطور کلی بیابانی است که در چند میل فاصله قراء و دهاتی در آن احداث شده و در نتیجه زحمات بی پایان رعایا وسایل شرب آنها فراهم و تأمین میشود اگر مقدار آب رو به طغیان و تقلیل برود رعایا ناچار از مهاجرت خواهند شد و اگر رعایاهم از بین بروند قنوات موجوده بایر ویران و بوسعت اراضی خشك و لم یزرع و صحاری و بیابانها افزوده میشود گذشته از لوت دراکثر نقاط ایران تا سه منزل یا متجاوز آبادی دیده نمیشود این نکته را نیز اضافه کنم که کلیه این علل معلول نقصان بارندگی است و این نقیصه نیز موجب کمیابی اشجار و از طرفی فقدان درخت نیز باعث علت عدم بارندگی میباشد لذا بعقیده نگارنده دو فقره از اصلاحات لازمه ایران تهیه آب و احداث جنگل است . این جانب میتوانم مدعی شوم که در بین اروپائیان اولین کسی هستم که از این سمت لوت عبور نموده ام در حالیکه قبل از مطالعات لازمه تصور میکردم که خط سیر من همان مارکوپولو بوده است ولی از طرفی نباید فراموش شود که تا تهیه وسایل لازمه مسافرت از این خط مخصوصاً در هفت ماه سال اشکال زیادی ندارد و در واقع همان راهی است که سالی هزارها مسافر بلاالخصوص از خراسان از این راه عبور و از کرمان به مشهد میروند.

لرد گرزن چنین میگوید :

کویر ایران دو صحرای سوزان نمك زار بخش عمدهٔ از کشور ایران را گرفته است . چیز هائیکه در کتب مقدسه عهد عتیق ازباد های کشنده ـ آفتاب مهلك ـ ریگزار های جانگداز شرح داده شده قسمتی از اوضاع کویرهای ایران میباشد .

این دو صحرای خطرناك که حتی در افریقا هم کمتر یافت میگردد بیش ازپانصد کیلومتر در ۳۲درجه تا۳٦ درجهعرض ودر۵۲ درجه تا ۵۷ درجه طول واقع گشته و برادر دیگرش دشت لوت در ۲۹ تا ۳۲ درجه عرض‌شمالی و از ۵۷تا۶۰درجه طول‌خاوری میباشد. دشت کویر قریب هزار فوت ازسطح‌دریا بلند تر است . دروجه تسمیه‌آن بکویر اختلافات زیادموجود است « مالکم » و«سوزیه» آنرا دریای کویر مینامند و البته در این نام‌گزارش اشتباه رفته اند اما ژنرال شنیدر بیش از آن دقت کرده برای این نام سه راه بنظرش میرسد :

۱ ـ در زبان‌فارسی گاو بمعنای‌بزرك بسیاراستعمال شده‌مانند گاوصندوق یعنی صندوق‌بزرك و دشتکویر هم شایدمعرف‌دشت گاو یا دشت (گپ) بمعنای بزرگ است .

۲ ـ در زبانهای‌بومی‌افریقائی چنین جاهائی را (کفر) بکسر کاف‌میخوانند چنانچه هم اکنون در مصر بسیاری از دشت های خشک باین نام شهرت دارد و دشتکویر فارسی هم از کفر بومیان آفریقائی نام گرفته است

۳ ـ ممکن است داستان بهرام گور و شکار گورخرهم در نام این‌صحرای هلاکت مدخلیت داشته و به آن اعتبار «بدشت گور» یا « دشت کویر » مشهور شده باشد .

در پیدایش این دشت‌نظریه علما مختلف است پاره میگویند که دریاهای خشك شده این دشت شوره‌زار تشکیل میدهدو بنا بعقیدهٔ عدهٔ چشمه های شور آبی در زمین های رسوبی این قطعهٔ آ مد و شد دارد و بنابگفته پاره دیگر از

علما از آغاز چنین بود و همان خواص اولیه جسم سیمانی را دارا میباشد و تغییر مهمی نیافته است .

علاوه بر « مار کوپولو » بسیاری از جهانگردان فرنگی بیش از لرد گرزن کویر را دیدن کرده اند که از آن جمله دکتر « بوکس » روسی در ۱۸۴۹ میباشد شگفت آنکه هریك از این مسافران بطرز مخصوصی دشت کویر را توصیف نموده اند و از دریاچه های نم خیز شورابها - باتلاقها - تپه های نمکی - نمکسارهای آن چیزها نوشته اند .

دشت لوت میان کرمان وخراسان واقع شده و در پاره جاها پانصد فوت از سطح دریا ارتفاع دارد و جه‌تسمیه این دشت هم بلوت چندان محقق نیست و البته‌انتساب آن به لوت پیغمبر و داستان توراة پایه‌و مایه نداشته و ازافسانه ها بشمار میآید بهترین توجیه آنکه لوت و لات در زبان فارسی مخصوصاً لهجه عامیه بمعنای گدا و بی چیز آمده و این دشت هم از فرموهبت طبیعی بی بهره مانده است چیزی که آنرا از دشت کویر خطرناکتر کرده وجود بادهای سموم و دریای مواج شن آنجاست در غالب فصول سال بادهای شدیدی شن های این بیابان را جابجا میکند و در عرض چندساعت فرسخ ها آن را پس و پیش میاندازد و بقسمی که در یك روزصبح بخشی‌از دشت لوت کوه‌های شن زار بوده‌و عصر همانروز در جای‌دیگری‌همان کوههای شنی تشکیل‌مییابد بیچاره آن جاندارانی که در معرض این سیل فنا واقع گشته اند و راه چاره جز استقبال مرك ندارند همینکه طوفان شن جهت وزش خود را تغییر داد و کوههای شن را بطرف دیگر برد آنوقت است که اسکلت این تیره روزان‌در برابر آفتاب سوزان برشته میگردد چه بسا کاروانهائی که‌گرفتار این‌تندباد شن خیز گشته و پس از چندی استخوانهایشان باطراف پراکنده گشته است .

باری فرنگیان جهانگرد و محقق باین دشت لوت هم سری زده اند و کم‌و بیش اطلاعاتی در باره آن‌بدست آورده‌اند از آنجمله « خانیکف » محقق‌دانشمند روس در سال ۱۸۵۹ از نه بندان بکرمان رفته و قسمتی از دشت لوت رادیدن نموده و تاحدی آنرا توصیف میکند .

فصل سوم

جاده های کویر لوت

با آنکه کویرمنطقه صاف و تاحدی بی مانع محسوب میشود ولی بایستی در نظر داشت که بواسطه اشکالات زیادی که حرکت در این مناطق وجود دارد اکثر عبور از این مناطق را سیاحان فتح عظیمی تصور کرده وحتی موفقیت در این راه را بسیار مهم محسوب میدارند .

برای آنکه بتوان فکر بسیار قاطعی داد در این قسمت سعی مینمایم که کلیه معابر کویر را که عبورشده و یا توسط سیاحان انتشاراتی دراطراف آن دادهشده است تشریح نمایم .

قسمت۱ ـ جاده گون آباد فردوس یزد .

قسمت ۲ـ جادهبیاضه انارك و سایر جادههای کویر شمالی .

قسمت ۳ـ وضعیت جاده فردوس شهداد .

۱ـ جاده گون آباد یزد

کویر

قسمت طبس (گلشن) ـ این منطقه با اینکه قسمت عمده جلگه و صاف است معهذا جاده های قابل اتومبیل رانی آن مشخص میباشد گرچه راه سازی نشده ولی سابقاً در این منطقه راهی بوده است که از طریق کویر به طبس و از آنجا بطرف دستگردان رفته متوجه ترماشیر (کاشمر) شده و بهمین مناسبت کاروانسراها و رباط های شاه عباسی کویر در این مسیر ساخته شده بعداً ضمن اردو کشی های افاغنه ـ چنگیز وهلاکو از این راه بطرف طبس و یزد متوجه شده و در سده های اخیر اهالی برای عبور جهت زیارت شروع به تهیه رباط هائی در طول جاده نموده اند تعداد این رباط ها در حدود ۶ الی ۷ رباط و در هر ۶ الی ۸ کیلومتر آب انباری تهیه کرده اند که از آب باران پر شده و زوار از آن استفاده

میتمایند جاده قابل اتوبوس رانی است و در ماه های اسفند و فروردین بواسطه باران و بواسطه جریان آبها عبور از آن فعلا مشکل است جاده از طبس تا رباط خان شوسه و ساخته شده است بهمین مناسبت است که اکثر دراین قسمت خرابیهائی حاصل شده و حرکت دچار اشکال در دو ماه نامبرده بالا میشوددر صورتیکه از قسمت رباط تا یزد چون جاده در جلگه میباشد طبیعی محسوب شده و در تمام فصول قابل عبور گردیده است .

کامیونها معمولا دو روزه از یزد به طبس و یك روزه ازطبس به فردوس وگون آباد میروند .

کویر بین گلشن ویزد

اکثر شاید تصور میشود که این قسمت جلگه صاف و بی عارضه بوده و بایستی در جلگه صافی عبور کرد چه آنهم کویر این نکته را در نظر مجسم میسازد - در حالیکه بعکس این قسمت دارای مناطق کوهستانی است

از طبس تاموقع ورود به یزدجز در چند قسمت کوچك که از جلگه های نسبتاً صافی عبور خواهد کرد راه تمام‌مسیرخود را در دهلیزهای کوچك و بزرگی طی مینماید این دهلیزها عموماً بوسیله رشته های کوهستانی سنگی مشخص گردیده‌است این چند قسمت جلگه را میتوان بشرح زیر معرفی کرد

١ - از شهر گلشن تاقسمت کوهستانی در حدود ١٠ کیلومتر که‌بکلی صاف و بی عارضه است زمین شن زار و ماسه نرم برای عبور مستعد و مانعی محسوب نمی گردد .

٢ - جلگه‌واقع در ٥٠ کیلومتری رباط خان که‌بطول٤٠ کیلومتر

قسمت ماسه آن بطول ٤ کیلومتر که سراسر پوشیده از ماسه نرم‌بوده و بسختی میتوان در روی آن راه رفت زیرا زود فرو میرود این قسمت شاید سخت ترین و مشکل ترین قسمت های این کویر محسوب میگردد چه خودروها و کامیونها باشکالات زیاد مصادف شده و بامهارت کامل شوفر ها بایستی ازاین اراضی رد گردانند .

۳ - جلگه در ۲۵ کیلومتری ماسه روان مرکب ازدو قسمت که شامل ماسه خیلی نرم بوده بلکه عبور از آن بدون مانع و پرزحمت است .

پس از قسمت ماسه که بطول ۳ الی ٤ کیلومتراست در قسمت کویرواقع شده که جاده در کویر عبور خواهد کرد در اینجا برعکس ماسه خیلی سخت و محکم بوده و مانعی برای حرکت نخواهد بود مگر در فصول بارانی .

٤ - دشت و جلگه واقع بین تنگ دیز آبادتاشهر نو که بطول ۲۰ کیلومتر و زمین در قسمتی از ماسه و درقسمتی از آن شن زار پوشیده ولی هردو قسمت مانعی برای عبور نیست .

۵ - جلگه واقع بین ارتفاعات سنگی - خاور یزد که بطول ۵۰ کیلومتر است و دارای قسمت های ماسه زیاد و در صورت وزیدن باد ممکن است فوق العاده مزاحم حرکت گردد و در قسمت آخر آنهم ٦ کیلومتر بایستی در روی نمک زار عبور شود بطوریکه میشود در کلیه این مسافت که بالغ بر ۲۰۰ کیلومتر است ۱۰۰ کیلومتر آن مسطح و بقیه آن کوهستانی میباشد جز در قسمتهای جلگه که آب یافت نمیشود بطوریکه در ضمن راه دقت شده در اکثر کوهستانها میتوان آب بدست آورد چه آنکه دراین کوهستانها اکثر شکار دیده میشود که خود وجود آب را در آن اثبات مینماید تمام این راه باستثنای جلگه های مندرجه بالا پوشیده از علف زار و بوته های مختلف است - کوهستانهای این منطقه اکثر سنگی و رگه های مختلفی را در هرقسمت ارائه میدهدو تصور میرود که این کوهستانهای وسیع بدون وجود کانهای عدیده نمیباشند و در صورت کاوش قطعاً کانهای مهمی در هرسوی این کوهستانها بدست خواهد آمد اگر در جلگه آب نیست ولی آب انبار های بسیاری در هر طرف این جلگه وجود دارد که دائر و یادر شرف خراب شدن است و فوق العاده مورد استفاده میباشد

برای آنکه بهتر بوضعیت طبیعی این راه اطلاع حاصل شود وضعیت جاده را تشریح مینمائیم .

اهمیت جاده کویر

منطقه وسیع خراسان که یکی از قسمتهای حاصل خیز و زر خیز کشور و شامل یك مليون نفوس است هر قدر بمرکز و فلات داخلی بیشتر متصل و مربوط باشد در موارد لازمه و موقع جنك بیشتر نظر فرماندهی را تامین خواهد کرد چه از لحاظ سوق قوا و چه از لحاظ تهیه پوشاك و خوارو بار .

امروز یگانه وسیله ارتباط این قسمت بامرکزو فلات داخلی ایران بوسیله دو محور زیر میباشد .

١ - محور تهران - فیروز کوه - شاهی - گرگان - مراوه‌تپه - بجنورد قوچان - مشهد .

که این محور در قسمتی واقع بین گرگان و بجنورد زمین طبیعی ودر تمام فصول قابل استفاده نیست .

٢ - محور تهران - سبزوار مشهد که محور اصلی محسوب میگردد .

محور اولیه بواسطه مجاورت باخط مرز برای سوق قوا و حمل و نقل احتیاجات بهیچوجه صلاحیت نداشته و میتوان گفت قسمت واقع بین گرگان و بجنورد از همان اول عملیات برای اینقبیل استفاده هابیموردو بی ثمراست .

محور دوم که محور اصلی محسوب میگردد یگانه محور قابل استفاده کشور محسوب میگردد ولی این محور اولا قادر نخواهد بود که کلیه احتیاجات قسمتهائی که درمرزهای‌خراسان در گیرند تامین نماید ثانیاً در صورت‌تخریب و بمباران شاید موقتاً هم تعطیل گردد پس برای همین منظور و برای پیش بینی موارد لازمه در نظر گرفتن يك جاده دیگری که تاحدی از خط مرز دور بوده و از خطر هوائی هم تا حدی مصون باشد خیلی بموقع و بمورد میباشد در صورتیکه راه دیگری برای اتصال باخراسان لازم است بایستی دید درکدام قسمت کشور مقدور خواهد بود بمناسبت کویر جندق و بیابانك که‌درجنوب سمنان و دامغان و شاهرود واقع شده تهیه جاده در اینقسمت غیر مقدور و تا

کرمان یگانه محل و قسمتی که برای تهیه جاده و مستعد و قابل استفاده خواهد بودراه بین یزد ـ گون آ باد است چه این قسمت مرتفع و کوهستان و قسمتهای کویر مانعی نخواهد بود .

تهیه این جاده چند نتیجه مهم در برخواهد داشت .

۱ - اتصال دادن فلات ایران بمنطقه خراسان بوسیله یك محور جدیدی .

۲ ـ نزدیك کردن فلات بطرف مرزهای افغانستان .

۳ - تسهیل دخول درعمل لشگر اصفهان در میدانهای نبرد احتمالی خراسان

این راه گذشته از لحاظ نظامی از دو نقطه نظر قابل توجه است

۱- از لحاظ بازرگانی چون کلیه محمولات داخلی بطرف زاهدان و مرز افغانستان چون نزدیك ترین راه است از این محل واز این خط حمل خواهدشد

۲ - از منابع گندم خیز خراسان و سیستان از نزدیکترین راهها استفاده خواهد شد .

۳ - هزاران زوار خراسانی که از فلات مرکزی برای زیارت حرکت مینمایند از این جاده استفاده خواهند نمود .

شاید اکثر در نظر این قسم مجسم شود که ساختمان و تهیه این جاده مشکل و پرزحمت است با توجه به راه کنونی که قسمت عمده طبیعی است میتوان قطع داشت که تهیه جاده شوسه در آن مثل جاده موجوده در سایر اقطار کشور اشکالی نخواهد داشت جاده کنونی در وضعیت حاضره دارای هزینه گزافی نیست و طبق تحقیقاتی که بعمل آمده کلیه هزینه فعلی این راه در ماه از سه هزار ریال تجاوز نمی نماید که دو هزار و پانصد ریال بکارمندان مربوطه و پانصد ریال فقط در ماه خرج این راه آنهم در قسمتی از آن میشود .

با وصف اینحال که کوچکترین اقدامی برای تهیه و تعمیر این جاده نمیشود باز این جاده در قسمت عمده مدت سال قابل استفاده است جز دراسفند و فروردین ماه که تاحدی عبور و مرورنمیشود کلیه زوار یزد وحتی مال التجاره یزد و کاشان از همین راه بطرف زاهدان و نقاط مرزی باختر میرود .

قسمت عمده این راه در زمین طبیعی واقع شده و در صورت ساختمان و تعمیر یکی از بهترین راهها خواهد شد چه قسمت عمده راه در دامنه کوهستان بوده کاملا محکم و سخت است بهیچوجه زیر سازی برای این جاده لازم نیست فقط رفع معایب ظاهری و موج های موجوده در قسمت هـای عمده راه کافی خواهد بود .

نقاط حساس این جاده که مستلزم ساختن میباشد شاید بتوان بشرح زیر خلاصه کرد .

ساختن جاده در سه جلگه اولی که دربالا ذکر شده جلگه بین طبس وده شور ۱۵ کیلومتر

قسمت ماسه ٤ کیلومتر

قسمت کویر

تهیه و برگرداندن جاده در مسیر که ازجلوی خورانق بایستی عبور نماید و بمناسبت بودن در دره و مسیر رودخانه خطرناك است رفع کلیه موجهای موجوده در قسمت طبیعی این اراضی با ساختن و تهیه این جاده منطقه خراسان و مرز افغانستان بیش از پیش بمرکز کشور متصل شده و یك راه سوق الجیشی جدیدی در مرکز فلات ایران ایجاد خواهد شد که دارای ارزش قابل توجهی از هرلحاظ خواهد بود .

راه تهران یزد مشهد ۱٦٦۹ کیلومتر راه تهران مراوه تپه مشهد ۱۱۳۵ کیلومتر راه تهران یزد گون آباد مرز کاریز ۱۵۹۰ کیلومتر راه تهران سبزوار مشهد ۱۹۷۰ کیلومتر تربت جام ۲٤۸ اضافه میشود .

راه گون آباد فردوس

این جاده در جلگه صافی که در طرف باختر - گون آباد است ساخته شده پس از خروج از گون آباد در دشت صافی امتداد یافته ودر کنار ارتفاعات شمالی این دشت پیش میرود جاده پس از عبور از جلگه وارد منطقه کوهستانی شده از کنار تپه کوهان شتر و قهوه خانه عبور خواهد کرد در ۲٤ کیلومتری

از منطقه شن زاری عبور مینماید پس از این قهوه خانه راه وارد منطقه‌تپه‌زاری شده و باپیچ و خم زیاد عبور مینماید .

از دو کیلومتری جاده وارد مسیر سیلابی شده و چندین کیلومتر راه در این مسیر طی خواهد کرد راه بجستان به تربت‌حیدری ماشین‌رو است‌گرچه راه شوسه نیست ولی ماشین های سواری زیاد از آن عبور میکنند زراعت بجستان گندم - جو - تریاك - گراویه میباشد (که یك قسم زیره است برای خارج) خود اهالی زیاد ارزن زراعت مینمایند - زعفران جدیداً کشت میشود سکنه بجستان ۱۰۰۰ خانوار است و دارای ۱۶ آبادی بزرك و کوچك است باکلاته ها .

پس از خروج از بجستان جاده در وسط یك دهلیزی که بوسیله دو رشته ارتفاعات مشخصی محدود شده عبور خواهد کرد عرض این دهلیز در حدود ۲۰ کیلومتر و ارتفاعات سخت تر و مرتفع تر بنظر میرسد در صورتیکه ارتفاعات جناح چپ همیشه از ارتفاعات کوتاه تشکیل شده دراطراف این دهلیز در دامنه ارتفاعات آبادی و جلگه‌های متعددی بنظر میرسد در طول جاده چندین آب انبار ملاحظه میشود جاده ازوسط آبادی‌زین آباد که دارای ۶۰خانوار است و سری که دارای ۳۵ خانوار میباشد عبور خواهد کرد .

آب این منطقه چون خیلی کم است لذا زراعت‌خوبی ندارند فقط‌باندازه احتیاج اهالی نتیجه حاصل میشود در بعضی از نقاط صیفی کاریهائی دارند که یگانه راه استفاده اهالی محسوب میشود احشام نیز متوسط است .

از سری بعد کوهستان سمت چپ که باسم (رنیسکل) معروف است تدریجاً سخت تر و مرتفع تر میشود پس از عبور از دو گردنه آهنك و گداری عبور کرده وارد دشتی میشود که دارای آبادیهای زیادی است فردوس پس از سرازیر شدن از گردنه بخوبی دیده میشود شهر فردوس‌در پای رشته‌ارتفاعاتی قرار گرفته و باغات آن در طرف چپ جاده میباشد که دارای انار و انگور زیاد است در ۱۰ کیلومتری فردوس آب معدنی که اهالی برای استحمام بآنجا میروند واقع شده .

فردوس دارای ۹ هزار سکنه شامل ۳۰ دهستان زراعت گندم - جو - تریاك زیره - دارای احشام هوا متوسط مثل تهران شبها هوا خوب این شهر خیلی قدیمی و شاید عمر آن بیش از ٦ هزار سال است کراراً خراب و ویران شده مخصوصاً هلاکوخان آنرا از تپه موسوم به چین چین مورد مخاطره قرار و بکلی خراب نموده است .

شب ها هوا خوب در تابستان از ۳۸ درجه تجاوز نمینماید .

فردوس - گلشن

ابتدا جاده در جلگه صافی که جناح چپ آن رشته ارتفاعاتی بنظر میرسد و در سمت راست جز تپه های کوتاهی دیده نمیشود تا کیلومتر ٦ امتداد یافته از آنجا از چند گردنه کوتاه بالا رفته و وارد منطقه تپه زاری میشود که ارتفاع این تپه ها بیش از ٥ الی ٦ متر نیست ولی دید از طرفین بکلی محدود است

در ۳۵ کیلومتری جاده از کنار رباط کوچکی که عبارت از کاروانسرای بزرك آجری و آب انبار است عبور خواهد نمود در ۳٦ کیلومتری از مسیر خشك شورزاری که بعرض ۳۰۰ متر است عبور خواهد کرد در افق چندین رشته ارتفاعات ملاحظه میشود که یکرشته مرتفع و ممتد بنظر میرسد .

در ۵۰ کیلومتری جاده ایکه در طرفین آن دو ستون آجری ۳ متری ساخته شد از طرف راست بطرف بشرویه میرود ولی جاده دوهك در منطقه رشته ارتفاعات خاکی امتداد خود را تعقیب مینماید در ۷٦ کیلومتری فردوس به قلعه چهار گنبد رسیده این قلعه دارای فضای ۳۰ متر در ۲۰ متر در داخل شامل تعدادی اطاق با درب و یك اصطبل و - قلعه دارای ٤ برج است که دارای مزقل هائی میباشد مصالح قلعه آجر کج و در صورت تعمیر شدن قابل استفاده خواهد بود .

از ۱۰ کیلومتری جلگه صافی ملاحظه میشود که تا افق مرئی در جناح چپ ادامه داشته ولی طرف راست باز و به قسمت های کوهستانی تصادف خواهد

شد در جلو این قسمت آ بادی دهوك قرار گرفته ـ دهوك آ بادی بزرگی است که دارای ۲۰۰ خانوار میباشد و آ ب و هوای آ بادی خوب است آ ب آ ن شیرین و در ۱۹/۲/۱۰ گندم این آ بادی به ارتفاع ۱۰ سانتیمتر بیش نبود با وضعیتی که بنظر میرسد تصور میرود آ ب و هوای آن بدتر از تهران نباشد این آبادی در ۱۰٤ کیلومتری واقع شده .

رشته ارتفاعاتی که در عقب این آ بادی واقع شده و باسامی مختلف خوانده میشود .

از طرف جنوب بوسیله رشته های دیگری تا نایبند امتداد دارد .

رشته های شمالی آ ن بطرف طبس متوجه میگردد کوهستان بکلی سنگی دارای چشمه هائی در بعضی نقاط میباشد شکار زیاددر این کوهستان دیده شده پس از ۸ کیلومتر جاده وارد تنگی که بعرض ۲۰ متر است امتداد خواهد یافت تصور میرود در موقع بارانی عبور از این دره مقدور نباشد .

پس از خروج از تنك بمسافت یك کیلومتردر کمره کوهستانی درزمین بازی عبور کرده سپس وارد تنك دومی که آ نهم دارای یك کیلومتر طول است شده پس از خروج از آ ن از مقابل آ ب انبار وساختمان کوچکی گذشته وارد دهلیزی بعرض ۲ کیلومتر میشود که زمین آ ن باشیب ملایم بطرف بالا رفته و دارای موجهای عمودی زیادی در مسیر جاده میباشد در جناح چپ یك زبانه کویر که وارد کوهستانهای جناح چپ میشود و سطح جالگه از اثرات نمك خود پوشانیده و ملاحظه میگردد ولی ارتفاعات راست که سنگی و سخت است باشیب تند بجلگه خاتمه یافته در ٤۰ کیلومتری دوهك به آ بادی اسپز خواهد رسید منظره درختهای خرما وورود بمنطقه گرمسیر را از این جا اعلام مینماید گندم ها در این جا زرد شده ودر ۱۹/۲/۱۰ نزدیك به درو بوده و این موضوع اختلاف هوای این آبادی رابادهوك ثابت مینماید .

خرمای این محل از نقطه نظر نوع برجسته نیست آ بادی اسپز دارای

۱۰۰ خانوار است پس از ٤٠ کیلومتر جاده با شیب ملایمی متوجه جلگه طبس شده در جلو سراسر رشته ارتفاعات عقب طبس که رشته مرتفع و مشخصی است و از طرفین امتداد دارد ملاحظه میشود در جلوی این رشته منطقه کویر بارنك سفید خود جلب نظررا مینماید جاده در تمام طول خودشن و ماسه نرم و بواسطه جریان آبهای ارتفاعات جناح راست با تهیه موج های عمودی جاده را باعارضه ساخته .

جاده پس از طی جلگهٔ که درپای کوهستان است بطرف جلگه گلشن سرازیر شده و پس از پیچ و خم هائی درخاك نرم به مجاورت آبادی رسیده از اینجا جاده بطرف راست پیچی خورده و مستقیماً بطرف گلشن میرود درجلوی گلشن آبادی های چندی قرار گرفته که از یکایك آنها جاده عبور و بالاخره به شهر گلشن میرسد این محل جای بسیار خوش آب و هوا و نقطه بینهایت مصفا است و درختهای خرما و باغات نواحی با طراوت این شهررا تزئین مینماید

در این شهر در حدود ۹ هزار نفر زندگانی میکنندمعاش اهالی آن از زراعت گندم - جو - تریاك - خرما - تنباکو - زیره - مرکبات میگذرد.

زراعت این منطقه زیاد است و بهیچوجه دیم کاری نمیشود .

آب از کوهستان مجاور جاری و اگر چنانچه سدی که قبلا بوده و خراب شده مجدداً تهیه و ساخته شود خیلی بزراعت و اهمیت کشاورزی آن خواهد افزود .

درجه حرارت ٤١ درجه در تابستان است در شهر اهالی دارای زیرزمینهائی میباشند که این زیر زمینها دو طبقه است که بنا به درجه حرارت از طبقه اول یا دوم آن استفاده خواهد شد .

گلشن - یزد

گلشن دارای ۹ هزار سکنه و شهری است که طبیعت منتهی قدرت نمائی را در آن کرده است چه کلیه میوجات گرمسیری و سردسیری در آن یافت میشود از قبیل انگور - زرد آلو - گیلاس - توت - انار - مرکبات - زراعت این

منطقه گذشته از گندم و جو و تریاك وزیره برای زعفران مستعداست وتنباکوی این منطقه معروف میباشد .

گلشن از سه طرف بواسطه رشته های کوهستانی احاطه شده در قسمت جنوبی به کویر منتهی‌میگردد .

سابقاً در اطراف گلشن برنج کاری نیزمیشده که امروزه منسوخ‌شده است در اردیبهشت‌ماه گندم۱۵روزبه موسم دروباقی بود .

در ۱۰ کیلومتری جاده گلشن که در جلگه است از سمت راست آبادی کوچه کرو آباد که دارای ۱۰ خانوار و نخلستانی است عبور کرده در ۲۲ کیلومتری از کنار نخلستان و آبادی کوچك تاج آباد عبور خواهد کرد .

پس از طی چند کیلومتر از مجاورت چهارده طبس که دارای ۵۰ الی۶۰ خانوار است عبور خواهد کرد پس از عبور از چهارده جاده تا مدتی در جلگه صافی است که خاك و ماسه خیلی لغزنده و دارای موج هـای بسیار است بعداً وارد منطقه شن زاری که سیاه رنك و بوته های آن کم است داخل شده در ۶۰ کیلومتری جاده وارد تپه های کوچکی شده ودرحدود ۵۰۰ متردرروی قطعات سنك سخت که از یك رشته سنگی تشکیل شده عبور نموده وارد تنگه رباط شوره یا (کور) میشود از ۲ کیلومتری آن رباط در اطراف‌جاده‌قطعات سنگی است این دو ارتفاع حد باختری جلگه ها محسوب میگردد رباط در ۴۹ کیلومتری گلشن‌است .

رباط شور دارای قلعه بزرگی است ۵۰ متر در ۵۰ دارای اطاقهای‌متعدد و اصطبل در مجاورت آن آثار قلعه خرابه دیده میشود و دو میله سنگی به ارتفاع سه متر نیز برای راه نمائی ملاحظه میگردد جاده در مقابل تنك در جلوی یکرشته ارتفاعات کوتاهی که در وسط تنك است بطرف چپ منحرف پس از عبور از مقابل این ارتفاعات در دامنه ارتفاعات‌کوه توره از تنك عبور مینماید در دهانه این تنك چندین رباط خرابه و آب انبار های مختلف دیده میشود پس از عبور از تنك در سمت راست باز رشته کوههائی‌دیده میشود که مرتفع و سنگی میباشد عرض این دره ۱۴ کیلومتر ولی ارتفاعات جناح چپ

خیلی بریده و تشکیل دره های بسیاری‌را داده در تمام مسیرخود قابل‌عبوراست

جاده بهمین قسم در دهلیز کوهستانی که عرض آن متغیر و گاهی‌حتی به ۱۰۰۰ کیلومتر تغییر جهت های در این دهلیز بنظر میرسد تا به رباط کامرد که رباطی است بزرك در ۷٦ کیلومتری گلشن‌میرسد این رباط دارای دو قلعه است یکی قلعه سنگی که قدیمی و در حال فرو ریختن است و لـی در صورت تعمیر باز قابل استفاده خواهد بود .

یك قلعه جدیدآجری بطول ٦٠ و عرض ٥٠ متر که در هرضلع آن ۱۳ اطاق و اصطبل ساخته شده این قلعه بکلی آجری و کاملا با مصالـح محکم ساخته شده .

در نزدیکی این دو رباط چندین آب انبار ملاحظه میشود کـه فعلا بکلی خشك است ولی سازنده قلعه دومی با زدن چندین چاه قناتی تهیه وآب را به حوض خانه مدوری آورده است که بواسطه فرورفتن چاه ها آب آنهم فعلا خیلی کم وقلیل است جاده پس از عبور ازرباط نامبرده از گردنه کوچکی عبور کرده و با انحراف مخصوصی بطرف چپ در دهلیز واقع بین دو کوه امتداد خواهد یافت کوهها عموماً سنگی و دامنه ها و ریشه های کوهستانـی آنها تا جاده هم میرسد جـاده‌بعد ازمسیر خشکگی که بعرض ۱۰۰ مترو بعمق ٥٠ متر است عبور کرده پس از پیچ و خم زیاد به نزدیکی ده خواجه حسن در ۱۲ کیلومتری رباط کلمرد میرسد آبادی خواجه حسن کـه دارای یـك خانوار و دارای مختصر رعیتی است در ٦ کیلومتری خواجه حسن ارتفـاعات تدریجاً پست شده و از طرفین معابر بازی را ارائه میدهد پس از عبور ازرباط خان جاده پس از یك دو پیچ بطرف راست منحرف شده و از اینجا تدریجـاً ماسه های زیادی بنظر میرسد پس از طی چند کیلومتر ارتفاعات جناح راست بکلی پست شده و تپه های ماسه نمودار میشود در صورتیکه ارتفاعات جناح چپ مثل سابق با وضعیت کوهستانی خود باقی است - پس از قدری بطرف‌چپ

منحرف شده از گردنه بالا خواهد رفت این منطقه عموما کوهستانی است .

پس از خروج از تنگ جاده وارد منطقه ماسه زاری میشود که درحدود ٦ کیلومتر آن بی اندازه مشگل است شوفرها برای این ماسه در موقع ورود یك و در خروج دو سقاخانه آهنی قرار داده اند که هر شوفری در موقع آمدن از نزدیکترین آبادی یك حلب آب برای آن میآورد .

پس از عبور از منطقه نامبرده بالا جاده وارد جلگه صافی میشود .

در جلو رشته کوهستان مرتفع و مهمی که دارای قلل متعدد است ملاحظه میگردد در جناح چپ در مسافت خیلی دور باز قلل دیده میشود ولی در سمت راست زبانه کویری بنظر میرسد جاده از رشته شمالی ارتفاعات سنگی عبور نموده و در حدود ۳ کیلومتر از روی زبانه کویریکه بکلی مسطح است عبور مینماید در آخر زبانه کویر آب انبار بزرگی با اصول مرتب و جدید ساخته شده که از هرلحاظ قابل توجه است پس از عبور از این منطقه جاده در دامنه ارتفاعات باشیب خیلی ملایم عبور مینماید تا ۱۲ کیلومتری رباط پشت بادام به آبادی شور که دارای آب سیاه رنك وجای سه خانوار است رسیده از آنجا بسمت باختر منحرف و بطرف رباط پشت بادام میرود .

رباط پشت بادام قریه ایست دارای ۷۰ خانوار که اکثر سکنه آن حشم دار و دارای زراعت مختصری میباشند این آبادی از طرفی به بیاضه و خور از طرفی بطرف رباط خان واز طرفی بطرف دیره میرود آب انبارهای خوب در این آبادی وجود دارد دریك کیلومتری رباط همت آباد واقع است که دارای ۸ خانوار است از این آبادی جاده بطرف ساقند وارد یك دهلیز کوهستانی که بوسیله دو رشته کوهستان سنگی احاطه شده میگذرد عرض این دهلیز در حدود ۲ کیلومتر است .

در ۲۰ کیلومتری ارتفاعات چپ تمام شده جاده وارد یك جلگه صاف بی عارضه میشود که در طرف چپ آن زبانه کویری بنظر میرسد .

در ۵۰ کیلومتری یك آب انبار جدیدی در کنار جاده ملاحظه میشود در ۳۰ کیلومتری ساقند رباط اله آباد است که فعلا خراب و بدون آب است آبادی ساقند دارای ٦٠ خانوار و دارای اشجار سردسیری است دیگر در این محل اشجار خرما که نماینده گرمسیر است دیده نمیشود زراعت این آبادی گندم و جو است در این آبادی مقبره امام زاده قاسم پسر فضل ابن عباس واقع شده .

ساقند - یزد

جاده در داخل دهلیزی که جناحین آن بوسیله دو رشته کوهستان خاکی مشخص است عبور مینماید عرض این دهلیز از ۳۰ کیلومتر الی ۱۰ کیلومتر میباشد از این محل رشته ارتفاعات سنگی از پس رشته‌های خاکی هویدا شده جلگه را توسعه میدهد بطوریکه محور جلگه باز تر و ارتفاعات عقب تر خواهد رفت .

پس از چند کیلومتری ارتفاعات بکلی کنار رفته محور جلگه صافی بنظر میرسد - جاده بدون کوچکترین عارضه اول در دشت ماسه که درطرفین آن آب انبارهائی ساخته شده عبور کرده سپس باشیب ملایمی بطرف شهرنو که آبادی کوچکی در ٦٠ کیلومتر ساقنداست متوجه میشود این آبادی دارای نخلستان کوچکی است و معلوم میشود که بواسطه گرمی و مستعد بودن هوا ثمرمیدهد.

در ۱۰ کیلومتری شهرنو جاده وارد مسیر رودخانه و آبادی سیلابی شده با پیچ و خم های زیادی پس از طی ۱۵ کیلومتر در این مسیر از نزدیك آبادی از مسیر خارج و داخل دهلیزی که جناحین آنرا کوههای مهم سنگی قرار گرفته داخل میشود کوههای جناح راست متصل تر و دارای کمر های فوق العاده سخت و صعب میباشد و در عقب رشته اصلی دهلیز رشته دیگری ملاحظه میگردد ولی ارتفاعات سمت چپ تدریجاً پست میگردد درعقب رشته جناح چپ هم

باز ارتفاعـاتی ملاحظه میشود ارتفاعات جناحین تدریجاً بلندتر شده و کوهستانهای صعب سنگی که عموماً دارای کمرهای غیر قابل عبور است ارائه میدهند این کوهستانها از یك سری قلل و رشته هائی تشکیل شده که دارای جهت و سمت مشخصی نمیباشند و در نتیجه بین این قلل دره های عدیده ملاحظه میگردد که گاهگاهی این ارتفاعات دور شده و تشکیل جلگه صافی راداده و گاهگاهی بهم نزدیك شده دهلیز تنگی را تشکیل میدهند در ۵۰ کیلومتری یزد کوهستان بکلی خاتمه یافته و یك جلگه کاملا صافی که کوچکترین عارضه در آن نیست ملاحظه میشود که تایزد ادامه دارد این بیابان شن زار و بدون آب است .

در ۳۶ کیلومتر باختری شهر یزد براه شوسه یزد اصفهان ملحق و به یزد منتهی میگردد

فصل چهارم

جاده بیاضه انارك یزد

۱ - از رباط پشت بادام بطرف بیاضه
۲ - بیاضه تاخور
۳ - راه های خور
٤ - خورتاچوپانان
٥ - چوپانان تا انارك

از رباط پشت بادام بطرف بیاضه ٥۹ کیلومتر

از نزدیکی آب انبارهای رباط جاده متوجه باخترشده در زمین شن‌زاری پس از یك کیلومتر جاده متوجه (گدار اولین) خواهد شداولین یك قسم علفی است چون چشمه مجاور این گدار پوشیده از این علف است لذاباسم اولین خوانده میشود طرفین تنك بوسیله کوه سووك محدود شده این کوهستان آهکی ودر پی آن بطرف داخله تنك چشمه آب شیرینی وجود دارد پس از ۱۲ کیلومتر از تنك خارج شده در جلو ارتفاعات بیاضه در عقب یك جلگه بسیار صافی که امتداد کویر است دیده میشود جاده در یك جلگه صافی بطرف بیاضه میرود در عرض راه تا ۲٤ کیلومتر جنس زمین شنی است ولی از ۲٤ تا ۲۸ کیلومتری جنس زمین شن بسیار ریز است از ۲۸ تا ٥٤ کیلومتری جاده از یك مسیر ریگذاری عبور خواهد کرد بعداً جاده بطور کلی طبیعی است فقط در قسمت اولیه تا خاتمه تنك دست کاریهائی شده ولی پس از آن دره ها و دست اندازهائی خواهد بود گرچه این دست انداز ها مزاحم حرکت خود رو نیست .

بیاضه آبادی مشجری است در دامنه کوه پرویز که کوه مرتفع و پر آبی است سکنه بیاضه در حدود ۱۸۰ خانوار شغل کلی آنها زراعت و زراعت

عمده آنها گندم - جو - شلغم - میباشد سکنه این آبادی سالم و در صورتیکه گلشن کلیه سکنه مبتلا به تریاك میباشند سکنه این حدود بهیچوجه ابتلائی دارا نبوده آب مشروب اهالی از قنات است .

آبادی سراسر پوشیده از نخل خرما و میوه جات گرم سیری است که فقط خرمای آن صادر میشود آبادی در وسط رشته تپه هائی قرار گرفته از طرف شمال خاوری آبادی مسیل بزرگی دیده میشود از آبادی چند مسجد قدیمی جلب توجه را مینمایند بیاضه در ۵۹ کیلومتری رباط پشت بادام قرار گرفته خودروی سواری در ۳ ساعت معمولا این راه را طی مینماید .

از بیاضه تا خور

جاده پس از عبور از تپه های اطراف بیاضه در زمین هائی که قسمت عمده مرکب از مسیل های خشك است عبور نموده در ۴۲ کیلومتری به آبادی کرمه که در دامنه ارتفاعاتی قرار گرفته میرسد این آبادی دارای ۱۰ خانوار و دارای نخل زیاد میباشد آب این آبادی آب چشمه سکنه آن در حدود ۴۵۰ نفر مسافت بین کرمه و بیاضه را معمولا با خودرو سواری بطور متوسط میتوان در یکساعت و ربع طی نمود .

در ۲۷ کیلومتری آبادی کوچك میشادر که دارای ۱۲ خانوار است واقع شده که دارای نخلستانهای زیاد است .

پس از این آبادی راه از گردنه کوچك ریك انجمن گذشته بطرف باختر منحرف خواهد شد جاده از چندین رشته ارتفاعات خاکی کوچك که در بین خود تشکیل جلگهٔ های کوچکی را داده اند عبور نموده در ۵ کیلومتری خور از گردنه سلام آباد که در تپه های خاکی واقع شده بطرف خور سرازیر خواهد شد خور آبادی بزرگی در دامنه ارتفاعات بطرف کویر قرار گرفته دورا دور آن آبادی بزرك از نخلستانهای زیادی پوشیده شده سکنه خور بیش از ۵۰۰ خانوار میباشد

دارای مردمان بسیار فهمیده و مطلعی بوده که اکثراً اشخاص باهوش در بین سکنه آن یافت میشود خور یکی ازمراکز مهم کنار کویر محسوب شده وبمسافت های تقریبی زیر از نقاط مختلف قرار گرفته است .

از انارك	۳۶ فرسنك	۲۱۶ کیلومتر
ازپشت بادام	۲۰ »	۱۲۰ »
بطرف حلوان	۳۰ »	۱۸۰ »
بطرف سمنان	۵۰ »	۳۰۰ »

درجه حرات در خور زیاد نیست حتی در اواسط تابستان درموقع ظهر در زیر سایبانی هوا بسیار خوب و کاملا معتدل بنظر میرسید .

معابر خور که از کویر عبورمینماید

چون خور یکی ازمراکز نسبتاً مسکون کویر میباشد لذا اهالی برای احتیاجات وتهیه وسایل زندگانی خود از جاده‌هائی استفاده نموده دائماً دراین معابر در حرکت میباشند که بطور خلاصه درج میشود .

۱ - خور - گلشن - که ۴۲ کیلومتر این جاده در وسط کویر عبور خواهد کرد .

۲ - خور حلوان گلشن که ۷۶ کیلومتر ازوسط کویرعبور خواهد کرد

۳ - خور حلوان گلشن که ۱۲۰ کیلومتر از وسط کویر عبورخواهد کرد.

۴ - خور محمد آباد - ترود شاهرود ۴۵۰ کیلومتر که ۱۸۰ کیلومترآن ازوسط کویرعبور خواهد کرد

۵ - خور دهکده مصر از راه کویر حسینخان بسمنان ۳۶۰ کیلومتر که ۱۸۰ کیلومتر آن ازوسط کویر عبور خواهد کرد .

۶ - خورچندق از راه کویر نو به سمنان ۳۰۰ کیلومتر که تمام آن از وسط کویر عبور خواهد کرد .

از خور تاچوپانان ۸٦ کیلومتر

در موقع خروج از خور در دهلیزی بعرض ۳۰ کیلومتر حرکت خواهد شد که ارتفاعات جناح راست آن متصل و پیوسته میباشد در جناح راست آبادی فرخی که دارای ۱۰۰۰ نفر سکنه است با چند آبادی دیگر که بوسیله نخلستانهای خرد در پایان کوهستان مشخص شده بنظر میرسد جاده در ۱۸ کیلومتری به آبادی حسن آباد که کلاته ایست مصادف خواهد شد در سمت راست آبادیهای زیادی دیده میشود درصورتیکه در سمت چپ بهیچوجه آبادی ملاحظه نمیشود از ۲۵ تا ۲۷ کیلومتری قطعه شن زاریست که بایستی برای عبور وسائل خودروی از آن دقت شود . با آنکه در آن حدود چشمه کمتر است ولی در کوهستانهای مجاور طبق تحقیقات سنك آبهای زیاد یافت میشود ارتفاعات اطراف عموماً سنگی و مرتفع است در ۳۹ کیلومتری جاده از وسط آبادی چاه ملك که دارای ۵۰ خانوار و قدری مشجر است عبور خواهد کرد در ٦٤ کیلومتری جاده از تنگی موسوم به گدار بادام که از کوههای مرتفعی محدود شده عبور خواهد کرد پس از پیچوخم زیاد درماسه و ارتفاعات عبور نمودهٔ در ۸٦ کیلومتری به آبادی چوپانان که دارای ۱۰۰ خانوار میباشد خواهد رسید . این آبادی خیلی خوش آب و هوا و جالب توجه است سکنه آن قبلا درقلعه سکونت داشته که چون خراب شده لذا به ساختمان این ابنیه اقدام نموده‌اند در اطراف آبادی نخلستانها خیلی کم است .

در آبادیهای این خط خاصه در چوپانان چیزی که بی نهایت جلب توجه را مینماید موضوع هیکل و قامت سکنه است که اکثراً مردمان خوش بنیه بلند قد وخوش هیکل بوده بخوبی درك میشود هیچگونه ابتلائی وجود ندارد . در این مسافت فقط قسمتی از جاده ملك از شن و ماسه روان تشکیل شده که عبور از آن خالی ازاشکال نیست .

فصل پنجم

مسیر جاده پیاده رو فردوس به شهداد

در موقع خروج از فردوس درمحلی که جاده یزد و گلشن بسمت مغرب امتداد پیدا میکندجاده شهدادبسمت جنوب متمایل شده پس از عبور از اراضی مزروع بناحیه که از تپه های پست تیره رنگی تشکیل شده میرسد در هر ٤ میل یك آ ب انباری که دارای سقف است دیده میشود . پس از مسافتی که از پهلوی چاه خوش آ ب که دارای آ ب شور میباشد عبورمیشود پس از یك میلی به جلگه بازی میرسد که دارای آ ب شیرین و از طرفی بواسطه ارتفاعاتی محدود شده، در ٧٠ کیلومتری به چهار گنبد که دارای آ ب سبز رنگی است خواهیم رسید از چهار گنبد که بطرف دهوك ٢٢ کیلومتر ورشته تپه هائی در بین راه میباشد .

دهوك قلعه بسیار قدیمی استدر اطراف آ ن اراضی مزروعی زیادی ملاحظه میشود خود دهوك دارای موقعیت خاصی بوددردهنه تنك و در جلوی کوهستان مرتفع قرار گرفته است سطح جلگه دهوك ٤٥٠٠ فوت از سطح دریا مرتفع است تا اوایل فروردین ماه اکثر ارتفاعات این منطقه پوشیده از برف است

راه گلشن و شهداد از دهوك مجزا شده راه اصلی گلشن از داخله تنك بطرف دامنه کوهستان متوجه شده ولی راه شهداد بطرف جنوب متوجه خواهد شد. جاده سخت وریگزار در ٢١ میلی جنوب باختری آبادی زیادو در ٣٧ کیلومتری آ بادی زنوغان قرار گرفته این آ بادی دارای نخلستان کوچکی است هوای این آ بادی از دهوك گرمتراست دهکده اسفندیاری که دارای آ ب معدنی واملاح سربی دارد در مغرب زنوغان واقع شده در ٢٤ کیلومتری زنوغان آ بادی گرم قرار گرفته که اطراف آن تمام باتلاق و نهال گزدر اطراف آ ن فراوان است در نیمه راه زمین بکلی نرم و فرو میرود بطوریکه تازانو در اکثر نقاط فرو

•

رفته و عبور دچار اشکالات و بخوبی ملاحظه میشود که شاخه کویر از این جا شروع میگردد دراین ناحیه بادهای بسیارزیاد و طوفانهای متوالی دیده میشود بطوریکه در تاریخ مندرج است گویا نادر شاه افشارضمن عبور از این ناحیه دچار طوفان شدید شده و اردوهای او پراکنده گردیده است در ٤ کیلومتری آب گرم آبادی نایبند قرار گرفته جاده از آب گرم پس ازمدتی که در جلگه امتداد دارد متوجه ارتفاعات نایبند شده و سربالائی خواهدرفت قریه نایبند در ارتفاع ۲۱۳۰ متر از سطح دریا قرار گرفته .

قلعه نایبند قدیمی است که چندین قرن سابق در مقابل حملات بلوچ ها ساخته شده، نای بند بواسطه موقعیت خود در وسط صحرای دور بودن از قراء و محل تصادف جاده فردوس و بیرجند قابل توجه است دراطراف نایبند چند رشته ارتفاعاتی وجود دارد که تا ۳۰۰۰ متر رسیده و بدون آب میباشند .

پس از خروج از نایبند جاده از میان تپه های پستی بالا رفته و به گردنه ایکه ۱۳۲۰ متر ارتفاع دارد رسیده و در مسافت ۲٤ کیلومتری به حوض خان خواهد رسید که دارای آب انبار بزرگی است بانی این آب انبار کنجعلی خان زیك که تیرئی از اکراد ودرموقعی حاکم کرمان بوده است میباشد پس از خروج از حوض خان از وسط کوههائی عبور میشود که اطراف آن شنزار و پایه ابنیه زیادی هم از خرابه های زمان قدیم دیده میشود و این سخره ها باعث جعل افسانه های شهرهای لوط شده بعداً به رشته ارتفاعاتی که در ظاهرمعبری برای عبور ندارد رسیده و از سراشیبی و پرتگاهی عبور و به چهل پایه میرسد . این نقطه در کف رودخانه و وجه تسمیه آن بواسطه وجود پلکان هائی است که آب از روی آنجا سرازیر میشود . این محل سابقاً کمینگاه و دزدگاه بسیار مطلوبی برای بلوچ ها بوده این محل ۳٤ کیلومتر تاحوض خان مسافت دارد از چهل پایه جاده متوجه جلگه مسطحی شده از کف رودخانه خشکی که در حدود ۷۱۰ متر مرتفعتراز سطح دریا است

عبور نموده در این جلگی ستونهائی دیده میشود که باعث راه یابی و هدایت مسافرین است .

در طرف جنوب جاده باز آثاری شبیه به خرابه های دقیانوس وشهرهای تصوری قدیم دیده میشود .

در ۳٤ کیلومتری به کاروانسرای دربند جاده متصل خواهد شد رشته ارتفاعات دربند در حدود ۲۷۰۰ متر وپر از شکارو دارای کانهای پنبه معدنی میباشد وطبق اظهار اشخاص مطلع کلیه کوهستانهای این حدود پر از کانهای مختلف است پس از ۱٤ کیلومتر جاده به کاروانسرای چاه کورو که دارای چاهی است خواهد رسید .

پس از عبور از ارتفاعات رستی جاده متوجه گردنهٔ خواهد شد که از آنجا قلل پر برف ارتفاعات راور وریگستان پائین آن نمودار خواهد شد . پس از ۲٦ کیلومتر جاده به اسمعیل آباد که آبادی و قلعه کوچکی است سپس در ۸ کیلومتری به راور منتهی خواهد شد . راور قصبه ایست که فعلا دارای ۸۰۰۰ نفر جمعیت میباشد در این قصبه قالیچه های خرسك وخشن و قالیهای مرغوب زیاد بافته میشود اطراف راور پوشیده از باغات است انجیر و آنار این قصبه بسیار معروف وصادرات عمده آنرا تشکیل میدهد در تابستان و بهار بواسطه ذوب برفها سیلابهای بزرگی ازاین قصبه جاری میشود که منجر به خرابی زیاد میگردد . جاده از کوهی که دارای قله متوسطی است عبور و در ۲۲ کیلومتری آب انبار پنج (حوض پنج) و در ٤۲ کیلومتری به آب بید خواهد رسید وجه تسمیه آب بید بواسطه عبور چشمه بزرك این ناحیه اززیر درختهای بید کهن است آب بید در ارتفاع ۲۰۰۰ متر از سطح دریا قرار گرفته وهوای آن نسبتاً خنك است ازاین جا جاده بطرف خط ارتفاعات بالارفته از ارتفاعات رنگارنگی عبور نموده به نهر هور که یکی از بهترین نهرهای آن حدود است خواهد رسید قریه هور در ۱۰ کیلومتری آب بید واقع شده جاده پس از

عبور ازهور و قصبه دوم هور متوجه ارتفاعاتی که ۲٤۰۰ متر ارتفاع دارد شده‌از تنگه مرتفعی گذشته به آبادی کرك که دارای ۳۰ خانوار سکنه است در ۱۳ کیلومتری‌هور خواهد رسید این ناحیه کوهستانی و دارای پست و بلندی زیاداست پس ازعبوراز ناحیه کوهستانی به گز که‌در ۱٤ کیلومتری کورك و به‌یك مسافت‌از شهداد و کرمان است خواهد رسید جاده پس‌ازعبور از گز از دونهرآب شیرین و شور عبور کرده به قریه کوچك نجن‌منتهی‌میشود کلیه دره‌های این‌حدود باصفا و پر از گل وسنبل در فصل بهار میباشد مرغ کوکو که در‌ایران بسیار نایاب است در این حدود زیاد و نغمات آن شنیده میشود . سکنه این محل مرکب از ۵۰ خانوار میباشد که زمستان را درشهداد و کشیت‌و تابستان درسیرچ‌بسر‌میبرند سرچشمه آب شهداد کمی بالای نجن ظاهر میشود از این آبادی تاشهداد ۳٤ کیلومتر است پس ازعبور ازآبادی به گردنه خراشکن رسیده این جا کوهستان بسیارسخت وعبوردواب بابار مشگل و بایستی بارهارا با دوش از گردنه عبور داد ولی باز کردن جاده بسیار کار سهل و میتوان با جزئی‌مرمتی این اشکال را مرتفع ساخت در‌دامنه خراشکن کاروانسرائی‌واقع شده و قدری پائین‌کاروانسرا نخلستانهای شهداد دیده میشود .

قصبه شهداددارای ۸ هزار نفر جمعیت ومنطقه قشلاقی بسیار خوب کرمان محسوب شده حاصل آن عبارت است از حنا - مرکبات - خرما بعضی‌ازسیاحان که اطراف شهداد را بازدید نموده‌اند درسیاحت نامه های خود از خرابه هــای اطراف شهداد ووجودبقایای کلیسائی‌صحبت کرده‌اند .

٤۰ کیلومتری شهداد از قریهٔ موسوم به ده‌رود جاده پیاده روئی بطرف کرمان‌منشعب میشود که بایستی ازارتفاعات نسبتاً‌سخت عبور کرده و برای‌دواب عبور ازآن‌بسیار مشگل است .

نتیجه : با ملاحظه شرحی که داده شده بخوبی درك میشود که راه بطرف کرمان از کویری که غیر قابل‌عبور میباشد ردنشده‌بلکه راه نسبتاً خوب بوده وارتفاعات وکوهستانهای آن اشکال حرکت را زیاد تر ارائه میدهد تا وجــود کــویــر هــا .

فصل ششم

دشت لوط

۱ - حدود : دشت لوط دومین کویر مهم ایران شمرده میشود این کویر درسمت جنوب‌خاوری قرار گرفته و نسبت به دشت کویر کوچکتر حدود آن بشرح زیر مشخص گردیده .

از طرف خاور به ـ نه ـ مردار کوه ـ نصرت‌آباد بطول ۱۸۶ کیلومتر

از طرف جنوب ـ نصرت‌آباد ـ شورگز ـ بم بطول ۲۱۰ کیلومتر

از طرف باختر ـ خط بم ـ کشیت ـ شهداد ـ گدار باروط بطول ۲۳۲ کیلومتر

از طرف شمال ـ گدار باروط ـ کوهستان شاه کوه ـ بطول ۲۴۳ کیلومتر

در این کویر بزرگ یك دریای شنی که غیرقابل عبوراست در طرف خاور قرار گرفته که بطول ۱۹۰ وعرض ۵٦ کیلومتر است وشاید سخت ترین وغیرقابل عبورترین نقاط این کویر محسوب میگردد - این کویر از لوط شمالی عمیق‌تر وارتفاع نقاط مرکزی آن بین ۳۵۰ تا ٤۵۰ متر از سطح دریا است چون شناسائی آن بی نهایت بنظر لازم میرسد لذا نتیجه سیاحت نامه های دکتر گابریل آلمانی که درسنوات متوالی به آن منطقه رفته است در ۸ فصل عیناً نقل مینمائیم چه توضیحات منظور کامل و جامع بوده دیگر توضیحات جدیدی لازم نخواهد بود .

۲ - نظریات دکتر گابریل آلمانی : گابریل آلمانی نسبت به کویر های جنوبی ایران که درآن مسافرتهائی نموده راجع به فرورفتگی ها و مسیر رودخانه های کویر جنوبی درفصل یازدهم چنین مینویسد .

شور گز هامون کویر جغرا فیدا نهای قرون وسطی بوده و بنابر این یك فرو رفتگی بزرگ ثانوی در لوت جنوبی وجود دارد که وسط شنها

ودر جنوب خاوری نمك زار دریك سطح تقریباً ۱۰۰ متر مرتفع تر قرار گرفته ومانند همین نمك زار در قسمت خاوری خرد با رسوبات دریای لوت سابق در تحت تأثیرات مختلف محسوب گردیده است . اگر چه نقشه محل باتلاقی نمك را بطور صحیح تعیین ننمود ولی وجود آن حقیقت داشته و مسلم میباشد که تمام سیل هائی که از کوه بارز - فلات سرحد - تا ارتفاعات نخل آب درجهت کویر سرازیر میشود دریك بستر وسیعی که در شمال باوچ آب قرار دارد مجتمع شده واین بستر که حاوی آب رودخانه های نهرج - ماهی - کورك آب مار - نخل آب میباشد عمیق ترین نقاط را در منطقه شنی تهیه نموده .

نکته مسلم دیگر آنست که در امتداد رودخانه که از وسط شن راهی برای خود باز نموده یك راهی وجودداشته که امروز هم بایستی یافت شود این راه بخط مستقیم موازی با نصف النهار لوت را قطع مینماید .

این جاده در حالی که از جنوب میآید در امتداد بستر رودخانه امتداد داشته ودر کویر لوت منحرف شده و از دشت لوت از کوه ملك محمد عبور و دائماً در کنار غربی دریای تپه شن ممتد بالاخره راهی که در شمال داخل لوت جنوبی شدیم قطع مینماید . این راه یکی از بهترین شریانهای خطوط مواصلاتی لوت جنوبی است زیرا تپه های شن و کالوت هارا قطع نموده و در سمت شمال و جنوب دارای مراتعی برای شترها میباشد . قدمت زیاد این راه رامسیلی که در سرحد جنوبی کویراست مدلل میسازد این راه امروزهم مورد استفاده دزدان و قطاع الطریقهای بلوچ میباشد .

ترجمه فصل یکم از کتاب سیاحت دکتر گابریل آلمانی

۳ ـ تکالیف اولیه

یکی ازروزهای گرفته ماه نوامبر۱۹۳۶ بپایان میرسید آسمان محل سکونت من گرفته و پوشیده از ابر و تاریکی شب بتدریج تپه های اطراف را فرا گرفته بود که ما کاملا آرام و بی صدا خانه محقر خود را برای رفتن به پایتخت امپراطوری دانوب ترك میکنیم .

مه غلیظی مانند پرده سیاهی روی ارتفاعات ودره‌ها را مستور وجنگلهای انبوه که هنوز مدت زیادی ار رنك آمیزی وجلوه آنها نگذشته بودتاریك و متروك در کنار قرار داشتند ـ سبزی ظریف و کشت زمستانی مزارع در تاریك وروشن غروب محو وجوانه‌های چاودار و گندم درانتظار برف زمستان بوده باد پائیزه سردی نیز در روی این ناحیه قشنك که دوسال مارا در آغوش خود نگاهداری نموده دروزش بود .

پس از دومین سفر علمی باقلبی محزون مانند اشخاص اسیرو گرفتار در این ناحیه رحل اقامت افکنده اشکالات زیادی برای اجرای برنامه علمی در پیش بود که مارا بکلی از پای درآورده باوجوداین استقامت شده افکار وخیالات ما راجع به برنامه جدید در فلاتهای آسیا یعنی آنجائیکه ایران رویای قدیم خود را درعالم خیال میبافت و موجب دلداری و تسلی ما در کارهای روزانه و حالت انزوا این وطن جدید بود میگردید .

سالهای راحتی به پایان رسیده و دنیای ابدبا عملیات غیر معلوم و مجذوب نیز بما اشاره میکرد . بالاخره توانستیم که غصه و گرفتاری زندگی پرتمدن را

فراموش نموده و دو باره به استیب ها و کویر هائی که در ۲۴ سال قبل برای اولین دفعه در روی زمین آن خوابیده بودیم رجعت نمائیم هر کسی که حتی برای یکدفعه در فضاهای خشك و وسیع آسیا سیاحت و گردش نموده باشد روح او برای ابد دلباخته و وابسته بآن خواهد بود .

پس از آنکه یکسال تمام صرف تهیه وسائل و احتیاجات شد بالاخره حاضر و آماده سفر ایران و افغانستان شدیم در این موقع یك چشم درد سخت که مرا روی آورده و باعث اتلاف مدت زیادی وقت گرانبهای ما میگردد . بالاخره در ۲۲ ژانویه ۱۹۳۷ توانستیم که (وین) را ترك گفته و برای رسیدن به تهران از راه روسیه ـ بحر خزر ـ کوههای البرز حرکت نمائیم و یك عده خیلی کوچکی از نزدیکان ما را تا ایستگاه مشایعت و هیچ کس خیال نمی کرد که ما باچه التهابی میخواهیم از آنجا خارج شویم با وجود اینکه دوری از منزل و ماوای پدری هم دشوار بود بالاخره پس از آخرین خداحافظی ترن براه افتاد و ما دوباره در بین راه برای رفتن به آسیای کهن بودیم . در تاریکی شب کاملا آرام و ساکت به بیرون تماشا و سکوت عمیقی ما را گرفته و با انتظار بزرگی مانند همیشه راجع به اولین تکالیف خود فکر می نمودیم نظر باینکه در تهیه برنامه های خود فصول کاملا رعایت شده لذا تاخیر اخیر که بعلت ناخوشی روی داده بود بی موقع و باعث اختلال فکر و باوجود این امیدواریم که قبل از شروع حرارت سوزان ماههای تابستان بتوانیم به سیاحتهای خود در زمینهای پست و مسطح جنوب ایران ادامه دهیم .

چنین در نظر داشتیم که برای اواسط فوریه در بم یعنی حاشیه لوت یا حلقه بزرك کویری که از دروازهای تهران شروع شده و پس از هزار کیلومتر به کوههای بلوچستان ختم میشود رسیده باشیم . این کویر بمشابه سد عظیمی از سنك ـ شن ـ شوره نمك ـ باتلاقهای نمك زار و سطوح خاك چینی باختر کشور

شر نقره خام را از خاور آن جدا و توده کوههای عریان و مغرکه مانند سنتی جزایر از این دریای بیکران سر بیرون آورده اند این سر زمین بی آب و علف را به فرورفتگیهای محدودی که طبقه به طبقه درجهت جنوب پست تر میشوند تقسیم مینماید .

در این جاست که یکی از خشك و تحول آمیزترین نواحی آسیا یا سرزمین شوره و بایری قرار دارد که از دورهٔ که فکر بشر بآن میرسد تا حال انسان از آن دوری جسته است .

مطابق نظر استخری (قرن دهم میلادی) صحرای ایران شوم ترین کویر هائی است که در کشور های تحت نفوذ اسلام یافت میشود مسافرین جدید که دارای تجربیات بزرگی بودند کویر گبی و قزل قم را در مقابل کویر لوت صحرا و چمن زارهای حاصل خیز نامیده اند .

اطلاعات و تحقیقات معرفت الارضی از این ناحیه خیلی بتدریج و زحمت تا حال بدست آمده و از دوره عهد قدیم تاریخ راجع به کویر های ایران کمتر اطلاعی در دست بوده و بهترین منبع اطلاعات ما از استرابو است که یك کتاب جامعی راجع به کارامانیا یا ایالت کرمان امروزی ایران نوشته است . اطلاعات جغرافی دانهای عرب در قرون وسطی راجع بآن دقیق تر و کاملتر بوده و کویر المفاز را عالم موحش و وحشی نام میگذاردند مقدسی حتی این قسمتها را نیز دیدن نموده و نتیجه تجربیات شخصی خود را اظهار داشته . او از خطرناکترین باتلاقهای نمك ـ شنها از سرما و گرمای کویر و دزدان آدم کش آن توصف مینماید .

سفر نامه مارکوپولو فوق العاده مفید و قابل استفاده و او در ۱۲۷۱ از لوت عبور و از بم آباد به طبس رفته و شرح کاملی از سفر خود نیز باقی گذارده است و ما توانستیم که در مسافرت علمی اولیه دقت مطالب و تحقیقات او راحتی در جزئیات تائید نمائیم در این اواخر بعضی از کاشفین کشور های مختلفه برای بررسی نواحی

خشك ایران اقداماتی نموده اند

در سال های قبل ما در تمام جهات مختلف در کویر های ایران مسافرت نموده تنها قسمت جنوبی . که در آ نجانیروی کویر باشدت زائد الوصفی موثر و امروز نیز این اثر در بین است نه توسط ما و نه توسط کاشفین قبلی مطالعاتی در آ ن بعمل نیامده است در این فرو رفتگی عظیم شهداد سابق (خبیص) که پست ترین قسمت نواحی خشك ایران است قـرار دارد که سطح آن ۳۰۰۰۰ کیلومتر مربع یعنی به بزرگی بلژیك و بروهوتی موحش است این منطقه را هیچ ذی حیاتی تا حال بچشم ندیده فقط در روی نقشه یك لکه سفید ملاحظه میشود .

ماموریت و تکالیف اولیه ما عبارت بود از بررسی فرورفتگی شهداد و محل اسرار آ میزیکه باتمام قواخیال تسخیر آ نرادر سر داشتیم .

جنوب این سر زمین ناشناس خط مواصلاتی که شهر بم را با ناحیه مسکونی زابلستان (سیستان سابق) مر بوطش نموده در یك قوس طویلی قرار داشت و در انتهای آ ن یك راه باریك منزوی میباشد که گاهگاهی درزمستان کاروانها باراه پیمائی سریع از آ ن برای بردن خرما از کـرمان بـه خراسان استفاده می نمایند .

در قسمت باختر یك سری واحه های خراب و کوچکی کـه اغلب آ نها نیز متروك شده اند در کنار کوههای شهداد و کشیت قرار داشته و در سمت خاور این سرزمین ناشناس بین رشته های آ خری سلسله جبال خاوری ایران یك راه کورهٔ وجود دارد که چادر نشین های کوهستان و بلوچهای ناروئی برای عبور با گله های شتر خود از آ ن استفاده می نمایند .

اطلاعات قدیم و جدیدی نیز از این شریانهای خطوط مواصلاتـی کـه کویر را احاطه نموده اند در دست هست .

نویسندگان قرون وسطی از همه چیز اطلاع داشته و از قـدیم الایام قسمت جنوبی بیشتر قابل استفاده واقع شده و از این جابوده که کراتووس سردار اسکندر کبیر با بقایای ارتش و فیلهای خود عبور نموده و اطلاعاتی

که از مسافرین آندوره از این جاده ها رسیده مختلف و گوناگون میباشد همچنین بنظر میرسد که راه واقع در حاشیه باختری کویر قدیمی باشد

طبق تذکری که در کتاب تاریخ کتانی (۱۱۸۸) که شیدلر آنرا بدست آورد بایستی در این محل یکجاده نظامی وجود داشته باشد وسفرا ولی ما در ایران در طول این جاده بودهیئت ون نیدر مایر آلمانی اولین هیئتی است که شرحی از آن میدهد. از این راه عبور نموده و ۱۷ سال بعد نیز ما از آنگذر میکنیم و یکقسمت از راه که درحاشیه خاوری لوت واقع بوده در سال ۱۹۳۳ ما اولین نفری در بین کاشفین و سیاحان سده جدید بودیم که از آن عبور مینمودیم. کویر از همه جهت به مناطقی محدود میشد که نفوذ در آن کار بسیار خطرناك و مشکل میبود. در خاور وجنوب تپه های شنی راه عبور را مسدود و در طرف شهداد نیز باتلاقهای نمك پیشروی را چندان مقدور نساخته و نظر باینکه لوت بدون اینکه ماهیت غیر مسکونی و بد خود را از دست دهد بتدریج در جهت شمال وارد منطقه عظیم کویر میشد لذا چنین نظر میرسید که پیشرفت از اینطرف غیر ممکن می باشد. گذشته از اشکالات نایابی آب در این نواحی بدی و موحشی وضعیت آب وهوا بدان اضافه میشد.

اشکالات اصلی عبارت بودند از طوفان هوا در تمام فضای این دشت وسیع متحرك ودر مدت زمستان باد کثیفی که شامل طوفان سرد و خشك کننده جنوب وحامل مقدار زیادی گرد و شن بودو کاروانها را روز های زیادی در یکنقطه پابگیر میکرد میوزید در تابستان باد شمال گرما و آتش سوزان کویر را باخود همراه آورده و در اثر وزش آن در طول صدها میل راه نواحی کویر طوری خشك میشود که کمترین رطوبت را در بدن ذی وجودی باقی نمیگذارد. و هیچ لکه وجود ندارد که انسان را در مقابل گرمای روز مختصر پناهی دهد. و در سایه باد های موسمی مرطوب در این فصل نیز امید بارانی در بین نیست. در نتیجه این حقایق و اکتشاف بعضی جغرافی دانها چنین اظهار داشته اند که: برخلاف آنچه تاحال فرض شده بود

که گرمترین نواحی کره زمین مستعملکات سابق ایطالیا در افریقای خاوری و یادره مرگ کالیفرنی است باید در قسمت جنوبی کویر لوت ایران گرمترین نقاط دنیا را جستجو نمود .

رشته کوه هائی که کویر را محدود میسازند بعضی از آنها در جنوب و جنوب باختری بیش از ۳۰۰۰ متر از پست ترین نقطه کویر لوت ارتفاع داشته و باد هائی هم که از این جهت میوزد در حین سرازیر شدن بحد کافی حرارت اخذ نموده و بدین ترتیب غیر ازاشعه های سوزان خورشید حرارت دیگری نیز بکویر ضمیمه شده و وضعیتی بوجود میآید که مانند آن درهیچ نقطه عالم یافت نمیشود .

یکی ازجغرافی دانها درحاشیه خاوری لوت در ماه ژوئن درجه حرارت را ٥٢ اندازه گرفته و چنین حساب مینماید که درجه حرارت قلب کویر که چندین صد متر پست تر میباشد درهنگام شدت گرما که در ماه ژوئیه یا اوت ظاهر میشود در حدود ٦٦ درجه از میزان نامبرده در بالا تجاوز مینماید

از مطالب بالا بخوبی میتوان استنباط نمود که در نواحی که ما بایستی کاوش نمائیم وضعیت جوی طوری است که بادر نظر گرفتن بی روحی و عدم وجود ذی حیاتی فشار و تحمل سختی بکاروان ماوارد خواهد شد .

نکتهٔ که باعث ترغیب و تشویق ما میشد این بود که اطلاعات جغرافی دانهای عرب بیشتر از ما بوده و آنها راهی را میشناختند که باسم راه جدید نامیده و در تمام عرض این سرزمین مجهول امتداد داشت (استخری : صفحه ۲۲۹ مجله ۹ و صفحه ۲۲۷ مجله ۷ جلد یکم)

از محل دارستان واقع در زاویه جنوب باختری لوت بایکروز مسافرت به سرابی رسیده یعنی به یك چشمه که آب در یك گودال استخرمانندی جمع میشد و از آنجا در مدت چهار روز راه پیمائی از یك راه پرخطر و طویل کویر بالاخره شخص بده صالم میرسید .

مسیر این راه که درهیچ یك از نقشه‌های ایران ترسیم نشده بود در یاد داشت سفر آخرخود تاحدی مشخص ولی اسناد و اطلاعات کافی برای پر نمودن تقریبی لکه سفیدروی نقشه مقدور نگردید.

از قرار معلوم این راه باریك‌از بین رفته‌در قرن دهم دیگریك‌راه‌مواصلاتی عالی بشمار نمیرفته و احتمال میرود که‌در جنگهای داخلی در نیمه اول قرن نهم فراموش شده و دیگر مورد استفاده واقع‌نگردیده‌است.

خلاصه چندین سال ما انتظار کشیده و مشغول کار برای بدست آوردن لوت بودیم. پیشروی که ما درسال۱۹۲۸ازدارستان بطرف ناحیه غیرمکشوف بعمل آوردیم باعدم موفقیت منتهی ولوت مارا درحقیقت بعقب رانده و بایك وضعیت اسفناکی خود را به کشیت‌رسانیده و خوشحال بودیم که توانستیم زنده از آنجا بدرر ویم.

ولی در سال ۱۹۳۳ باتکاء نتایج تحقیقات سفر اولی خود وجود یك دریای تپه‌شنی عظیمی را یعنی بزرگترین منطقه‌ریك روان‌ایران را مشخص‌ساخته ولی این دریای تپه شنی از خاور و جنوب کویر را احاطه نموده‌و نفوذ بداخل آن غیر مقدور بنظر میرسید. سرزمین بعدی‌که مورد نظر و آرزوی ما بود در بین راه شهداد به ده سالم قرار داشت.

در آنوقت در دومین و سومین‌روز مسافرت‌خیلی آرزوی جنوب راداشته اما انحراف در این جهت برای ما حکم انتحاری داشت. یکمرتبه دیگر یعنی‌در دوم نوامبر ۱۹۳۳ از یك تپه شنی در نزدیکی چاه سام توانستیم نظری به این عالم افکنیم یك اقیانوس عظیمی از کوههای سست‌شن تا جائیکه آسمان‌وزمین در افق یکدیگر را قطع مینمودند فضا را پر نموده. رشته برآمدگی پشت رشته برآمدگی با تعداد زیادی قلل بنظر طوری نمایان بود که ما نتوانستیم کاملا بطور واضح آنرا در پیش نظر خود مجسم سازیم و در مسافت خیلی‌دور هم توده‌های شن‌مانند کوه بر آسمان بر افراشته بودند و بدین ترتیب پرده پائین می‌آید.

حالا در نظر داشتیم از آنجائیکه در سه سال قبل رسیده بودیم کار را ادامه داده و کس دیگر هم در این مدت دراین قسمت عملیاتی ننموده و لوت جنوبی در آرامش و سکون کاملی در حال رؤیا بود .

این مرتبه بایستی پرده از روی این سرزمین مجهول برداشته شده ومادر نظر داشتیم قبل از آنکه آنچه درقوه انسانی ما بود صرف نموده و لااقل کویر را ازیك جهت قطع نمائیم و راه جغرافی دانهای عرب را دوباره بدست آوریم و درغیر اینصورت بخانه ووطن خود مراجعت ننمائیم .

زمانیکه ما خوشوقت بودیم برای حمله جدیدی به لوت میتوانیم براه بیفتیم منظره این سرزمین که هیچکس تابحال پای بدان ننهاده مانند یك شعله سوزانی در خاطره ما در اشتعال بود .

ما متوجه باین نکته بودیم که چه چیز در لوت جنوبی که ما خواستار آن بودیم بانتظار ما بود و میدانستیم که هیچ بشری باین جهنم پای ننهاده و هیچ اروپائی جرأت ورود بدان را نداشته - حتی یك علف در آن نروئیده و هیچ ذیروحی هم نیزدر آن زیست نمینماید و باوجود تمام اینها یك نیروی سحر انگیزی ما را بسوی آن جلب مینمود .

در سفردوم خود تقریباً طرح و نقشه تسخیراین سرزمین را ریخته وتعیین نمودیم که چگونه مبارزه برای این کویر را بایستی اجرا نمائیم .

همانطور که ذکر شد انتخاب فصل حائز اهمیت وپس از مطالعات دقیق و کافی هفته هائی که بین زمستان سخت و تابستان سوزان قرار داشت برای مسافرت بهلوت انتخاب نمودیم و امکان اینکه بتوانیم از اولین مراتع واقع در نواحی کنار کویر برای خود استفاده نمائیم برای تصمیم بالا حائز کمال اهمیت بود. از برنامه اولی خود دائر بترتیب دادن یك کاروان سبك و متحرك بایستی صرف نظر شده و معلوم گردید که در صورت استفاده از شتر های کورسی (سواری) تهیه و تأمین مقدار آب کافی غیر مقدور و برای حمل آب مورد لزوم چند ظرف آلومینویمی ٤٥ لیتری تهیه دیده بودیم .

نکته دیگری که باید در نظر گرفت این بود که داشتن ایرانیها بمنظور ملتزم رکاب و همراه همیشه باموفقیت توأم نبوده، تنها بلوچ ها یعنی سکنه وحشی نواحی حاشیه جنوبی کویر میتوانستند ما را برای مسافرت در این راه خطرناك کمك نمایند. غالباً در سیاحتهای قبلی خود با ترسی وسابق صفات ذیقیمت بلوچها آشنائی پیدا نموده و دستهٔ از آنها که در دورهٔ که هنوز حکومت مرکزی ایران در تهران از چپاول آنها جلوگیری ننموده بود از این کویر بی‌راه گذشته و مایه تعجب و شگفت ما میگردید.

البته مسئله مهم این بود که آیا ما اصولا اشخاص مفید برای منظورخود پیدا خواهیم نمود یا نه

از چه جهت ما بایستی حمله نمائیم؟

درتوقفی که در پائیز ۱۹۳۲ملاقاتی در چادر ملك شاه خان سر طایفه بلوچها نارو‌ئی‌نصرت آباد برای‌ما روی‌داد این موضوع در آنجا مطرح گردید

از قرار معلوم در چندین سال قبل یك نفر بلوچ پیرموسوم به دران خان که جزو قبیله ملك شاه خان بود با ۹ نفر و ۹ شتر که فقط آب حمل میکردند توانسته بودند که ازلوت جنوبی دارستان عبور نمایند ومبداء آنها قسمت بازی در تپه‌های شنی واقع در جنوب آبخاران بود. منظور از سفرنا معلوم و از قرار نظر بدست آوردن غنیمت و دستبردی بوده است.

طبق اظهار خود دران خان شش روز تمام مسافرت از وسط شن و دوروز هم از زمین سخت و سنگزار و توده های ریك‌روان که در بعضی نقاط به‌ارتفاع زائدالوصفی میرسیدند ادامه داشته تنها از خوشبختی بعلت باران سختی که در روی تپه های شنی باریده و شنها را قدری سنگین نموده بود حرکت آنها تخفیف و امکان عبور از کویر بدین‌وسیله میسر گردید. و البته این مسئله یك پیش آمد و سعادت نادری بوده و خود مسافرین هم امید جان بسلامت بردن را نداشتند.

نظر باینکه در فصلی که مابرای پیشروی انتخاب نموده بودیم بلوران

بندرت میبارید لذا چنانچه می خواستیم از جهت خاور پیش برویم بدون شك شترهای مادر شن نرم کاملا از پای در میآمدند .

بهتر از همه چنین بنظر میرسید که برای عبور از لوت از راه جغرافی دانهای عرب استفاده شود و برای مبدأ و محل دخولی خواستیم از یك نقطه ضعیفی که در زاویه شمال خاوری کویر واقع ودر آ نجا از شدت و خطر دریای تپه شن کاسته و دارای طبقات سنگهای آتش فشانی بود استفاده نمائیم چنانچه جهت جنوب غربی را در پیش گرفتیم این امتیاز را داشت که مامتوجه کوههائی میشدیم که در موقع صافی هوا از کویر بایستی دیده شوند .

گرچه همیشه برنامه مسافرتهای بزرك قبلا طرح ریزی میشد ولی باز مجبور بودیم که ابتدای امر مجدداً به نصرت آباد که ملك شاه خان را در آ نجا باید دیدن بکنیم برویم .

مابخود وعده های زیادی از نفوذ در ناحیه غیرمکشوف داده و بطور کلی می توانستیم تصوراتی راجع به ساختمان داخلی وشکل ظاهری زمین کویر داشته باشیم .

لوت جنوبی را باید یك فرو رفتگی دانست که در اثر شکاف بوجود آ مده و در یك قوس وسیعی اطراف آ نرا کوههای چین خورده جدیدی که از سنك آتش فشانی تشکیل شده اند احاطه نموده و چنین بنظر میرسد که داخل آ ن از طبقات رسوبی پستی تشکیل شده و در شمال خاوری این دشت یك رشته کوه قرار گرفته است این فرو رفتگی در دوره های قدیم یك دریاچه مسدودی بوده و از حواشی و اطراف ریزشی بطرف آ ن سرازیر شده است در هیچ جای ایران این عمل باندازه فرورفتگی شهداد که در آن کویر های ایران بمنتهای خشکی خود میرسند مهم و باعظمت نبوده و یك فرورفتگی و بزرگی که در تحت تاثیر باد تشکیل شده در این جا بوجود آمده است .

برخلاف قسمت شمالی فقط یك باریکه طویل در حاشیه غربی این فرورفتگی

یعنی نمك زار دیده میشود بقیه یك باطلاق نمك میباشد . در اینجا بایستی دریاچه انتهای رودخانه ایکه سرچشمه اش در کوههای خاور بیرجند و در یك قوس بزرگی بین کوه دربند و کوه مرغاب در کویر نایبند جاری است درنظر داشت و با وجود مسیر طویل آن در کویر آب آن در اثر تبخیر از بین رفته و در ٦٠ کیلومتری شمالی شهداد تشکیل یك بستر نسبتاً بزرگی را داده وما ازآن درسفر ۱۹۳۳ درنزدیکی گذر با روط عبورنمود و درآن موقع اطراف آن رود از توده های نمك احاطه شده بودچنین بنظر میرسید که درجهت جنوب خاوری متوجه یك سرزمین ناشناسی باشد .

از سر نوشت مجری آبی که ازسمت جنوب متوجه لوت میشد بهیچوجه اطلاع و اثری در دست نبود .

در نقشه های قدیم یك کویر وسیعی باسم شور گزهامون درجنوب خاوری نمك زار دیده میشود . چنانچه واقعاً این کویر در بین باشد بایستی دریاچه انتهائی محتوی نمك آبی که از جنوب درجریان است باشد .

چنین بنظر میرسید که زمینهای اطراف نمکزار بسرعت بر ارتفاعشان افزوده شده و در تمام جهات بتدریج مرتفع تر میگردند . درحالیکه در طرف خارجی لوت سنك فرشها طبقات پوششی را حفظ می نمودند ولی درجهت داخلی یعنی آنجائیکه مواد نرمی رسوب نموده بودند باد طبقات کامل آنرا باطراف انتقال داده بود . درراه کاروان رو از شهداد به ده سالم نقاطی دیده میشد که رسوبات خاك چینی مخلوط با شن نرم که شکل مخصوص را داشتند بعنوان شاهد و نمونه باقی مانده بودند .

اینها شهرهای لوت را که بطرز با شکوهی قطع شده اند تشکیل میدهند و ما از آن درکتاب خودمان « از وسط کویر های ایران » اطلاعات دقیقی داده ایم .

در ۲۰ - ۵۸ جغرافیائی بین شهداد - ده سالم بتدریج شدت کویر تخفیف یافته . در اینجا سنگهای آتش فشانی و کوههای سنك خاراو قسمت سنگی سختی ملاحظه‌میشود که‌در اثر ریزش و فرونشستن و در نتیجه توده‌های شنی که ازنواحی مجاور به‌آنجا آمده اند برآمدگیهای کوچکی که در آنجا وجودداشت بکلی‌محوشده‌اند

طبق اصول و قواعد توسعه کویر های شن ایران فرو رفتگی شهداد در جهت‌جنوب وخاور باحلقه تپه های شنی‌مسدود گردیده . راجع به‌وسعت و دامنه آن اطلاع زیادی نداشته‌ولی‌تاحال‌چنین توده‌های عظیم شن ملاحظه نشده است
چونکه بر آمدگیهای پستی فرو رفتگیهای مختلف فلات ایران را از یکدیگر جدا میسازند لذا توده های شن روانی که دراثر تلاشی و خوردشدن کوهها و یا از رسوبات دریاچهای‌خشك‌شده بوسیله باد شمال از مسافت خیلی دوری باین‌قسمت آورده‌شده تشکیل یك دریای تپه شنی عظیمی که لوت‌جنوبی را احاطه نموده بوجود آورده است

با ارتباط بمسائل مربوط راجع به شکل کویر می بایستی تحقیقات دیگری نیز راجع به تأثیرات مختلف صورت گیرد زیرا لازم بود که راجع به مسیرباد های موسمی که تنها عامل اصلی آب و هوا است و درجه حرارت - وطوبت و باران مطالعاتی انجام گیرد .

بدین ترتیب بعضی ازمسائل منتظر حل خود بوده ومتاسفانه وقت نامحدود و تجربیات تلخ بماآموخته بود فصل‌مسافرت‌آخرین‌ماه قبل‌ازرسیدن گرما بوده و تنها ماهی است که برای مسافرت در فرورفتگی شهداد میتوان از آن‌استفاده نمود وتا اینجا هم می بایستی که کاوشهای ما دراین قسمت ایران خاتمه‌یابد

فصل هفتم

ترجمه فصل نهم از کتاب سیاحت دکتر گابریل آلمانی

عبور از وسط لکهٔ سفید روی نقشه

یادداشت روزانه از روز ۲۱ مارس الی ۲٦ مارس ۱۹۳۷

قرارگاه یکم لوت : ۲۱ مارس ۱۹۳۷

اینك ما از نظر سیاح مکتشف در اوج دورهٔ زندگی خود قرار گرفته و آنچه که سالها باین طرف درخواب وخیال می پنداشتیم امروز صورت واقعی پیدا مینماید کوشش و فدا کاریهائی که برای تهیه و مهیا نمودن وسایل کار تحمل نمودیم بیهوده نشده و امروز برای گذشتن ازلکه سفید نقشه جغرافیای ایران یا لوت جنوبی که مدتی پیش از نفوذ یافتن درداخل خود مخالفت میکرد آماده و حاضر بحرکت میباشیم . چنانچه دراین سفر موفقیت حاصل شود ثمرهٔ و افتخارزحماتی که برای کشف حلقه کویرهای داخلی ایران کشیده ایم نصیب ما شده آنوقت با خاطری آسوده لوت را ترك گفته و تحقیقات کامل آنرا به مکتشفین که درآینده با وسایل بهتری مجهز خواهند بود می سپاریم .

کویر همیشه در مشکلترین و دشوار ترین قسمتهای خود . از اقدامات و پیشروی جلوگیری کرده ولی حال امیدوار هستیم که بتوانیم این نبرد را بـا موفقیت شروع و با تجربیاتی که ازسفرهای چند خود درلوت بدست آورده‌ایم مقدمات کار برای این مرحله تهیه و بآینده خود با یك نظر اطمینان بخشی نگاه نمائیم .

برای هر نوع فدا کاری و از خود گذشتگی مصمم رجعت برای مـا محال خدمه وهمراهان ما نیزازاین موضوع مطلع ودراین دشت وسیع یابایدبهلاکت

برسنیم و یا - سعادت ورود به کشیت نصیب ما گردد . مقدمات و مراحل ابتدائی عبور از این لکه سفید چندان مهم صورت نگرفته است .

راه پیمائی طویل - گرفتاری و اشکالات بعلت خطر حمله راهزنان - مراتع بد - عدم کفاف آب و مقدم بر همه آب و هوا موانعی بودند که تاحال در سرراه ما قرار داشتند .

انتظار و صبر زیاد تر برای ما غیر مقدور بود زیرا ذخائر خوار بار ما بتدریج مصرف شده و تجدید و جبران آن امکان پذیر نمی بود صبح زود ما برای این سفر خطرناك براه میافتیم .

موقعیکه از دره قره سفید سرازیر میشویم وضعیت از همه حیث رضایت بخش آسمان ازجهت شمال قدری صاف و تنها روی لوت قدری گرفته بود .

حال هر قدمی که بر میداشتیم ازآب وروئیدنی دور میشدیم .

چرا وسعت - دوری - نا شناسی و خطر که برای رسیدن بآن شخص از زندگی خود باید چشم بپوشد انسان را بخود جلب و مجذوب خود میسازند ؟ وچقدر ما حسرت وآرزو داشتیم که خودمانرا باین نقطه از عالم برسانیم

ما متوجه مدخل یك سرزمینی بودیم که مابین دو کوهستان قرمز و مرمر خاکستری رنگ تشکیل شده و در حقیقت یك برهوت عظیمی بود که آنطرف ارتفاعات در جلو نظر باز وگسترش می یافت . سحر و اسرار این سر زمین بی حد وحصر تاثیر موحشی در روح بیننده دربدو امر ایجاد مینماید . طول وعرض این سطح مستور از شن وبستی وبلندیهای زمین بوسیله شن درشت بصورت زرة درآمده و چند گیاه شوره زار پلاسیده هم قادر به تخفیف شدت و سختی این سرزمین نمی‌توانستند بشوند وسایه های آبی رنگ ابر نیز روی کویر گسترش یافته بودند .

ما در اولین روز توقف خود در لوت چندان سعادتمند نبوده و ظهر با سرعت آسمان گرفته و پوشیده از ابر شده رشته های آب و قطرات بارانی که در فضا معلق بودند بدون اینکه بزمین برسند تبدیل به یك ابر تاریکی در

آسمان کویر گردیده و از زمین نیز ابرهای شن وخاك بآسمان متصاعد میشود و دریای دود ومه که از شمال باختری نزدیك میشد در تکاپوی بلعیدن کویر بوده وهوای بد با وضعیت وشدت زیادی ما را احاطه وشن را با شدت زیادی به صورت ما پرتاب میکرد . با وجود تمام این دشواریها ما براه پیمائی خود ادامه میدهیم زیرا اگر بخواهیم از رفتن و راه پیمائی که مدت مدیدی طول خواهد کشید از حالا صرفنظر نمائیم باعث ملال وحزن ما خواهد شد .

حال انشعابات و دنباله‌های دریای تپه شنی هویدا و فشار غیر قابل تحمل گردید ولی با وجودی که شنها دائما تغییر وقدرت طوفان هرلحظه بیشتر وبدتر و توده های زیاد شن وخاك برما هجوم و روی آور بودند ما با کمال تهور براه پیمائی خودادامه میدهیم . ساعت ۱٤ پیشروی غیرمقدور بلد بدون متوجه ساختن ما یکی از شتر ها را گرفته ومی‌خواباند وهمه نیز از او پیروی می‌نمایند .

ظرفهای آلومینیومی آب را برای حفظ خود در مقابل باد گذارده چادر روی زمین پهن و روی آن قرار گرفته غرش و صدا و تلاش باد و عالم افسار گسیخته را بحال خود میگذاریم پس از یك لحظه انتظار موحش طبیعت یك منظره دلچسب وعالی درمقابل بوجود آورده ابر های قرمز همه جا را تاریك و فضا مثل موقع غروب سیاه و یك صدای خفیف و عجیبی برمیخیزد پرتاب و صدای شن خاتمه یافته ولی در عوض خاك و گرد خالص ما را احاطه مینماید . ما بدون حرکت در روی زمین دراز کشیده تنفس دشوار وساعات وحشتناکی که مانند یك عمر طویلی بنظر میرسد برما میگذرد .

صدای ضعیف وگرفته همراهان که مشغول دعا بودند اثر غریبی درانسان ایجاد مینماید . ناگهان متوجه این موضوع میشویم که امروز روز یکشنبه مقدس میهن بوده وخاطره قوتی های تحفه این روز با گلهای بهاره کوههای آلپ اندوه وغصه غریبی را برمن مستولی‌میسازد امروز برای ایران هم یك‌روز خاطره آمیز است زیرا عیدنوروز یعنی ابتداء بهار که تحفه وهدایائی بیکدیگر داده ومردم درجشن وشادی هستند

ولی همراهان‌ما تمام این خاطرات را فراموش کرده اند . همینکه‌هوا قدری بهتر شدآفتاب غروب و همراهان ما مانند جن و شیاطین که‌صورت آنها با خاك مستور و رنك خاکستری پیدا نموده بودند در زمین شروع به خزیدن مینمایند . قبل از اینکه با چشم های مجروح خود از زیر روپوش بیرون بیائیم هوا تاریك و هنوز تکه‌های زرد رنك روی زمین قرار داشت ولی‌لحظات‌خطرنـاك و موحش سپری شده بود و تمام بکلی فرسوده و از پای در آمده و هیچ یك از خدمه یك چنین طوفان شدیدی بیاد هم نداشتند . شب فرا رسید همه ما خیلی گرفته‌و باخیال غصه نیز دست بگریبان‌و نمی دانستیم که سرنوشت این سفر چه خواهد شد بدون دید راه پیمائی غیر مقدور . از هوای فردا بی اطلاع و موانع و اشکالاتی که بما روی‌خواهد آورد برای ما مجهول بود قدرت تحمل و طاقت تشنگی شتر هابالاخره محدود و بنا براین تأخیر بهیچوجه جایز نمی بود بلد . باکمال‌دقت بمذاکره پرداخته و کاملا بمسئولیت‌خود آشنابوده والبته عبور از زمینهای پست و بلند در تاریکی برای او غیر مقدور و لذا بایستی تا سفیده صبح در اینجا مانده و بدین‌ترتیب زمان گرانبها ازدست میرفت.

گرچه همراهان ما درسخت‌ترین‌وضعیت تاب‌مقاومت داشتند ولی درمقابل موانع طبیعت توانائی و قدرتی نخواهند داشت . چیزیکه محرز است اینکه با وضعیتی که فعلا در جریان و پیش است ایرانیها یك قدم داخل این‌سرزمین نا شناس نخواهند گذاشت.

قرار گاه دوم لوت : ۲۲مارس ۱۹۳۷

روزجدید بی ابر و صاف وقدری هم‌سردشده بودساعت۷صبح میزان الحراره ۸ درجه سانتی گراد و ۹درجه کمتر از روز قبل در همین موقع بود .

بارهارااز زیر خاك‌و شن خارج نموده و بادل قوی قرار گاه یکم را ترك میگوئیم .

راه متوجه یکرشته کوهستانی که در سر راه قرار داشت میگردید توده های کوچك شن که در سمت فشار باد باشنهای درشت درروی‌زمین کشیده شده

و این توده ها که از خاك چینی تشکیل شده بصفحات کوچکی تجزیه گردیده و مانند ورقه کاغذ بشکل لوله در آمده بودند تپه های شنی عظیم عریان در خاور تارشته ارتفاعات ممتد و ادامه یافته و قسمت‌های کوچکتر آن باتوده های شن و ریك روان مخلوط و بمخروط تیره رنگی که در اثر ریزش کوه در آمده و یك پرده از تخت سنگهاروی آن را میپوشاند .از خورده سنگهای متلاشی شده چیزی برجای نمانده و توده های خرده سنگ و شن فوق العاده کم شده و قسمت عمده آن در اثر عوامل این آب و هوای خشك بجای دیگر منتقل و یا از بین رفته اند . یك عده برآمدگیهای مانند جزایری از دریا در ارتفاع یك گردنه نمودار میشوند و ما آنرا برای یاد بود بنام ملك محمد اسم گذاری مینمائیم و این ارتفاعات بتدریج درجنوب کویر مسطح از بین رفته - کوهها از سنگهای سخت تشکیل شده و در مقابل تمام عوامل و نیروهائی که برای از بین بردن و مسطح نمودن آنها بکار رفته مقاومت نموده و با وجود خشکی آب و هوا دارای شیار های آب و وضعیت شیارها مناطق خشك را بخوبی نشان میدهند . حال میتوان برای اولین باریك نظر اجمالی ازجهت باختر به یکی از دریا های تپه شنی انداخت . تپه‌های شنی درجهت ۲۰ درجه ممتد و بطرف جنوب خاوری متوجه بودند .

کوههای شنی بزرگ و کوچك یکی بعد از دیگری نمودار و مرتفعترین آنها تا ۷۰ متر ارتفاع رسیده و در آنطرف تپه های شنی حاشیه کوههای شنی قد برافراشته و از حیث عظمت با کوههای طرف خاور برابری و رقابت مینمایند امواج و نشیب و فراز این تپه های شنی بی‌اندازه زیاد و مانند امواج متلاطم دریا یك تپه شنی دیگر قرار گرفته است

در هیچ نقطه کف زمین نمودار نبوده وخاکهائی که در اثر از بین رفتن کوه در تحت آثار جوی بوجود آمده اند مانند گرده های بزرك از کوههای غربی بطرف شیبهای ملایم تپه‌های شنی وزیده و جمع شده و درحاشیه خارج دریای شن یك باریکه مختصری روئیدنی وجود داشته و قوافل میتوانستند قدری علوفه و مرتع برای حیوانات خود بدست بیاورند . ما در نقطهٔ که طرف راست

آن ارتفاعات ازسنگ وطرف چپ آن دریای تپه شنی قرار داشت متوقف میشویم سنك فرش سنگی تیره رنگ که زمین را مستور نموده بود بوسیله کوهستانهای قرمز رنگ و سبز رنگ زینت یافته و روی آن بطور ضعیفی شیار هائی وجود داشت که داخل آنها با شن پر شده بودند . با صبر و شکیبائی دو باره در این فضای خالی و برهوت آفتابی براه پیمائی ادامه میدهیم .

همه همراهان غیر از ما پیاده درحرکت بوده وبآنها گوشزد مینمائیم که هر یك که مایل به سواره آمدن است بایستی قبلا ازملك محمد خان که از حالت شترها بهتر با اطلاع بود سئوال نماید .

نفرات در یك بی قیدی شرقی غیر قابل خطا و اشتباهی فرو رفته .

(جهان) با آهنك ملایمی که عادت بلوچها است مشغول خواندن ومثل این است که درخواب و رویا است.

بزودی خورشید تمام طراوت شب و صبح را جذب و با زیاد شدن حرارت روز بین ما و تپه های شن یك باریکه آب تشکیل یافته و مثل این میماند که ما در امتداد یك شط در حرکت می باشیم و در روی این شط توده دیوار شن در هوا آزادانه معلق بنظر میرسند .

ترس این را داشتیم که طوفان شروع شده اما امروز نسیم ملایمی از جنوب باختری در وزش و تنها گرد باد زرد رنگی مانند اشکالی که نفس درهوا رسم مینماید در روی دشت در حرکت میبود و اغلب بیش از ده گرد باد در یك آن در حال رفتن در آسمان میبودند . از دیدن پهن شتر در روی زمین چندان خوشوقت نشده و مطمئناً راهزنانی از این راه عبور نموده بودند زیرا شتر های وحشی در ایران یافت نمیشودوشتر هائی که بطور آزاد چرا می نمایند تا این حد داخل لوت نشده و کاروانها هم این راه را نمی شناسند و یك راه نمائی که از سنك بطور غریبی روی هم قرار داده بودند حدث ما را تائید مینماید.

بعد از ظهر روز به آخرین گیاه دریای تپه شنی میرسیم خرگوش کوچکی که بین بوته ها درحال مخفی کردن خود بود با تیر زده به چوب کشیده فوراً

کباب وخورده شد و دوباره براه می افیتم .

به خرابه های فلاکت بار کوههای سابق باز بر خورده ما بایستی راه عبوری از وسط آنها برای خود پیدا نمائیم بلدما خستگی ناپذیر و دائماً از ارتفاع نزدیك برای بدست آوردن دید بالا میرود .

از اینجا به بعد بد ترین و قانع ترین‌نباتات که‌در مقابل گرما - خستگی شن و طوفان تاب مقاومتی دارند دیگر وجود نداشته ما وارد ناحیه خشك صد در صد که در آن فقط بارندگی یك پیش آمد نادر و اتفاقی است میشویم در این ناحیه تجزیه شیمیائی سنك و خاك از بین رفته و فقط خشکی (در تحت تاثیر باد) بر همه برتری دارد .

در طرف غروب منظره لوت اصلی بروی ما باز و حالا ست که در مقابل دریای عظیم و باز قرار گرفته و دسترسی به افق غیر ممکن و هیچ چیزمت‌نع دید نمی‌گردد . کویر مانند سطح بی روح گسترش یافته و ما در شرف سرازیر شدن از ناحیه توده سنگهای مدور آتشفشانی و مذاب و وارد شدن بسرزمین کاملا صاف و مسطح میباشیم .

کوه ملك محمد خان مانند صخرهٔ که در دریا سر از آب بیرون آورد از دور نمودارو از دور یك علامت و نشانه مشخصی در داخل‌لوت جنوبی بشمار میرود . دریای تپه شنی را که مانند جزر مد عظیم دریا بطور وضوح محدود میباشد طرف راست خود گذارده و در روی تابلو تصویر کویر تنها شن روشن دیده شده و سایر قسمتهای این سر زمین با یك پرده ضعیف شنی مستور میباشد و روی تمام اینها یك برهوت و خشکی حکمفرما و تا حال ما یك چنین عظمت و بزرگی مانند این انزوا مشاهده ننموده ایم . در این سر زمین که‌جریان‌تاریخ و زمان در آن اثری از خود نگذارده و در مقابل تلخی‌وخوشی حیات بشر بابی قیدی کاملی نظر می افکنده تا حال گذشته از عدهٔ راهزن و کاروانهای صبور که در هزاران سال قبل از اینجا عبور نموده انداحدی قدم‌در آن ننهاده است

قرار گاه سوم لوت :

۲۳ مارس ۱۹۳۷

دائماً شترها ما را

بداخل این سر زمین

لایتناهی هدایت نموده

بلد مانع خواب زیاد

در قرار گاه دوم شد

ودر روشنی روز زمین

را با دور بین تماشا

و کاوش نموده و اظهار

میدارد که ممکن است

در تاریکی هم راه را

پیدا نمود و بنا براین

پس از دو ساعت دو

باره براه می افتیم .

دریای شن

شب موقعیکه ما از قسمتی که با نور ضعیف ماه روشن بود متوجه قسمت پست میشویم درجه حرارت ۱۵ درجه را نشان میداد . بعلت وجود شن و نرمی زمین راه رفتن دشوار است ما در حالیکه قدری از قافله جلوتر درحرکت بطرف هستیم ستاره که درحرکت مانند سایه از ما پیروی نموده چشم دوخته و سعی مینمائیم که آنرا از نظر دور نسازیم . در تاریکی خوب بارگیری نشده و دائما در بین راه مجبور به توقف میشویم .

بزودی آخرین حواشی و سایه کوه در پشت سرما قرار گرفته و یك سطح وسیع و نامحدودی مارا احاطه و بطور مبهم و نامعلوم در طرف حاشیه و افق آسمان منتهی میگردد . و در خاور مانند یك توده یك رشته تپه شنی ممتد میباشد .

بیك محلی میرسیم که در یك قسمت محدودی تکه سنگهای درشتی در اطراف متفرق و اینجا بقیه یك برآمدگی زمین بود که در تحت تاثیر آب و هوای شدید کویر خورد و از بین رفته است پس از چند ساعت سوار شتر شده و خواب و رویای شبانه در روی شتر شروع میشود . چه شبهای زیادی که در زیر آسمان نیل فام ایران قرار گرفته . و چندین هزار کیلومتر راهی که در کویرهای ایران گردش وسیاحت و مانند یك زواری که متوجه هدف دوری باشد در جستجوی عالم آسمانی در روی کره زمین میبودیم بهتر این است که از تمام خطرات و سختی ها فرار اختیار نمائیم تا اینکه بتوانیم آرزوها و خاطرات خود را محدود و از نا امیدی که حیات هر بشری را تحت الشعاع خود قرار داده و مولد اتکاء به قدرت و میزان فعالیت شخصی است جلوگیری نموده باشیم . برای چه ما در زندگی در نبرد هستیم ؟

گاهگاهی یکی از همراهان در حال خستگی برپشت در روی زمین دراز کشیده در حالیکه بقیه نفرات کاملا جمعاً براه پیمائی خود ادامه میدهند چندین لحظه در این حالت باقی میماند .

نصف شب گذشته بود که ما متوقف میشویم بزودی همه در روی زمین قرار گرفته‌و چند دقیقه بعد کمترین حرکتی درقرارگاه ما دیگر وجودنداشته و ماه باطرز صلح آمیزی این توده کوچك و مفلوك حیوان و انسان را پاسبانی مینمود .

در سفیده صبح مدتی مشغول دیدبانی بوده تا اینکه متوجه میشویم که در چه نقطه از روی این سطح مسطح قرار گرفته ایم و غیر از کوه ملك‌محمد خان نقطه ثابتی در افق نمودار نبوده تپه‌های شنی خاوری ارتفاعاتی که از آنجا ما عبور نمودیم در نتیجه انعکاس در هوای سرد مانند یك خطی در افق بنظر می آیند به شترها خورده علوفه خشك‌و تخم پنبه تقسیم شده ولی بمذاق آنها خوب نیامده وتشنه‌نیزمیباشند . چای ترتیب داده‌و بعجله یادداشت ها و رسم های لازم را تمام مینمائیم .

قرارگاه سیم مادر لوت ٦٢٥ مترارتفاع و ٤٧٥ متر پست تراز قره‌سفید بود .

قرارگاه چهارم لوت ۰ ٢٣ مارس ١٩٣٧

درجه‌حرارت حداقل در شب به ٨ درجه سانتی گراد رسیده و میزان الحراره در صبح زود ٢ر١٣ درجه را نشان میداد باد تندی از شمال دروزش و هوا نیز خنك و آسمان کاملا صاف بالای سرما قرار داشت .

راهی که امروز از آن عبورمینمائیم محکم و سخت و برای شترهازمین خوبی بود و باتکه سنگهای کوچك وشن دار بطور منظم وقشنگی سنگ فرش و هیچ شیار گودی یاگودالی که دال بروجود آب باشد وجود نداشت و تنها باد که همه چیز را صاف مینماید در اینجا بسطح زمین صورت وشکلی داده است . حفظ سمت ومسیرراه دراین بیابان مسطح و غیرمحدود که در چهار جهات اصلیه افق بطرز ترسناکی باز ووسیع میباشد سهل و آسان نبوده و بهیچوجه نمیتوان دید که درکجا کوههای کشیت وشهداد قرار گرفته اند ولی ارتعاش وتکان طبقه سرد هوا خاتمه یافته است .

کوه ملك محمدخان و دریای تپه شنی کاملا واضح و ممکن است که مارا هدایت نمایند ولی محل اولی نامعلوم وامتداد و حد شنها نیز واضح نمیباشد. کوه ملك محمدخان مانند یك قطعه سنك تنومند از توده و تل خورده سنك و خاك اطراف خود سر برافراشته و درحقیقت منزوی ترین کوههای دنیا محسوب و فقط حرکت و صدای باد در رأس آن در تکاپو و غرش بود در قسمت باختر آن را باشن مستور ساخته است . تپه های شنی از دور مانند رشته کوه بنظر آمده کوههای شنی عظیمی نمودار شده وانتشارات و نظریاتی دائر باینکه تپه هـای شنی حاشیه خاوری دریای شن که ما از آن بالا رفتیم درمقابل توده‌های شنی که بمسافت چند روزه درداخل دریای شن قرار دارند ناچیز هستند حقیقت میباشد .

اگر چنانچه بطور وضوح تشخیص نمیدادیم که ارتفاعات دریای شن هستند ممکن بود که آنها را کوه ثابتی فرض نمائیم . هوا گرم شده وامواج مرتعش هوا درروی کویر درحرکت و بزودی همه چیز در یك دریای نورانی و فریبنده فرو میرود . دریاهای شیاطینی ظاهر ودوباره از بین رفته و تمام مبانی عقلی فرم و فضا را مسخره مینمایند . شترهـا دسته جمعی از وسط انعکاسات متحرك وامواج کویر بجلو رانده شده وهمراهان باروش و نواختی گرم خواندن اشعاری حیوانات را به تند رفتن تشجیع مینماید .

در قلب لوت امکان باقی ماندن گردوخاك وجود نداشته وهوا نیز صاف. ولی در گرمای هوا دید بتدریج بد شد گرچه خیلی آرزومند نظر وچشم انداز خوبی میبودیم ولی باوجود این خوشوقت بودیم که طوفان مارا متوقف نساخته وهر توقف غیر مترقبه ممکن بود که باعث تلف شدن ما گردد .

ساعات میگذرد ولی منظره دشت وسرزمین تغییر ننموده باد تغییر جهت نموده وحالا از جنوب باختری دروزش ومانع گرم شدن هوا است درجه حرارت تا ۳۰ درجه بالا رفته و استقامت در مقابل آن دشوار وقوای مارا تحلیل برده و آثار خستگی درشترها نمودار میشود . پس از ۵ ساعت راه پیمائی بـه یك سرازیری کم عمقی رسیده ودرجهت کشیت در جستجوی افق میگردیم . وسعت

زرد رنك خاکستری در تمام جهات نمود ار ووضعیت یك نواختی درروی لوت حکمفرما با برد باری براه پیمائی خود ادامه داده راه ازیك شیاروسیع و پست سرازیرورسوبات ازخاك چینی مخلوط باشن نرم پدیدار ولی قسمتهای خارج شده آن نادر هستند وزمین بطور متحدالشکلی با بقایای تیره رنك پوشیده شده وتمام مواد نرم از سطح زمین دورشده است .

در طرف عصر منظرهٔ یك درهٔ که بشکل حلقه طبقه طبقه است در طرف راست نمودار ودیواره های آن مانند شهر لوت قطع شده است . این نوع زمین های توحش آور را در باختر حدث زده و بهمین جهت بطرف چپ منحرف میشویم .

آفتاب در شرف غروب و اشعه گرم برای آخرین مرتبه در این سرزمین مردگان بود که بالاخره بلد امر به توقف و برداشتن بارها میدهد وبا وجود این آرامش بخود روا نداشته گرچه موقعیت قرارگاه طوری بود که هر کس از دور ونزدیك میشد بخوبی دیده میشد بلد درحالی که تفنك خودرا بر دوش میاندازد متوجه برآمدگی زمین مجاور که از آنجا دید خوبی باطراف داشت میگردد ولی تقریباً محال بنظر میرسید که در این لوت وحشتناك بشری پا گذارد و بدون شك درمسافت زیادی بشری غیر ازما دراینجا وجود نخواهدداشت

ما بطور سطحی مقدار راه سفرخودرامحاسبه ومی بینیم که در این سرزمین ناشناس وغیرمکشوف فوق العاده نفوذ وداخل شده ایم وممکن است که حالا در وسط لکه سفید قرار گرفته باشیم .

برای نوشتن و تهیه نمودن مشاهدات امروزخسته بود . سایه زمین بتدریج بالا آمد وآسمان وزمین را فرا گرفته ـ ستارگان مشتعل ویك روز دیگر سر میرسد . اشکال خاکستری رنك ظریفی که فقط حواشی آنها معلوم هستند باختر کنار این سرزمین برهوت نمودار و نظر همراهان درخصوص اینکه ابر یا کوه است مختلف میباشد . هرچه درپیش باشد و هرچه بما روی خواهد آورد درهر صورت ماسیاحت خودمانرا در لوت دنبال خواهیم نمود ولی فعلا نظر و پیدا نمودن حدود کویر بیهوده میباشد .

قرارگاه پنجم لوت ۲٤ مارس ۱۹۳۷

برنامه مادر قرارگاه چهارم این بود که پس از خوراك دادن شتر ها دو باره براه افتادیم ولی طوری خواب بما مستولی گردید که موقعیکه‌حسن‌وحشت زده مارا صدا میزند نیمه شب هم گذشته بود .

براه انداختن قافله بابی قیدی وبی خیالی بلوچها چندان مهم نبوده و مدتی میگذرد تا اینکه آنها نیمه خواب دراین شب آرام و مطیع براه می‌افتند تنها روش حیوانات وانعکاس صدای پای‌انسان آرامش وسکون لایتناهی‌کویررا بهم میزند تابش ماه روبتزاید ودرروی سرزمین پست‌وبلند بطور آرامی‌درحال درخشیدن و سنگ ریزه های سنك فرش‌زمین مانند مرواریدتابان بود . راهنمای ما مانند کسی که درخواب راه میرود وبا یك اطمینان عجیبی جهت ۲۵ درجه را گرفته ودرجلو در حرکت بود .

در جواب سئوالی که ازاومیشود که چگونه جهت را درنظر دارد اظهار میدارد امید بخدا راه را عوضی و اشتباه نخواهیم رفت دو نفر از همراهان در روی شتر درخواب و مابقی‌پیاده راه‌پیمائی مینمایند . پیدا کردن تکه چوب یك تغییری در یك نواختی حرکت ایجاد میسازد .

این چوب از بوتهٔ سیاه شوراست و مابایکدیگر این موضوع رامطرح میکنیم که از کجا بایستی این‌چوب باینجا آمده باشد ؟ آیا بباد آورده است آیا مواد سوختنی است که گم شده ؟ امکان اینکه این بوته در اینجا روئیده باشد کمتر میرود . دوباره سکوت قدیمی‌ازنوشروع میشود .

عالم نوا و آهنك های سنگین این شب را تخفیف داده آهنگهای‌غم‌انگیز شیرینی طنین انداز ویك دنیا خاطرات را بیدار و تمام عناصر پلید اطراف ما را خفه و خاموش میسازد . این‌ساعات بیداری ونظاره درقلب لوت غیرمکشوف مانده ودر این ساعات است که شخص نسبت به زندگی سپاسگزار وقانع میگردد .

چه تاثیری از این سیرو سیاحت در هیاهوی خیابان - دراعیاد باشکوه و دربین مردمان پرحرف که بوئی از آقائی وارجمندی درزندگی جز ثروت وموقعیت مهم نبرده ودر آتیه هم برای مانتیجه نخواهند داشت ؟

آیا منظره و قیافه کویر که فکر انسانی را به لایتناهی حیات نزدیك میساخت در آن گیرو دار محو و از بین خواهد رفت ؟

آیا نوای بزرك لوت - صدای غرش طوفان و حرکت شن در روی این سرزمین که ازخلقت جوانی وطراوت خود را از دست نداده فراموش خواهدشد

غفلتاً ماه در زیر ابر کوچکی ناپدیدو در اطراف ماجز یك انزوای تاریك و نا محدود چیز دیگر باقی نمیگذارد و در تاریك روشن هوا از شترها پیاده میشویم زیرا دراثرخستگی وفرسودگی دیگرقادر به نگاهداشتن خوددروی زمین نمیباشیم اما بایستی ادامه براهپیمائی داده و هنوز ساحل نجات دور میباشد دو نفر خود را دربین شتردرحال حرکت نگاه میداریم و بحرکت ادامه میدهیم

در طلوع آفتاب منظره در جلو نمودار میگردد که بهت و حیرت عجیبی در ما تولید مینماید .

از دور در مشرق یك رشته برآمدگیها و ارتفاعات منظم و مستقل زرد رنگی که بطرز نامنظم بریده و قطع شده اند نمودارمیگردد آنها کالوت معروف هستند که راه ما را بطرف کشیت مسدود میسازند نه در جهت شمال و نه در جهت جنوب انتهای آن نمودار و شباهت به رسوباتی که در سر راه ده سالم بشکل تکه های جدائی قرار داشتند بوده و باسم شهر لوت نامیده میشود فعلا خستگی از سرمان بدر رفته و نیستی کسل کننده وجهه بخود گرفته خیلی سعی داشتیم که هرچه زودتر منظره اینقسمت را دیدن نمائیم ولی شترها از رفتن خود داری در راه پیمائی اخیر چندین مرتبه کوشش مینمایند که روی زمین بنشیند لذا مجبور میشویم که بآنها قدری استراحت داده ودر ارتفاع ٤٢٨ متری متوقف بشویم .

بکمك یك تفنك و یك پالتو مختصر سایه تهیه نموده ودرزیر این سایه بان

وقت عزیز را صرف مختصر خواب و تجدید قوائی مینمائیم و در بیرون‌هم عریانی و لوطی دشت در نگهبانی ما خواهد بود .

قرارگاه ششم لوت : ۲٤ مارس ۱۹۳۷

باوجود تابش شدید آفتاب قبل‌از ظهر براه میافتیم قافله ما امروز بتانی در حرکت و کویر باروشنائی موحشی ما را احاطه مینمود نفس زنان بدنبال سایه شتر ها روان هوا آرام و درجه حرارت نیز ۳٦ درجه سانتیگراد را نشان میداد در بین راه به یك سرازیری تندی مصادف میشویم که شتر ها نمی توانند از آن سرازیر شده و مجبور به منحرف شدن و بیراهه زدن میشویم در پای تپه شنی دورا دور در خاور واقع و فقط حواشی آن بطور ضعیفی نمودار میباشد

بایك زاویه حاده متوجه توده های دیوار های کالوت که مانند منظره پرده های تآتر ساخته شده اند میشویم .

تکه های خاك چینی با اشکال و فرمهای عجیب و غریب به رنك تیره در این برهوت آفتابی در روی شنهای روشن مانند دشت مستور از برف در تکان و جنبش و عجایب غریبی را دارا میباشند .

زمین سنك فرش که روی آن ما در حرکت هستیم تادیوارهای کالوت ممتد بوده و فقط یك باریکه کویر ما را از آن جدامیسازد مثل این‌می‌ماندکه قافله ما در حال خود ثابت مانده است و یا ساعات خیال گذشتن را ندارند و بالاخره طرف عصر باشکال و هیاکل کالوت نزدیك میشویم .

این اشکال و فرمها ازخاك نرمی که از خاك چینی تشکیل شده است میباشند که بواسطه وجود آهن دارای رنك زرد مایل بسرخی طبقه طبقه بوده بدین وسیله از توده نوع خاك چینی متمایز میباشد مواد کالوت خاك دریائی است و اغلب هم ارتباط خود را با دریاهای نمک ثابت میسازد .

برخلاف خاکهای دریائی خاك کالوت دارای املاح زیادی بوده ولی در هر صورت از نظر سنك شناسی کالوت نظیر خاك دریائی بوده و چه سرنوشتی را پس از رسوب و قرار گرفتن خود تاحال دیده است نمیتوان بیان نمود

یکی از سیاحان راجع بمواد تشکیل دهنده کالوت چنین مینویسد مواد کالوت خاك دریائی است که برنك زرد گل سرخی بوده عنصر مجوف آن تشکیل یافته است از خاك چینی مخلوط باشن فرم که ذرات آن بعلت وجود کربنات دو کلسیم باقشری احاطه شده یا با یکدیگر متصل هستند چنانچه آنرا بااسید کلریدریك مخلوط سازند یك محلول تیره رنگی احداث و آنچه در ته ظرف باقی می ماند عبارت است‌ازذرات : کوارتس ـ مختصری‌پلاکید گلاس‌وارتو کلاس باضافه جزو آنها مواد بسیار دیگری‌هم دیده میشود

یك قسمت از کف جاده های کالوت با شن زره دار و قسمت دیگر با شنها و خاکهائی که باد آورده پوشیده شده و اغلب کف اصلی زمین که شامل خاك چینی و در بعضی نقاط دارای املاح یا ورقه شده یا بشکل کثیرالاضلاعی است نمودار میگردد . اغلب رشته های گچ در کف زمین امتداد پیدانموده‌و نیز ذرات مدور شن درشت نیز دیده میشود و همه چیز دلالت بر خراشیدگی و اصطکاك خشن با کف زمین مینماید .

غالبا رسوبات جاده های کالوت کاملا از بین نرفته و باشکال عجیب و ارتفاعات برجای باقی مانده که از دور بشکل گنبد و سقف مدوری نمودار بوده و مثل یك قریه ایرانی بنظر میرسد . در جای دیگر مثل ستونهائی که کوتاه قطع شده باقی مانده و مثل جنگلی که درختان آن کنده شده است جلوه مینماید ـ در نقطه دیگر این برآمدگیها مثل پایه و تنه درپهلوی‌یکدیگر بطور مرتبی قرار گرفته و از دور مثل قبرستان می مانند . منظره این صور و اشکال هم اغلب تغییر مینماید تپه های کالوت که در طرف جاده ها قرار گرفته اند بارتفاع ۷۰ متر رسیده و به اشکال و هیکل های درهم و برهم جلوه مینماید اینهابرآمدگیهای بزرك و کوچك که تمام موازی محور حوالی خیابانها امتداد دارند و اغلب در روی زمینه های عریض یك برجسته ـ گیهائی مانند تاج بطرز زیبائی قرار گرفته اند و شخص در مشاهده این‌منظره

بفکر اسکاد کشتی‌های جنگی می افتد که پشت بریکدیگر درحرکت هستند.

برآمدگیهای متعدد یک قسمت از لوت

کالوت در جاهای منفردی بطرز افسانه آمیزی در آمده و اغلب در آنها تنگه های عمیقی در بین برآمدگیهائی که چسبیده بهم قرار گرفته اند بوجود آمده است - بعضی جاها مثل باستیونهائی سر بآسمان افراشته - برجها - دندانه ها - برج و باروی قلعه - تیزی بنا باشکال زیادی از ارتفاعات پدیدار هستند.

در اطراف خیلی از کالوتها گودالهائی یا نشانهٔ حد و میزان آب یافت میشود که شباهت آنها را با برج و بارو بیشتر میسازد طبقه‌بندی رسوبات در اثر بارندگی و ایجاد گل و لای رقیقی که روی آنها ریخته شده پوشیده و مخفی گردیده است در هنگام خشك شدن توده گل نرم یك شبکه ریزی از شیارهای ظریفی برجای مانده اند.

خلاصه باد - شن و باران در تشکیل دشت کالوت مؤثر بوده است.

شهر لوت دنبال یکدیگر دریك وسعت نامحدودی قرار گرفته و نمکزار را در جهت کویر خاوری محدود میسازد و بطور یقین میتوان گفت که این

اشکال و تشکیل بندی با اشکال دیگری که ما چهار سال قبل در راه شهداد به ده سالم دیده ایم مربوط می‌باشد . کالوت بشکل طبقه و فرمهای مسدود ممکن است یکوسعت بطول ۱۵۰ کیلومتر و بعرض ٤٥ کیلو متر را دارا باشند .

همانطوریکه در راه ده سالم در شمال در این قسمت نیز بایستی در جنوب از کالوت دوری جوئیم نکته واضح و مسلم‌این است که در داخل تمام منطقه کالوت راهی که قابل عبور کاروان از وسط کویر باشد یافت نمیشود .

گذشته از زمینهای نمك زار کویر بزرك و شنهای لوت جنوبی یك چنین دشت عظیمی مانند کالوت در عقب کویر تا حال ماندیده‌ایم دراینجا فقط باد آفتاب ـ شب و روز ـ سال ـ قرن ـ هزار سال وجود دارد و بس ـ در اینجا هیچ چیز جز حرکت روزانه سایه آفتاب تغییر نمینماید . این قسمت از لوت فقط بتوسط هواپیما ممکن است که از حالت انزوا و برکناری خود بیرون آید . چقدر میل داشتیم که در اینجا متوقف شویم .

ما هرگز موقعیت مناسب برای دیدن مجدد کالوت را نخواهیم داشت و چقدر لذت بخش میبود اگر در اینجا قدری دقیق تر کاوش میکردیم . حتی برداشتن فیلم از این اشکال و صور قشنك کویر برای ما مقدور نبود باد و دیر وقت بودن روز مانع برداشتن آن بوده و ما بایستی بـه قرارگاه خود که در حاشیه خارج کالوت دستور برقرار آنرا داده ایم مراجعت نمائیم سوزش آفتاب از بین رفته و سایه ارتفاعات آنطرف جاده های کالوت باندازه کافی بالا آمده اند .

کاملا فرسوده و خسته به قافله‌مراجعت . ابراهیم بما اطلاع شومی میدهد که ذخیره نان ما در شرف تمام شدن و بایستی آرد جودرشتی کـه موجود بوده برای تغذیه شتر ها کنار گذارده شود ما در گوشه خورجین یك قوطی ساردین پیدا نموده و با آن از یك شام لذیذی بهره مند میشویم مانند هیاکل اسرار آمیزی شعله آتش قرار گاه ما سوز خود را به اطراف آرام و ساکت انداخته و باد در بین دیوار های شهر های کویر در حال ناله کردن‌میباشد.

چه فردا برای ما خواهد آورد ؟ .

قرارگاه هفتم لوت : ۲۵ مارس ۱۹۳۷

از قرار معلوم آفتاب صدمهٔ بما رسانده و ما مدت زیادی در تحت تاثیر آن واقع شده بودیم زیرا موقعیکه میخواستیم براه بیفتیم سر گیجی غریبی بما مستولی میگردد . هر چیز در اطراف ما در چرخش و برای ما چارهٔ جز خوابیدن نیست . بالاخره پس از نیمه شب توانستیم خود را آماده حرکت نمائیم .

ماه با نور کامل خود بروی زمین در تابش و سایه بزرگی را در روی این دشت خطرناك موحش افکنده و کالوت مانند پاسبانان عظیم الجثه ارواح بمشابه اسفنکس در کنار قرار داشته و مانند چشم خیره مردگان بما نگاه می نمودند .

قوه مخیله انسانی ممکن بود که از مشاهده هر یك از این هیاکل عظیم اشکال و صوری مانند بدن حیوان ـ بدن انسان ـ ابنیه های معظم ـ کلیسا ـ ستاره و اهرام و امثال آنها را در پیش خود مجسم سازد و از خیلی از این قطعات عظیم انگشت های درشتی تهدید کنان بطرف آسمان در این شب دراز شده بود .

کالوت راه ما را مسدود چه مایل بوده یا نباشیم بایستی راهی برای عبور خود پیدا نمائیم زیرا جرئت انحراف زیاد بطرف جنوب را نداشتیم و بدین جهت بآن طرفی که بر آمدگی های خاك نرم قدری مترا کم تر بودند حرکت می نمائیم .

ولی چه فایده زیرا به تپه های کوچك و بر آمدگیهای شنی بر خورد می نمائیم که بالا رفتن از آنها برای شتر ها دشوار و در دامنه آنها بوضع فلاکت باری سر می خورند و معبر های صحیحی در بین دیوار ها مفرس کالوت

پیدا ننموده چه شب وحشتناکی صدای مردگان از قبر در اطراف بگوش می رسد .

هر دفعه سعی می کنیم که از نو در جهت باختر قرار گیریم زیرا در این جهت بایستی از کویر خارج بشویم چنانچه قافله از بین نرفته و یا متلاشی گردد در این صورت هیچ کس قادر به پیدا نمودن یا محل نابود شدن ما نخواهد شد .

هیچ ذیروحی قادر به نفوذ در این محل نبوده و ما برای ابد بازمین لوت وستارگان سروکار خواهیم داشت .

بالاخره از حرکت درشب صرف نظر نموده و درکنار حیوانات در روی شن بانتظار سفیده صبح قرار می گیریم . قبل ازساعت ٦ صبح براه افتاده صبح صاف و درخشان با تجربیات و آزمودگی خود ملك محمد خان اطراف را بازدید و با دقت تمام نقاطی را معاینه مینماید که در آنجا کالوت قدری باز میباشد . در هر حال عبور از این قسمت دشوار و تا حال هرگز چنین توقع و تکلیف دشوار را از شترها نداشته ومثل یك دسته نعش مردگان بجلو کشیده میشویم فقط بایستی خودمانرا بجلو برانیم

غالباً قسمت عمده از کالوت در زیر شن مدفون زمین بالا آمده و پائین رفته وسطح آن با شنهای درشت خاکستری مایل بقهوهٔ پوشیده شده .

اغلب ارتفاعات کالوت با فرو رفتگی هائی که به یك متر عمق و ٥ متر از یکدیگر فاصله دارند مفروش شده و یك رشته شیار های عرضی آنها را قطع و بشکل شبکه در آمده اند .

از قلهٔ یکی از تپه های بزرگ خاك از دورادور از بین رفتن تدریجی کالوت تشخیص داده شده ولی شادی که درنتیجه این مشاهده درما ظاهر گردید بزودی مبدل به ترس میگردد زیرا درعقب آخرین شهر های لوت درافق دید یك توده دیوار تپه شنی مسدودی نمودار میگردد . موقعیت ما مانند کسی که در تلهٔ افتاده می باشد .

ارتفاعات شن‌فشرده شده‌در وسط لوت (کالوت)

در باختر ما کالوت و در جنوب شن و نمی‌شود فکر این قسمت را کرد که چه طرز ممکن است که از این وضعیت رهائی یافت موحش ترین کویری که تا حال ما در عمر خود دیده ایم ما را احاطه نموده و بما اجازه داخل شدن در آن را داده ولی چطور میشود که از دست او رهائی یافت ؟

جهت حرکت ما جنوب - جنوب باختری ودائماً رشته کالوتهای جدیدی در مقابل ما نمودار و ما یکی بعد ازدیگری با آنها برخورد مینمائیم .

ناگهان در قسمت باختری آسمان در افق یك خطوط نا مشخصی حدکوهستان نمودار میگردد که بایستی کرانه لوت باشد و این اولین منظره کرانه نجات بود گرچه گذشتن وعبور از شنها کار بس دشواری میباشد ولی معهذا مشاهده این روزنه امید باعث بهبودی وضعیت ما میگردد .

بی خیالی و بی غصه گی بلوچ ظاهر شده و ابراهیم هم که معتقد بود که موطن خود را دیگر رؤیت نخواهد کرد آهی از دل کشیده وحسن پیر درحالی که طبق رسم بلوچ دست خود را در زیر گونه خود قرار میدهد درعقب سر قافله

با آهنك لرزان وخوشحالی سرگرم خواندن یکی از اشعار خود میباشد. ولی کشف دیگری باعث بهبودی روحیه ما شده:

ردپای یك روباه.

در سالهای قبل این فکر بکر صورت گرفته بود که روباه قادر است مسافت زیادی در کویر های سخت نفوذ نماید ولی فهم آن دشوار است که این حیوانات بچه وسیله در این سرزمین بی‌آب وعلف تغذیه می‌نمایند.

برای ظهری کالوت را در عقب خود گذارده باز یك قله و یك دود کشی سر بر آسمان افراشته ولی در جلوی ما تا تپه های شنی که در دورادور واقع است زمین باز میباشد.

آخرین اشکال و برجستگی های کالوت در این دشت مانند تپه هائی جلوه مینمایند قوای جسمی بسرحد توانائی خود رسیده و ما در ارتفاع ۳۵۳ متر برای توقف بارگیری مینمائیم.

رهائی ونجاتی برای ما بشمار میآید شترها درحالی که سرهای خود را روی زمین تکیه داده تمام‌نشسته خواب برای ما غیرمقدور ومغز ما مانند اشخاص تب دار در تلاطم و فعالیت میباشد. نکته مسلم اینکه ما در روزهای اول ورود به‌لوت راهیکه‌طی‌نموده‌ایم باراه جغرافی‌دانهای گذشته یکی میباشد ولی‌محال‌بنظر میرسد که این شریان مواصلاتی اساساً از اینجا گذشته باشد. پس مسیر راه اضطرابی ازلوت جنوبی چگونه بوده است؟

قرارگاه هشتم لوت: ۲۵ مارس ۱۹۳۷

در هفتمین قرارگاه لوت یعنی در برهوت ترین محلی که ما در تمام مسافرتهای خود میتوانیم آنرا به خاطر بیاوریم درساعت ۱۵ شترها را بارگیری نموده و با شنهای جلوی خود میبایستی در هر حال قبل از طلوع صبح مواجه شویم. آسمان درجنوب باختری‌از ابرمستوروهوا فوق العاده گرم ودرجه حرارت به ۳٤ درجه سانتیگراد رسیده بود.

پس‌از تجربیات در کالوت عبور از زمین بدون پستی و بلندی و نسبتاً صاف بنظر خوب میرسد با وو ترسی به عشت حالم کالوت یعنی‌به یك

دریائی از برج و باروهای عالی نظر میافکنیم . درجهت شمال باختری سرزمین صاف و پست و خاکستری رنگی قرار و آن نقطه است که به نمک‌زار منتهی میشود بزودی اولین شنها نمودار میشوند .

رشته های تپه های شن وریك روان بی رنك و سستی که ازشمال باختری به جنوب‌خاوری کشیده شده‌و در بین آنها زمینهای صاف و سختی قرار دارند طبق قانون انتشار توده تپه های شنی ایران تشکیل این شنها بایستی مدیون نمك زار باشند . تپهٔهای شنی بتدریج نیرومند تر و قسمت‌زمینهای صاف‌و سخت بین آنها باریکتر‌و‌در هنگام شب به یك دریای شن بدی رسیده تپه های شنی تا ارتفاع ۵۰ متری بالا آمده و در بعضی نقاط هم دارای شیب تند و شتر ها که امروز شیشمین روز ورودشان به لوت میباشدشروع به‌از پای در آمدن مینمایند پای حیوانات در کف زمین سست زیاد در شن فرو رفته و میبایستی آنها را با فشار کشیده و با چوب بجلو‌راند‌پای آنها لرزه گرفته و دائما بزمین خورده و بایستی آنها رابلندنمود مشاهده شترهای‌فقیر و تشنه برای انسان دردناك‌میباشد ولی چه میتوان کرد کــه کمکی نمی توانیم بآنها بکنیم .

روحیهٔ بلوچها فوق‌العاده عالی و با صداهائی که نمیتوان آنها را صدای انسان نامید این حیوانات را بجلو رانده و قیل‌و قال و جوش خروش غریبی راه انداخته‌اند یك ترس مخلوط با یك نوع هیجانی در آنهـا تولید میگردد در تاریکی شب اشکال و طبقه بندی تپه‌های شنی بخوبی مشخص‌نشده و اغلب‌بدون انتظار خود را در مقابل دیوار یکی از این تپه ها یافته و مجبور هستیم که با ترس بزرگی از مقابل آن که راه مقابل ما را مستور ساخته‌اند منحرف بشویم. برای هر لحظهٔ ماه بایك قیافه تمخسرآمیزی بوضعیت درد ناك ما نظرافکنده و ناگهان یك نورسردی در روی تپه‌های شنی که مثل توده‌های برف‌بنظر میآیند گسترده میشود و چنین میآید که تپه‌های شنی‌خیال تمام شدن‌را نداشته‌و دائماً تپه شنی پشت تپه شنی دیگری‌نمودارمیگردد.

جسد یك پرنده مرده خشك شده را پیدا نموده و از قرار معلوم یك میهمان سرگردانی در کویر بوده که در اثر بلد باینطرف روی آور شده و در اثر گرسنگی و تشنگی تلف شده است دائماً و بطور لرزان خودرا بجلو کشانده چه در این زمینها نمیشود سوار شد و هر قدم برای قافله بمنزله از دست دادن آخرین قوای او بشمار می آید و اگر امروز طوفانی روی دهد همه مارا تلف خواهد کرد . فکر نبردی که کاشف معروف سون هدین در سال ۱۹۰۶ در کویر کلا ماکان در گیر آن بوده و آرزوی اینکه از قوه عقلی و روحی مشخصی برخوردار و با آن روح نیز بتوانیم کاری از پیش ببریم این حس غرور وجاه طلبی در ما جسارت و تهوری برای ادامه دادن راه ایجاد می نمود .

ما تصمیم داریم بهر قسمی که هست از توده وحشتناك شن که مارا محاصره و در گیر نموده عبور و خلاصی یابیم . ولی پیشروی دیگر غیر مقدور و بدون قدرت کشیدن نفس روی زمین می افتیم . ملك محمدخان آبدجو برای حیوانات ترتیب و آماده نموده . ابراهیم چای پررنگی تهیه نموده و برای تجدید و تمدید قوا بما می خوراند . یکی استکان بعد از دیگری آشامیده نان خیلی کم موجود و کاملا گرسنه هریك سهم مختصر خود را گرفته و بخوردن مشغول میگردیدیم .

همراهان ما کاملا خسته و از پای در آمده . چشمهای آنها مانند اشخاص بیروح و مرده ای در آمده مژها متورم و ترك خورده و صورت فرورفته شده است . ارتفاع محل قرار گاه ۳۳۴ متر و این کم ارتفاع ترین قرار گاه در عبور ما از لوت جنوبی میباشد .

کشیت : ۲۶ مارس ۱۹۲۷

لوت بسختی آزادی مارا بما اعطا نموده ما کویر را در پشت سر خود گذارده و پس از آخرین راه پیمائی ۵۵ کیلومتر خود به کشیت ورود می نمائیم .

از راه خاطره زیادی در نظر ما نمانده نبرد برعلیه کم خوابی و احتیاج به خواب که موحش تراز گرسنگی - تشنگی یا خستگی که باقدرت کاملی برما مستولی بود ما را از پای درآ ورده و ما بزودی هشتمین قرارگـاه خود را در لوت ترك گفته و هرچه زود ترمیبایستی که بشتر ها آب برسانیم و اغلب برای ما اتفاق افتاد که از دور شعله آتشی نمودار میگردید درهر صورت بایه از این سرزمین دورشد .

چطور ممکن بود در این حال فلاکت بار چنانچه حریفی بما روی‌آور میشد از خود دفاع نمائیم

عبور از آخرین تپه های شنی تا حدی سهل ودرساعت یك شب بزمین مسطح شنی میرسیم که گذر از آن بسهولت میسر گردید . همه همراهان بجز ملك محمد خان که پیاده و بدون تردید متوجه نقطه نامعلومی بود سوار برشتر ها میشویم مانند ستون متحرکی در جلو بدون اینکه بصدا و پرسش کسی گوش بدهد در حرکت و ما ترس داشتیم از اینکه هوش وذکاوت او در اشتباه باشد . از قرار معلوم شتر ها حس کردند که دوره صدمه ومشقت آنها بانتهی رسیده و هرچه در قوه داشتند برای قسمت اخیر راه کوتـاه ننمودند وروش متینی که برازنده و شایسته حرکت درکویر میباشد هرگز از دست نمیدادند .قبل از سفیده صبح برای آخرین مرتبه در روی زمین سنك فرش دشت بـاز برای مختصر استراحتی متوقف شده ما ابداً درازنمی‌کشیم زیرا برخواستن مجدد غیر مقدور میبود . برای آخرین مرتبه شتر ها را بار نمودهو آنها مانع آن نشده و در عوض بارهای آن ها خیلی کم شده است طبق رسم بلوچ شترها را باصدا و هیـاهو و خنده بجلو و راه حل مشکل ما عبارت از خروج ازلوت بودو بزودی بفرار از کویر فائق‌آمدهو هرکس بدیگری آن را اظهار میداشت

در طلوع آفتاب کوه های مستور از برف ازدورظاهر ودریای کوه کشیت حواشی تیره رنـك باغات‌خرما نمودار میـگردند یك‌حس حسیات برما مستولی می شود .

از بستر خشك رودی که از جنوب ارتفاعات (نازی آب) متوجه نمك زار است عبور نموده و بعضی از اشکال و برآمدگیهای کالوت نیز درزمین های مستور از شن درشت بفاصله زیاد از یکدیگر قرار گرفته اند.

ما در یك نسیم و باد شمال باختری متوجه واحه باریك کشیت شده وچه مدت طولانی که سبزه ابداً بچشم ندیده و یك دسته کوکو در روی سرما در پرواز می بود .

برای اینکه اهالی آبادی را بوحشت نینداخته و بدانند که ما مسافرین صلح جوئی هستیم در کنار قریه پیاده میشویم معهذا آنها ما را از دور دیده و یك عده مسلح که از لوت بیراهه متوجه قریه میشوند جز غارت نظر دیگری را نداشته و بهمین علت عده‌ای از اهالی فرار اختیار نموده و فقط چند نفر مسلح از آنها جرئت نزدیك شدن بما می‌نمایند.

در اولین جوی شور شترها نشسته و شروع به‌آشامیدن آب مینمایند و بعضی از آن ها حتی تمام سر را در آب فرو برده و بکلی لاغر وضعیف شده بنظر می رسند .

آفتاب پهن شده بود که ما قرارگاه خود را در وسط درختهای خرمابرقرار مینمائیم.

حالا در مقابل درب چادر ما جوی آب صاف روان و بلبل‌هـای گونه‌سفید دو بدو در روی شاخهـای درخت خرما مشغول خواندن هستند .

در روی قریه دور از دنیا آرامش گرمای ظهر مستولی گردیده است.

فصل هشتم

ترجمه فصل دوازدهم از کتاب سیاحت دکتر گابریل آلمانی

عبور از کوچه

با وجود اینکه قسمت اخیر مسافرت صدمات زیادی به کاروان ما وارد آورد ولی توانستیم آنچه که در نظر گرفته بودیم درلوت جنوبی انجام داده و لازم بود که ازاین به بعد کویر را ترک گفته وهرچه زودتر برای تجدید شترها وتعویض خدمه و همراهان خودرا به نواحی مسکونی برسانیم و باضافه فصل مسافرت علمی در این نواحی سپری شده وبرای تمدید اعصاب واستراحت رفتن به نواحی سردسیر واجب میبود .

بهترین کاری که ما می توانستیم بکنیم رساندن خود به جادهٔ بود که از بم به زاهدان میرفت ولی چون مسافرت به این نواحی دیگر برای ما امکان پذیر نبود از این نظر تصمیم گرفتیم که راهی را که باسم کوچه در این نواحی معروف است بازدید واطلاعات لازمی از آن بدست بیاوریم .

تا زمان جنگ بین الملل ۱۹۱۸ - ۱۹۱٤ راه کوچه فقط مورد استفاده قاچاقچیهای افغانی بود که اسلحه از این راه میبردند و بلوچها نیز در فصل پائیز که موسم برداشت محصول خرما بود برای حمل میوه به زابلستان از این راه به ندرت می آمدند ولی در سایر مواقع سال دیگر عبور و مروری از این جاده نشده وایرانیها نیز ازاین راه اطلاعی نداشتند وباضافه در اثر ساختن جاده اتومبیل رو دراطراف کویر راه کوچه نیز مانند سایر راههای نظیرش درایران در این ایام متروك شده بود .

واز طرف دیگر چون درصورت عبور از این راه ممکن بود که بادریای شن عظیمی که دراین ناحیه واقع است تماس حاصل نموده و اطلاع دقیقی از آن

بدست آوریم لذا برای رفتن از باوچ آب به نصرت آباد این راه را انتخاب نمودیم. راه دشوار و چهار الی پنج روز راه پیمائی در ناحیه بی آب و خشك در پیش بود و باضافه چون بعلت غیر قابل عبور بودن راه مجبور بودیم که باوجود گرمای شدید قسمت عمده راه را در روز طی نمائیم.

هنوز هوا تاریك و ماه میدرخشید که ما از کنار بستر رودخانه واقع در شمال خاوری باوچ آب از وسط شنها براه افتادیم هوا سرد و میزان الحراره تا ۱۲٫۶ درجه سانتیگراد پائین آمده بود

زمین شوره زار و به کثیر الاضلاعی تقسیم گشته و آثاری که در کویر های شمالی ایران نیز وجود داشت در اینجا نیز یافت میشد و مانند لکه های روی پوست پلنگ در بعضی جاها روی سطح زمین را شن های سیاهی پوشانیده و در بین راه گودالهائی دیده میشود که با کریستالهای نمك مستور و بقایای کناره های رودخانه را مجسم مینمود.

برای این که راه را گم ننمائیم یك تپه خاکی مرتفع بزرگی از دور نمودار بود انتخاب و جهت حرکت خود را با آن میسنجیدیم. پس از چند ساعت راه پیمائی به توده های شن نرم برخورد مینمائیم که باد های شنی که از شمال باختری به جنوب خاوری میوزید قسمت سفلای دامنهٔ آنها را بشکل مثلث باریك و طویل الارتفاعی در آورده بود تیغهٔ باریك و مرتفعی از خاك چینی در یکی از مسیرهای جادهٔ قرار گرفته و در رأس آن یك کلاغی آشیانه نموده بود. راه دشوار و از بین قطعات بزرگ عبور و وارد دشت باز کویر می شویم - باد تمام شنهای سطح زمین را مانند امواج دریا پست و بلند ساخته و در بعضی نقاط خاکی اسکلت بعضی گیاه ها از بین شنها نمودار بودند و غیر از آنها جز شن - توده های خاك چینی - شوره چیز دیگری در اطراف مشاهده نمیشد.

حال مسافت زیادی از بستر خشك رودخانه که از آن عبور نمودیم دور شده و توده تپه های شن نیز هنوز دیده میشوند که بعضی اوقات بعقب رفته زمانی در سر راه واقع و گاهی نیز از اطراف ما را احاطه و ما در وسط آنها طی طریق مینمودیم این توده های شن برآمدگیهای مد و روبی شکلی از شن هستند که تا ۳۰ متر ارتفاع رسیده و دارای سراشیب ملایمی میباشند که جهت باد

جنوب خاوری را نشان میدهند در بعضی اوقات تخته کوههای عریضی از شن نرم میرسند در داخل این تپه ها نفوذ نموده و آنها را بقسمت های مجزائی تقسیم مینمایند این قسمت از کویر زنگی احمد فوق‌العاده بایر و حرارت‌طاقت فرسائی از روی سطح زرد خاك‌زمین بهوا منعکس‌میگردد هر ذیروحی از این شوم ترین کویر های عالم گریزان و تنها یك نوع خزنده غالباً در نواحی اطراف کویر لوت زیست مینمایند دشت یك رنك و یك شکل در روی مسافر اثر گیج کننده را داشته مانند جسم زیروحی‌در حال حرکت وگاه گاهی نگاه را دوخته ودرجستجوی کوههای خاوری‌میشویم سکوت محض در بین‌ما حکم‌فرما و هرچه آفتاب در آسمان نمودار تر میشد بهمان نسبت گرما طاقت فرساتر و راه پیمائی برای انسان و حیوان خسته کننده تر میگردید حتی جهانگیریکی ازخدمه ما که همیشه بشاش بود امروز دیگر ساکت و صدائی از او برخاسته نمیشود در دو ساعت اخیر راه از بین شن‌های نرم و عمیق گذشته و پیشروی از وسط آنها برای شترها فوق العاده دشوار بود ـ جسد یك شتری که مدتی در این نقطه تلف شده بود در کنار راه واقع و تنها سم های او از بین شن دیده میشود .

هنگام ظهردر روی یك بلندی که کف آن باسنك‌قرص پوشیده‌شده بود برای استراحت متوقف میشویم یك قسمت از این نقطه‌را باکمال‌دقت‌تمیزنمودیم

یك نسیم ملایمی در روی این بلندی در وزش وتاحدی از شدت‌گرمای روز میکاست شترها نیز آرام در آفتاب سوزان قرار گرفته بودند در فرو رفتگیهای اطراف آفتاب در شرف غروب شدن وما مشغول طبخ غذائی‌میشویم که در روز قبل مهدی آنراشکار نموده وتاحدی باعث تغییری در غذای‌روزانه ماکه عبارت از خرما ـ چای و نان بود گردیده بود .

هنگامیکه صبح روز ۹ آوریل ساعت ۲ بعد از نصف شب براه افتادیم

ستارگان در آسمان میدرخشیدند . در طرف خاور ارتفاعات کوههای سرحه بطور ضعیفی نمودار و غیر از اینچیز دیگری مشهود نمی بود . گاه گاهی توده های شنی سر راه را گرفته و برای پیدا کردن راه ازچراغ نفتی مجبور بودیم استفاده نمائیم .

موقعیکه روز روشن شد ما در یك دشت بازی‌در حرکت بودیم و کوههای شنی واقع در شمال دیگر مشهود نبود و فقط در جنوب توده تپه‌های شنی‌دیده میشوند که در بعضی نقاط بیکدیگر نزدیك شده وتشکیل دریای را میدادند

در این نقطه یك قسمت از توده شن های عظیم‌واقع است که تانواحی کهورك ممتد بوده و در موقعیکه ما از فهرج به نصرت آباد‌میرفتیم مدتی‌در بین آنها گرفتار شده بودیم کوههائی‌که در جلوی ما دیده میشوند زیاد دور نبودو با نسیم ملایمی از ارتفاعات بطرف ما در وزش میباشد- درجه حرارت هنگام ظهر ٣٨/٥ درجه سانتی گراد رسیده و آب خوراکی مانیزبه ٤١ درجه حرارت رسیده بود بایستی از یك حلقه بر آمدگیهای شنی گذشته و آنوقت سرازیر شده متوجه بستر رودخانه کوچه میگردید سراشیبی راه از سنگهای زیاد پوشیده شده و بستر رودخانه هم در قسمت سفلای مسیر خود بارود خانه های دیگر برخورد نموده و بالاخره در داخل کویر لوت در بین شنها ناپدید میشوند بتدریج بمدخل کوچه رسیده و در آنجابرای‌استراحت بارگیری‌مینمائیم شترها مختصر گیاهی که در اطراف بود مورد استفاده قرار میدهند .

روز بعد هنگامیکه ما دوباره براه افتادیم هوا تاریك و روشن دو کلاغ از روی ارتفاعات تپه های شنی‌اطراف بما نظاره مینمودند و بتدریج بسترعریض رودخانه تنك و عمیق شده و منتهی به تنگه مانند (خیابان) میگردید پس از مختصر راه پیمائی دو طرف ما را دیوارهای مستقیم و مرتفعی بارتفاع ٤٠ متر سنك و خاك چینی احاطه مینمایند .

نبودن گیاه و وجود قشرهائی از مواد سخت و نرم تـوام باخشکی هـوا باعث برجا ماندن دیوارهای عظیم و مرتفع دوطرف کوچه گردیده است و در

هیچ نقطهٔ شیب و سرازیری ملایمی دیده نشده و کف زمین و قسمت تحتانی دیوار کنار راه با یك زاویه قائمه یکدیگر را قطع مینمایند.

دامنه های خاوری تنگه باشن هائی که باد آورده است مستور ولی دامنه های باختری بدون شن و برآمدگیهائی نیز در بعضی نقاط از دیوار بطرف بیرون رو آورده و شیارهائی نیز که بوسیله جریان آب، تولید شده بودند در بعضی قسمتهای کوچه، وجود داشتند.
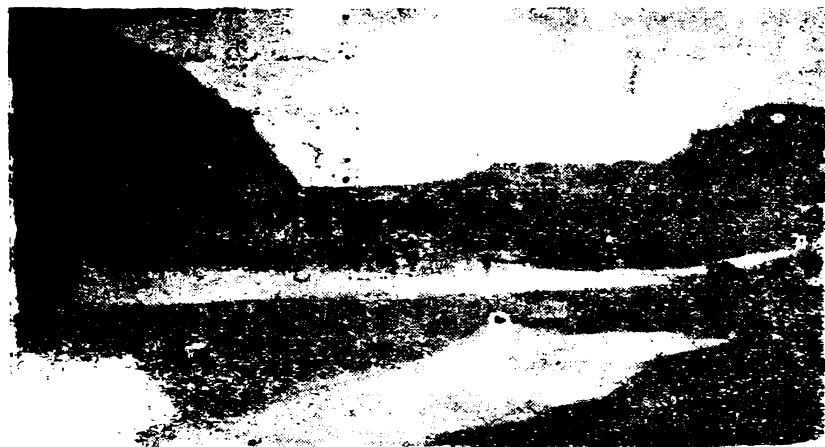
منظرهٔ از کوچه که درحقیقت بستر رودخانه ایست

در بعضی نقاط عرض بستر رودخانه به ده متر رسیده ولی کف آن پست و کم عمق و تشکیل شده از خاك چینی که در موسم خشکی رودخانه متورق میشود تخته سنگی ابداً وجود نداشته و در بعضی نقاط در کف دره قطعات خورد شده از سنك های خاك چینی یافت میشد. در بلندی ساقه گندم مشاهده میشد که بایستی دانه آن از دست عابری در آن نقطه افتاده و بتدریج روئیده باشد اسکلت تنه های درخت بزرك را که آب آورده بود در کف رودخانه افتاده و در بین آنها نیز یك گیاهی مخصوص دیده میشد حقیقتاً کوچه قشنگی است که با پیچ و خم های خود در این دشت برهوت قرار گرفته و باوجود آفتاب دربالای سرمن درآسمان میدرخشید معهذا ما درسایه دیوار راه خود راطی مینمائیم.

اگر چنانچه شخص بطور ناگهان در اینجا برخورد باسیل آب و یا عناصر خطرناکی بنماید خطر بزرگی متوجه او میباشد زیرا در کوچه راه فرار برای کسی وجود ندارد در زمستان اگر کسی در اینجا باسیل وطغیان آب برخورد بنماید می تواند برای فرار از تپه های شنی که در طرف باختر واقع است استفاده نموده و خود را از خطر نجات بدهد .

پس از ۱۵ کیلومتر راه پیمائی در داخل کوچه تنگه مجدداً عریض شده بر آمدگیهای دو طرف راه کم کم بعقب رفته و بصورت تپه های مسطحی در میاید . بالاخره از دوطرف کنار بستر رودخانه زمین دشت پدیدار و در طرف خاور رشته جبالی که در دامنه های آن چشمه شوشاك واقع است نمودار شده و ما امیدوار هستیم که بعد از دوروز طی طریق خود را بآن نقطه برسانیم

امروز قرار گاه خود را در ارتفاع ۶۹۳متر برقرار نموده و چون باد گرم خفه کننده در تمام طول شب ۱۱ آوریل میوزید برای جلوگیری از باد تمام اطراف چادر را با بارها و محمولات محکم و محفوظ نمودیم ولی تمام روی چادر پر از شن شده وبراه افتادن در ساعت یك بعد از نیمه شب برای ما فوق - العاده دشوار میبود . از نقطه ایکه رودخانه فرعی دیگری وارد رودخانه کوچه میشد این محل را ترك گفته و در حالی که راه کمی سر بالائی میرفت رو بکوه مقابل براه افتادیم در این قسمت زمین پوشیده شده بود از قطعات و تکه های سخت خاکی که در آب و باد ریزش کرده و کف زمین از شیارهای آب مستور و زمینه روشن خاك چینی بستر رودخانه از زمین زرد رنگ دشت متمایز بود در بعضی نقاط مدفوعات کلاغهای وحشی و غزال زمین را پوشانده بود اغلب مسیرهائی مانند راه باریکی در امتداد مسیر ما وجود داشته ولی پیروی نمودن از این راه کوره ها میسر نیست زیرا آب باران دامنه کوه شسته و در نتیجه در بعضی نقاط اثر را محو نموده است . باوجود دشواری راه پیمائی تا نزدیك ظهر پیش رفته و بالاخره در نقطهٔ دربین راه متوقف میشویم

زیرا شترها از جلو رفتن خود داری و مایل بحرکت دیگر نبودند .

هنوز بارگیری نشده بود بادی که هنگام صبح تخفیف یافته بود باشدت هرچه تمامتر شروع و هوا را از طرف باختر زرد و تیره ساخته و در طرف خاور نیز کوهستان بکلی ناپدید میگردد . فوراً چادر را برافراشته ولی درست نمودن آتش ابداً میسر نبود و چارهٔ جز تحمل طوفان شن تا خاتمه آن نداشتیم . بزودی همه چیز از نظر محو و دور تا دور ما را گرد و خاك و شن زرد رنك درهوا احاطه نموده بود هوا خفه - درجه حرارت ۳۷/۲ سانتی گراد و میزان الحراره رطوبتی نیز ۳۱ درجه سانتی گراد را نشان میداد .

بی حرکت درچادر متوقف و امیدوار بودیم که بزودی طوفان شن خاتمه یابد ولی افسوس که باد در تمام ظهر و عصر و حتی شب نیز ادامه یافته و مانند این بود که کویر لوت برای آخرین دفعه زحمت خود را بعقب ما هدیه میفرستاد

هنگام شب حسن خبر میدهد که دو شتر ما ناپدید هستند . سه نفر از خدمه را برای پیدا نمودن آنها باطراف فرستاده و چنین بنظر میرسید که کویر عظیم لوت ما را در داخل خود محبوس ساخته است .

مدت زیادی از شب گذشته بود که مهدی شترها را پیدا نموده و خود را بچادر ما میرساند ولی باد هنوز در وزش و از شدت آن ابداً کاسته نشده بود و در چادر ما مثل اینکه در یك تنور سوزان قرار گرفته ایم - هوا بسیار خشك و در ظرف چند ساعت رطوبت نسبی هوا از ۲۲ به ۱٤ پائین آمده بود .

همراهان ما از این هوای نامساعد کمتر از ما صدمه کشیدند زیرا از طفولیت جز این هوا وضعیت دیگری را بچشم ندیده بودند ولی باتمام این احوال از پای در آمده و نفس کشیدن برای همه غیر قابل تحمل شده بود ساعت یك بعد از نیمه شب تصمیم گرفتیم که دوباره براه بیفتیم زیرا میبایستی روز بعد به چشمه شوشاکی خود را برسانیم هوا فوق العاده بد و سرپا ایستادن ما در این

هوا فوق العاده دشوار ولی همراهان ما با یك انضباط و دیسیپلین غیر قابل وصفی استقامت نمودند ولی بالاخره ساعت سه بعد از نصف شب راه پیمائی را شروع نمودیم هوا فوق العاده تاریك و حیوانات برای هرقدم منتهای زحمت را تحمل نموده و ماهم کاملا نزدیك بهم درحرکت و ملك محمد نیز بمنزله نفر اول در جلو حرکت میکرد .

برای ما معما بود که او چگونه راه را پیدا میکرد ولی هنگامیکه سفیده صبح دمید ما در دامنه های شمالی کوه شوشاکی رسیده بودیم زمین فوق العاده بریده بعلت وجود قطعات زیاد سنك پیشروی بسختی صورت میگرفت مجبور بودیم با کمال احتیاط حرکت نمائیم در سمت جنوب باد با شدت زیاد دروزش بود ولی در این نقطه کوهستانی هوا صاف و از شدت آن کاسته شده بود .

بالاخره سختی های مسافرت رو باتمام و از خطرات سفر لوت نجات یافته و از این امر بسیار خوشوقت و برای آخرین مرتبه باین دشت زرد رنك و سوزانی که همیشه مارا بطرف خود جلب نموده با یك نگاههای حسرت آمیزی نظاره نموده و سرزمینی را که باتمام قدرت و عظمت ثمره و زحمات یك عمر را در باره آن صرف نموده ایم ترك می گوئیم .

از حالا حس می نمائیم که باز روزی فراخواهد رسید که ما در زیر آسمان و خانهای موطن خود آرزوی دیدار جدید این سرزمین را خواهیم نمود نمیدانم آیا بازدید و دیدار جدیدی از نو در آتیه برای ما امکان پذیر خواهد بود خوشوقتیم از اینکه از قدرت لایتناهی سهمی در این بازدیدها نیز نصیب ما گردیده است .

خلاصه در ضمن راه پیمائی بطرف چشمه شوشاکی از دره کوهستانی مطلوبی عبور مینمائیم چشمه آب شیرینی از بین طبقات سنگهای شنی سبز رنگی که درجهت شمال باختری بجنوب خاوری ممتد بودند بخارج جاری و بته های (قیج) گل کرده و گیاههای سبز دیگری نیز در اطراف روئیده بودند

امروز در قرار گاه شماره ۳۳ در ارتفاع ۱۳۰۲ متر بطور آرام سپری شده و افق روشن و کوههای اطراف از دور بخوبی نمایان بودند هنگام ظهر ملك محمد با گوسفندی وحشی که شکار نموده مراجعت و چنین بنظر میرسید که سفر از این ببعد بخوشی سپری خواهد شد زیرا صدمات و خطرات مسافرت در دشت لوت تمام شده بود .

تمام آذوقه هائیکه ذخیره نگاه داشته بودیم بمصرف رسانیده وهمراهان از نگاهداری و رسیدگی که نسبت بآنها شده اظهار رضایت را مینمودند برای این مردمان فقیر و گرسنه چند روز مصاحبت با ما روزهای خوش و خرمی محسوب میشد .

۱۳ آوریل آخرین روزی بود که ما با کاروان لوت بایستی در سفر باشیم زیرا در نصرت آباد قرار است که آنهارا مرخص نموده و اشخاص و حیوانات دیگری را استخدام و تهیه نمائیم و بهمین جهت روز قبل تمام حیوانات را کاملا تمیز نموده و همراهان مانیز به نظافت خود میپرداز ندهوا کاملاآرام و راه از گردنه ملایمی میگذشت .

در بین راه نیز به بوته هائی (ورموت) که برگهای آن کاملا باز بودند برخورد می نمائیم .

خلاصه پس از ٥ ساعت راه پیمائی در هنگام ظهر به واحه سیبی که بلوچها آنرا امروز نصرت آباد کهنه می نامیدند رسیدیم در اینجا به ملك شاه خان و اصغر افغانی بر خورده و بزودی با آشنایان قدیمی خود رو برو شده و این ها اولین مردمانی بودند که پس از ۱۲ روز خروج از کشیت برای اولین مرتبه با آنها برخورد مینمائیم

فصل نهم

ترجمه فصل سیزدهم از کتاب سیاحت دکتر کابریل آلمانی

موقعیکه در سال ۱۹۱۵ سون هدن در حین بحث و بررسی قانون توسعه و دامنه کویرهای شن ایران از تپه های شنی این کشور گفتگو مینماید باوجود اطلاع کامل از این سرزمین که در اثر تجربیات مشخص ومطالعات نوشته های سایرین بدست آورده بود از وجود شن در لوت جنوبی اطلاعی نداشت و سیاحان بعدی نیز از وجود ان ذکری ننموده‌اند .

و با وجود تمام اینها نه فقط در این جا بزرگترین دریای تپه های شنی ایران یا مرکز تجمع شن حلقه کویر تمام ایران داخلی است بلکه یکی از نیرو مندترین توده های مسدود عالم بشمار میرود . و این مسئله قابل تعجب است که شناسائی و اطلاع از این عنصر متشکله خاص کشور ایران تاامروزه مجهول مانده است .

احتمال قوی میرود که در موقع اشغال جنوب ایران توسط نیروی انگلیس در سالهای جنگ بین‌المللی ۱۹۱۸ - ۱۹۱٤ افسران ارتش انگلیس مشاهداتی در این دریای شن نموده باشند ولی انتشاراتی راجع باین موضوع از طرف آنها خارج نشده و ما در اینجا در شرح دریای شن لوت جنوبی متکی به مشاهدات شخصی خود میباشم

درسه سفرسعی شد که راجع به شناسائی منطقه خشك ایران نیز از طرف ما توضیحاتی داده شود دراین سه سفرچندین بارباین دریای شن که شامل لوت جنوبی است برخورد نموده ایم .

اولین برخورد با این شن ها درسال ۱۹۲۸ در کویرزنگی احمد روی‌داده و در آنموقع خیال نمیکردیم که دریای شن که از بلوچ آب تا نازی آب از ما مشایعت‌میکرد با شنهائی که ما درسفردوم در ۱۹۳۳ درجنوب‌باختری« نه» بآن برخورد نموده ایم ارتباط داشته باشند .

سفرسوم تحصیل اطلاعات و تحقیقات کاملی را امکان پذیرمی نماید .

بنا بر این در قسمت زیر سعی میشود که از تجربیات و تحقیقات حاصله وضعیت این ناحیه که از نظرعلمی زمین کاملا جدید میباشد تشریح و روشن نمود .

فرق بین تمام کویرهای شن ازسایرنواحی‌شنی ایران عبارتست از غیرقابل‌عبور بودن آنها در حالیکه ریك جن و سایر کویر های شنی دیگر ایران دارای راه هائی هستند که برای عبورایجاد اتکاء را امکان پذیرمینماید درمقابل لوت جنوبی یك دریای غیرقابل عبور است که درهیچ نقطه آن آب وجود نداشته و باستثناءشعبه شمالی‌آن تنها در یك‌قسمت‌محل یك‌بستر‌خشك‌رودخانه دیده‌میشود

قسمت هـای مختلفی را در دریای شن لوت جنوبی می توان از یکدیگر فرق‌گذارد .

درقسمت‌شنی که حاشیه جنوبی‌باختری‌کویر را تقریباً از ارتفاع کشیت تا ناحیه بلوچ آب محدود میسازد بدون شك یك قسمت از دریـای شنی وجودش بواسطه نمك زاربوده وطبق قانون واصول ایجاد و پیدایش‌کویرهای شن ایران در اثروزش‌بادشمال‌باختری‌این شنها از فرورفتکیها بخارج منتشرشده اند .همین طور توده های شنی که درجنوب خاوری دریای بی انتهای لوت جنوبی یعنی شورگز هامون را احاطه ساخته بعلت مبدأ و مسقط‌الرس آنها یعنی‌فرورفتکیها بایستی ازسایرشنزارخاوری‌متمایزباشند ودریای‌شن‌درخاورلوت جنوبی‌که طبق پیدایش آن جزوحاقهٔ‌کویرهای داخلی ایران محسوب میشود ومهمترین‌کویر شن است .

راجع به وسعت وحدود شن تنها اطلاعات‌کلی دردست میباشد :

تپه های شنی یك مساحت تقریباً ۹۰۰۰ کیلومترمربع را پوشانیده وشعبهٔ از آن متوجه شمال شده تا ۳۱٫۳ درجه حد جنوبی این تپه های شن تا ۲۹٫۳ درجه حد باختری آن از ۵۹٫۱۱ الی ۵۸٫۵ درجه و مساحت انتهای شمال خاوری تا جنوب باختری آن متجاوز از ۳۰۰ کیلومتر میشود .

نواحی تپه شنی شمال خاوری کوههای چاه روئی ماهیت یك کویر شنی را نداشته و غالباً چوپانها برای چراندن گوسفندها و دادن آب در چاه روئی از آنجا در رفت و آمد هستند و در حقیقت از جنوب چاه روئی در پای تپه های شنی عظیم شده و برای انسان و حیوان وحشتناك میشود حد این تپه های شنی که بحاشیه خارجی لوت متوجه است از چاه روئی در جنوب به جنوب خاوری شروع و بطرف ارتفاع ۳۰/۷ درجه شمالی درجهت جنوب به جنوب باختری منتهی حد آن در جنوب قدری از ارتفاعات منحرف و در کوچه توده های شنی تا کرانه خاوری رودخانه میرسد و در جنوب جاده یك قسمت هائی از دریای شن تا نزدیکی کهورك پیش میروند و بعد شنها بطرف باختر و شمال باختری متوجه و بنابرین ترتیب کویر زنگی احمد را از لوت بزرك جدا میسازد .

با اتکاء به تشکیل بندی زمین در خاور نمك زار حلقه تپه های شنی تا ارتفاع کشیت نفوذ مینماید . قسمت بندی دریای شن که متوجه کویر داخلی است فعلا مهم و نمی شود بطور دقیق آنرا محرز ساخت و در لوت جنوبی در آن قسمت هائی که دریای شن راه عبور مارا از آنجا قطع مسی نمود عرض آن به ۱۵ کیلومتر میرسید و از قرار معلوم این عرض در جـهت خاور کمتر میباشد ا ن قسمت از دریای شن که جزو نمك زار است احتمال میرود که که از حلقه تپه های شنی باریك وطویلی تشکیل شده باشد که از حیث عظمت بهیچوجه باشنهای خاور قابل مقایسه نمیباشد .

مجاری میاهی که از انهار جنوبی و جنوب خاوری تشکیل و در شمال بلوچ آب از دریای شن عبور و باریکترین قسمت مسیر خود را اینجا دارد و در آنطرف شن کویر عظیمی احداث مینماید .

تپه های شنی که از این فرورفتگی بوجود آمده اند در یك قوسی که بطرف خاور متوجه و بعد ها بشنهای خاور مربوط میگردد .

در قسمت جنوبی امتداد این قطعه اخیر بطرف باختر بوسیله ما تعیین نگردیده است .

مرز کویر شن در اینجا تقریباً بموازات جاده جدید عربها امتداد دارد نکتهٔ که در اینجا محرز است اینکه تپه های شنی کوتاه ملك محمد در عقب لوت ممتد و باضافه کویر مجاور را نیز شامل میباشد کویر شن درعین اینکه در جهت شمال ـ شمال باختری ممتد است تا نزدیکی راهی که ما از عبور از لوت انتخاب نموده بودیم میرسد .

در اولین قرار گاه ما در لوت در حین عبور از قره سفید بطرف کیفیت تپه های شنی بیشتر متوجه خاور میشوند تا چه حد منطقه اطراف کوههای پاطاقی و مرغاب بوسیله این تپه های شنی پوشیده اند تابحال این مسئله کشف نشده ولی چیز مسلم آنست که تاحد زیادی شن ارتفاعات را در جنوب کوه چاه روئی پر مینمایند .

اصولا حد مشخص این دریای شن در همه جا وجود داشته و فقط در زاویه جنوب باختری بتدریج ارتفاعاتی در بین آنها نبوده و از هم پاچیده میشوند .

در امتداد راه چاه روئی بطرف چاه سام یعنی در آنجائیکه حد شن در امتداد جهت اصلی باد قرار دارد در حاشیه دریای شن یك توده دیوار شن بوجود آمده است

برای ما شرح این توده های برخوردی غیر مقدور و شرح توده دیوارهای شن راما در شرح مسافرت دوم خود بایران بیان نموده ایم اشکال و وضعیت قابل توجهی نیز در حاشیه شرقی کویر شن بین آبخوران و نخل آب دیده شده در آنجا مسیر مستقیم حد دریای شن بواسطه توده های شنی عمود براو قطع گردیده و این قسمت های اخیر از کویر شن بخارج امتداد یافته واز موادی از جنس ماهی هستند تشکیل شده و شباهت تامی به داوان که سن هورین و ترین کللر

از کویر تاکلاماکان شرح میدهند دارا میباشد . چنین بنظر میرسد که توده های شنی از اطراف مجرای خشك ایکه از کوههای خاور سرازیر و در حاشیه تپه های شنی ختم میشوند باطراف بوسیله باد پخش میگردند .

تأثیرات جوی باعث پیدایش دریای شن بزرك در اطراف لوت جنوبی گردیده است .

در چندین مسافرت خود این قسمت را کاملا تعیین نموده ایم که در این قسمت ایران بهیچوجه باد های شمال و باختری تفوق نداشته و در ماههای زمستان و شاید در یك قسمت از فصل بهار و پائیز باد هائی که از جنوب وزیده میشوند از این ناحیه نیز عبور مینمایند و اینها تعادل را با بادهای نیمکره شمالی برقرار نموده و باعث ریزش شن هائی میشوند که همراه آورده اند .

موقعیکه ما در نوامبر ۱۹۳۳ در طول توده های دیواری تپه های شنی از چاه روئی بطرف چاه سام درحرکت بودیم شکل شنها بخوبی جهت باد را از طرف جنوب برای ما مشخص مینمودند .

همچنین در مارس و آوریل ۱۹۳۷ تپه های شنی جنوب وخاور دریای شن در قسمت شمال باختری خود تندی داشته و واضح گردید که بادهای منظم و ثابت شمال و شمال باختری ایران دراین قسمت (لوت جنوبی) متوقف میگردد .

در تحت تأثیر این باد های مخالف دریای بزرك شن نقل و انتقال داده شده است .

در هیچ جا تپه های شنی به کوههائی که در یك قوس بزرگی لوت را احاطه نموده اند متکی نمی باشند و هیچ ارتفاعی درجلوی پیشرفت و حرکت شن بطرف جنوب قرار نگرفته است .

قسمت زیر زمین که روی آن از شن مستور است در شمال از قطعات کوچك سنك معدنی و آتش فشانی تشکیل شده ولی در سایر قسمتها از رسوبات پهن و مسطح فرورفتگی ها بوده و در قسمتهای خارجی کویر تبدیل به پوششهای سنگی میشوند و باضافه شکل وانبساط دریای تپههای شنی کمتر در تحت تأثیر شن قرار گرفته .

همانطور که غالباً ذکر شد منبع قسمت اعظم توده های ریك روان را در حلقه کویر داخلی ایران باید جستجو نمود . متلاشی و خورد شدن سنگهای آ تش فشانی در درجه اول باعث ایجاد توده های تپه های شنی شده وهمچنین از رسوبات دریای سابق لوت و از پوششها و ریزشهای عظیم‌سنك که در اثر عوامل جوی‌خورد ومتلاشی شده اند قسمت های زیادی ازشنها و ریگهای روان تولید شده وسعت این منبع وسرچشمه قدرت و ضخامت دریای تپه های شنی را واضح و روشن میسازد .

یکی از مشخصات عمومی این شنها بزرگی و قطر دانه آ نها این که تقریباً در تمام یکسان میباشد ، و در نتیجه اثر باد باید آ نرا دانست :

دانه های شن کاملا مدور و گرد که این موضوع هم دال بر راه زیادی‌است که این دانه های شن طی نموده اند .

سطح دانه شن بطور مات صیقلی شده و وجود مقدار زیاد عناصر و مواد آ تش فشانی در این شنها قابل توجه میباشد . و سنك معدنی سبز بیشتر بین آ نها دیده میشود .

قسمت عمده از شن نرم تشکیل شده وقطر دانه‌اغلب درجدود ۲رمیلیمتر و رنك آ ن قرمز مایل بزردی یـا زرد مایل بخا کستری ومقدار مواد آهکی آ نها کم میباشد .

شن درشت که در بعضی جا ها مانند لکه یا مسیر راهی بشکل روپوش این تپه های شنی را میپوشاند دارای درشتی تا قطر ۲/۲٤ میلیمتر هستند رنك آن غالباً الوان و مخلوطی از رنك سفید ـ زرد ـ قهوه ـ خا کستری ـ سیاه و سبز و فرق‌عمومی آ نها سیری رنك است به قسمت شن نرم و روشن‌که درروی آن قراردارند .

شکل‌ومنظره توده های شنی‌طبیعتاً دریك منطقه باین وسعت مانند دریای تپه های شنی لوت جنوبی فرق میکند .

بطور کلی فرق زیادی بین شن های حدود جنوبی و قسمت های داخلی و حاشیه‌خاوری‌لوت میباشد .

قسمت های اول درجهت اصلی باد قرار گرفته ماهیت توده های شن روان را دارند که اشکال آ نها دائما در تغییر و اغلب نیزدرحرکت میباشند .

توده های شن که قسمتی از آ نها ازیکدیگر مجزا و یا اینکه باهم در حرکت هستند رو یهمرفته شکل و صورت یك دریای تپه‌های شنی را میدهند .

شنهائی که از نمکزار بخارج بوسیله باد رانده شده اند اغلب دارای اشکال منظم بوده و در بین راه قره سفید به کشیت که ما بآنها برخوردنمودیم اغلب‌دارای صورت دسته های متحرك مستقیم بوده که در جهت شمال باختری به جنوب‌خاوری در حرکت و در آ نجائیکه اثری از این شنها نیست زمین زیر که از شنهای سخت تشکیل شده نمودار میگردد در این منطقه مانند شن جنوبی ابداً اثری از نباتات و حیوانات در بین نیست .

ناحیه شوشاکی حد فاصله بین شن های‌روان جنوب قسمت ثابت دریای تپه‌های شنی در حاشیه خاوری‌لوت است و یك طبقه نباتات و گیاههای‌پوششی باعث ثبوت این قسمت اخیر بوده که پرپشت بودن آ نها بیشتر بعلت تخفیف قدرت وزش باد در این قسمت حاشیه منطقه مسیر باد است .

در داخله تپه دریای شنی بزرك خاور شنها بمقدار زیادی توده شده و این تپه های شنی در اینجا بزرگترین کوههای شنی را تشکیل میدهد (منظره آن در فصل هفتم) کوه شنی که ما در ۲۳ مارس ۱۹۳۷ از آ ن بالا رفتیم ۱۸۸ متر و از بالای آ ن نیز تپه های شنی مرتفعتری دیده میشود مانند قلعه ریك درریك جن‌واقع درجنوب کویربزرك روی توده‌های دریای شن‌توده های برجسته مرتفعی‌یافت و از دورمانندرشته کوهی وجود داشته وطبق‌اظهارات اهالی آ نجا اغلب محل خودشانرا هم این برآمدگیها تغییر نمی دهند .

بدون قانون و نظم معینی این‌توده های شنی بطور منظم پهلوی دیگری و یا در عقب یکدیگر واقع نشده بلکه بطور در هم در روی یکدیگر

قرار گرفته اند تنها از موقعیت ریزش های پر شیب میتوان پی به جهت مستقیم باد برد

اغلب فرورفتگیهای وسیعی رشته کوههای شنی را از یکدیگر مجزی نموده و در تشکیل این فرورفتگیها نیز شاید باد عامل موثری است در کف این فرورفتگیها مقدار زیادی بقایای عناصر عالی حیوانی خورد شده باطراف در حرکت ووزش میباشند . در قسمت شمالی دریای شن که لوت راز طرف خاور محدود میسازد کف و زمینه صاف و مسطح در هیچ جا نمودار نمیشوند ولی این مسئله در ارتفاعات آ بخاران و در جنوب آ ن صدق ننموده و در اینجا در وسط دریای تپه های شنی زمینهای لخت و عریان دشت وجود دارد .

حیوانات و نباتات شنهای خاوری زیاد نبوده ولی در هرحال نواحی حاشیه کویر شن یك مرتع خوبی برای شتر میباشد و گله هائی - در بهار - پائیز - زمستان در این نواحی برای چراروی آ ور میشوند ولی شن در تابستان بقدری گرم میشود که حیوانات کف پاهایشان میسوزد .

نوع گیاه‌های کویر یك نواخت است که بین آ نها گاه گاهی بوته‌های علف هم یافت میشود بعلت استحکام و خستگی خود در مقابل شن روان مقاومت نموده و تمام این گیاهها بعلت ریشه های عمیق و قوی خود قادر به ایستادگی در مقابل خاك متحرك بود و ممکن است هم روئیده و در اثر رطوبت مختصر زمین یك قسمت از سال دارای برگهای آ بدار هم باشند .

رطوبت مختصر در داخل شن برای روئیدنیها لازم و مفید ولی آ ب لازم نمیباشد .

بازیاد شدن ارتفاع تپه های شنی گیاه کم شده و ردپای حیوانات مقیم شن هم کم میگردد .

فصل دهم

شهرها ـ قصبات و قراء واقعه در حاشیه کویر

در تقسیمات اداری کشور دشت کویر و دشت لوت بین چهار استان (دوم ـ دهم ـ هشتم ـ ونهم) تقسیم شده است .

بمنظور تکمیل شناسائی دشت کویر و دشت لوت دهستانهای واقعه در حاشیه آ نها را باتعیین تعداد قراء وفواصل بین مراکز دهستانها و اینکه دهستان تابع کدام بخش و شهرستان میباشد بترتیب از شمال باختر (شهرستان طهران) مورد بررسی قرار میدهیم .

۱ ـ دهستان ایوانکی ـ این دهستان جزو بخش کولج از شهرستان طهران (استان دوم) بوده فاصله مرکز دهستان به طهران ۷۱ کیلومتر مرکزدهستان قریه ایوانکی از ۱۰ قریه تشکیل مجموع نفوس آ ن ۱۰۰۰ نفر است

۲ ـ دهستان جنوبی ورامین ـ از بخش ورامین از ۱۵۵ قریه تشکیل مجموع نفوس آ ن ۴۲۵۰۰ نفراست فاصله شهر ورامین به طهران ۴۲ کیلومترمیباشد

۳ ـ دهستان قمرود ـ واقع در باختر دریاچه حوض‌سلطان از شهرستان قم فاصله این دهستان به شهر ورامین ۹۰ کیلومتر راه مالروی بین‌این دودهستان وجود دارد این دهستان از ۱۲ قریه تشکیل مجموع نفوس دهستان ۷۵۰۰ نفر است .

۴ ـ دهستان قنوات ـ از شهرستان قم در ۳۰ کیلومتری جنوب خاوری دهستان قم رود واقع از ۱۹ قریه و مزرعه تشکیل مجموع نفوس دهستان ۹۱۰۰ نفر است

۵ ـ دهستان قهستان ـ از بخش کهک شهرستان قم ۱۵ کیلومتری جنوب خاوری دهستان قنوات از ۱۹ قریه و مزرعه تشکیل ومجموع نفوس دهستان ۱۰۰۰۰ نفر است

۶ - دهستان گرمسیر - از شهرستان کاشان واقع درجنوب خاوری دریاچه حوض سلطان مجموع قراء آن ۳۱ قریه ومزرعه ومجموع نفوس دهستان ۳۳۸۲۰ نفراست .

از این دهستان دو راه مالروی یکی از خاور و دیگری از باختر دریاچه حوض سلطان به بخش ورامین و گرمسارمنتهی میشود .

۷ - دهستان زواره - ازبخش اردستان (استان دهم) در شمال اردستان وحاشیه دشت کویرواقع‌مسیرراه‌آهن تهران یزد ازمرکز این دهستان عبور راه کاروانرومهمی بین این دهستان وطهران (ازطریق گدارعین‌الرشید وورامین) بطول ۲۸۰ کیلومتر وجود دارد این دهستان از۹۰ قریه ومزرعه تشکیل مجموع نفوس آن ۲۵۱۹۷ نفراست

۸ - دهستان انارك - از شهرستان یزد در۱۲۰ کیلومتری خاوری دهستان زواره واقع دارای کانهای متعددیست بوسیله راه شوسه به شهرنائین و راه مالرو به اردستان - جندق - حاجی آباد - رباط پشت بادام متصل از۲۵ قریه ومزرعه تشکیل مجموع نفوس آن ۱۱۲۰ نفراست .

۹ - دهستان جندق - ازبخش خورشهرستان یزد .

درمنتهاالیه ارتفاعات شمالی شهرستان یزد حاشیه جنوبی دشت کویر مقابل دهستان ته رود سمنان واقع دوراه کاروانرو ازاین دهستان ازدشت کویر گذشته به سمنان وشاهرود میرسد طول راه سمنان تقریباً ۲۰۰ کیلومتروطول راه شاهرود ازطریق تهرود ۲۸۰ کیلومتراست .

این دهستان از ٤۸ قریه و مزرعه تشکیل مجموع نفوس آن ۱۹۰۰ نفر است .

۱۰ - دهستان خور - مرکزبخش‌خورازشهرستان یزد .

در۷۰ کیلومتری خاوری دهستان‌جندق واقع‌ازاین‌دهستان راه کاروانروئی درجهت شمال بطول ۳۰۰ کیلومتر ازدشت کویرعبور به دهستان تهرود واز آنجا به شاهرود منتهی میشود .

راه دیگر در جهت خاور بطول ۱۲۰ کیلومتر از کویر گذشته به دهستان حلوان از بخش گلشن واقع در باختر کویر میرسد .

دهستان خور از ۱۷ قریه و مزرعه تشکیل و مجموع نفوس آن ۴۰۰۰ نفر است

۱۱ - دهستان بیاضه - از بخش خور شهرستان یزد .

در ۵۵ کیلومتری جنوبی دهستان خور واقع بوسیله راه نیمه شوسه به خور و رباط پشت بادام متصل و از طریق دشت کویر راه کاروانروئی این دهستان را به گلشن مربوط میسازد .

این دهستان از ۷ قریه و مزرعه تشکیل و مجموع نفوس آن ۷۰۰ نفر است

۱۲ - رباط پشت بادام - از دهستان بیابانك شهرستان یزد .

در منتهاالیه ارتفاعات شمالی خورانق واقع راه نیمه شوسه یزد به مشهد از این قریه عبور فاصله آن به گلشن ۲۳۵ کیلومتر است .

۱۳ - دهستان بهاباد - از بخش بافق شهرستان یزد .

در ۱۳۰ کیلومتری جنوب خاوری رباط پشت بادام و ۸۰ کیلومتری خاوری بافق در حاشیهٔ لوت واقع راه کاروانروئی بطول ۲۲۰ کیلومتر از طریق گود هشت تکه و چشمه سفید این دهستان را به گلشن مربوط میسازد و راه مالرو دیگری بطول ۱۸۰ کیلومتر در جهت خاور دهستان از دشت لوط گذشته از طریق گدار کاو به دهستان نای بند واقع در خاور دشت لوت میرسد .

۱۴ - دهستان راور - از شهرستان کرمان (استان هشتم) در ۱۲۰ کیلومتری جنوب خاوری بهاباد و ۱۴۰ کیلومتری شمال شهر کرمان واقع است .

قصبه راور مرکز دهستان سابقاً اهمیت بسزائی داشته و بار انداز زوار کرمان - فارس و سواحل بوده که پس از باز شدن راه یزد - گلشن اهمیت خود را از دست داده است راه کاروانرو مهمی از راور به نای بند موجود است که شرح آن در صفحه ۳۴ همین کتاب گذشت .

این دهستان از ٤۹ قریه و مزرعه تشکیل مجموع نفوس آن ۹۰۰۰ نفر است.

۱۵ - بخش شهداد - از شهرستان کرمان.

این بخش در دامنه ارتفاعات خاوری کرمان کنار دشت لوت واقع از آباد ترین نقاط حاشیه دشت لوت محسوب است که شرح مفصل آن درجغرافیای کرمان داده شده فاصله آن بدهستان راور ۱۳۰ کیلو متر و به شهر کرمان ۷۵ کیلو متر است قریه کشیت که در ۱۰۰ کیلو متری جنوبی شهداد واقع و شرح آن در صفحه ۷۵ گذشت از قراء این بخش میباشد.

راههای کاروانروئیکه از شهداد منشعب میشود عبارتند از:

از باختر بشهر کرمان بطول ۷۵ کیلومتر.

از شمال به قصبه راور بطول ۱۳۰ کیلومتر.

ازهمین راه در محلی موسوم به گدار با روط راهی بسمت خاور منحرف از طریق ده سالم به نه بندان میرود طول این‌راه بطور تقریب دویست و نود کیلومتر است.

از جنوب راه کاروانروئی که مجاور حاشیه لوت است از دو سه قریه کوچك گذشته به کشیت میرسد و از آنجا نیز به شهر بم ادامه دارد مجموع نفوس بخش شهداد درحدود ۲۰٫۰۰۰ نفر است.

۱٦ - بخش بم - در آخرین حد جنوبی دشت لوت واقع از سه دهستان (حومه - نرماشیر - ریگان) تشکیل شده است.

قراء دهستان حومه و نرماشیر در خاور لوت و قراء دهستان ریگان در قسمت جنوبی‌دشت لوت واقع گردیده‌است این بخش‌از ۱۷۹ قریه تشکیل‌مجموع نفوس آن ۲۵۸٦۲ نفر است.

از این بخش به بعد یعنی قسمت خاوری دشت لوت ارتفاعات چاه ملك و نصرت آباد است که فاقد آب و آبادی است تنها چشمه سار های کوچك و چاههای آبی در دره های آن دیده میشود که طایفهٔ اسمعیل زائی و ناروئی در

فصل بهار برای چرانیدن گوسفندان خود چند روزی در آن حدود سکنی دارند.

محور شوسه بم - زاهدان لوت را از طریق میل‌نادری - شورگز - کهورك قطع پس از طی ۲۵۰ کیلو متر از ارتفاعات خاوری لوت گذشته به دهستان نصرت آباد میرسد خط تلگراف کرمان زاهدان مجاور راه کشیده شده است.

۱۷ - دهستان نصرت آباد - از شهرستان زاهدان .

چنانچه ذکر شد در ۲۵۰ کیلو متری خاوری بم واقع بین این دهستان و دشت لوت ارتفاعات پستی وجود دارد که جهت آن شمال جنوبی است و تا نه بندان ادامه دارد .

مجاری آب این دهستان متوجه دریاچه سیستان است .

راههائیکه از این دهستان منشعب میشود عبارتند از :

از جنوب باختر به شهر بم (شوسه)

از جنوب خاور به زاهدان (شوسه)

از خاور به حرمك (کاروانرو)

از شمال به نه بندان (کاروانرو)

۱۸ - دهستان نه بندان - از بخش ماژان شهرستان بیرجند (استان نهم)

فاصله آن به نصرت آباد ۱۸۰ کیلومتر .

این دهستان مثل دهستان نصرت آباد در خاور ارتفاعات خاوری دشت لوت واقع مجاری آب آن متوجه دریاچه سیستان است بعضی از قراء تابعه آن در حاشیه لوت واقع گردیده (ده سالم) این دهستان از ۱۲۵ قریه و مزرعه تشکیل مجموع نفوس آن ۸۲٤٤ نفر است .

۱۹ - دهستان قیس آباد - از بخش ماژان شهرستان بیرجند .

در ۱۲۰ کیلومتری شمالی دهستان نه بندان واقع مجموع قراء آن ۲۰۸ قریه و مزرعه و مجموع نفوس آن ٤٦٥٨٠ نفر است .

۲۰ - دهستان خوسف - از بخش بیرجند .

واقع در ٤٢ کیلو متری [illegible] فاصله [illegible]ن به دهستان قیس اباد ٦٠ کیلومتر میباشد .

این دهستان از ١٢٤ قریه و مزرعه تشکیل مجموع نفوس آن ٤٦٥٨٠ نفر است .

٢١ - دهستان دهوك - از بخش گلشن شهرستان گناباد .

این دهستان بین دشت کویر فردوس و دشت لوت درمیان ارتفاعات گلشن واقع است .

راه نیمه شوسه یزد - گلشن - فردوس از این دهستان عبور می نماید و راه کاروانروئی از جنوب این دهستان از طریق نای بند به قصبه راور منتهی می شود .

از ١٦ قریه تشکیل مجموع نفوس آن ٣٧٦١ نفر است .

٢٢ - دهستان حومه فردوس - از بخش فردوس شهرستان گناباد .

در قسمت شمالی کویر دوهك واقع از ٣٨ قریه و مزرعه تشکیل مجموع نفوس آن ١٨٣٠٠ نفر است .

٢٣ - دهستان بشروئیه - از بخش گلشن شهرستان گناباد .

در ٦٤ کیلومتری خاور فردوس واقع از ٤٤ قریه و مزرعه تشکیل مجموع نفوس آن ٩٨٣٢ نفر است .

خط تلگراف تربت حیدری به گلشن از آن عبور مینماید .

٢٤ - دهستان حومه گلشن - از بخش شهرستان گناباد .

واقع درحاشیه خاوری دشت کویر هوای آن گرمسیری است

راه نیمه شوسه یزد مشهد از این شهر عبور و از ٧٦ قریه و مزرعه تشکیل مجموع نفوس آن ١٨٣٠٠ نفر است.
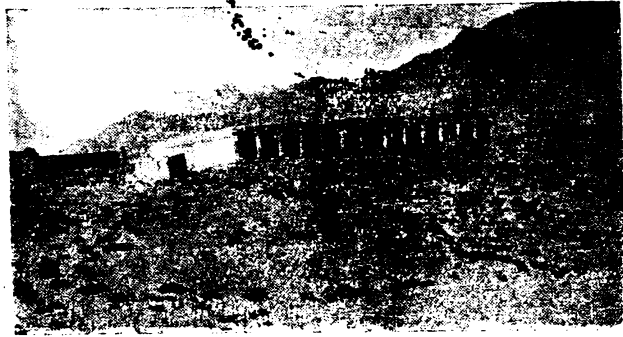
منظره آبادی رباط خان بین گلشن و رباط پشت بادام

۲۵ - دهستان دستگردان - از بخش گلشن شهرستان گناباد.

در ۸۵ کیلومتری شمال گلشن حاشیه کویر واقع از ۸۳ قریه و مزرعه تشکیل مجموع نفوس آن ۵۳۵۰ نفر است .

۲۶ - دهستان پائین ولایت کاشمر - از بخش کاشمر شهرستان گناباد .

این دهستان در ۱٤۰ کیلومتری شمال خاوری دهستان دستگردان واقع از ۷۶ قریه و مزرعه تشکیل مجموع نفوس آن ۱۸۶۲۶ نفر است .

۲۷ - دهستان ربع شامات - از بخش تکاب شهرستان سبزوار.

در ۶۰ کیلومتری شمالی دهستان پائین ولایت واقع از ۱۵ قریه ومزرعه تشکیل مجموع نفوس آن ۱۲۸۷ نفر است

۲۸ - دهستان شادگان - از بخش تکاب شهرستان سبزوار .

این دهستان در ۲۰ کیلومتری شمال دهستان ربع شامات واقع از ۱۰ قریه و مزرعه تشکیل مجموع نفوس آن ۵۲۹۶ نفر است .

۲۹ - بخش سبزوار - مرکز شهرستان سبزوار.

در آخرین حد شمال خاوری دشت کویر واقع محور شوسه تهران مشهد از آن عبور مینماید.

این بخش از ۸۰ قریه و مزرعه تشکیل مجموع نفوس آن باستثنای نفوس شهر ۳۱۵۱۸ نفر است

۳۰ - دهستان باشتن - از بخش جغتای شهرستان سبزوار .

این دهستان در ۳۰ کیلومتری خاورشهرسبزوار واقع از ۱٦ قریه‌ومزرعه تشکیل مجموع نفوس آن ٦۳٦٦ نفر است .

۳۱ - دهستان مزینان - از بخش‌جغتای شهر سبزوار .

در خاور دهستان باشتن واقع از ۲۰ قریه ومزرعه تشکیل مجموع‌نفوس آن ۹۳۰۰ نفر است .

۳۲ - دهستان بیارجمند - از بخش میامی شهرستان سمنان

در ۷۰ کیلومتری جنوب باختری دهستان‌مزینان واقع از ۱٤قریه‌ومزارع تشکیل مجموع نفوس آن ٦۲۸۰ نفر است .

۳۳ - دهستان حومه میامی - از بخش میامی شهرستان سمنان .

در ٤۸ کیلومتری خاور شاهرود روی محور شوسه تهران مشهد واقع از ۲۷ قریه و مزرعه تشکیل مجموع نفوس آن ۱۲٦۰۵ نفر است .

۳٤ - دهستان تهرود - از بخش شاهرود شهرستان سمنان .

در ۱۱۰ کیلومتری‌جنوب شاهرودواقع از٤ قریه و مزرعه تشکیل مجموع نفوس آن ۳۳۷۷ نفر است .

۳۵ - بخش حومه شاهرود - ازشهرستان‌سمنان

در آخرین حد شمالی دشت کویر واقع از ۳٤ قریه و مزرعه تشکیل مجموع نفوس آن باستثنای شهر ۱۱۱۸٤ نفر است .

۳٦ دهستان‌حومه دامغان - از شهرستان سمنان در٦۰ کیلومتری‌باختری شاهرود واقع از ٤۲ قریه تشکیل و مجموع نفوس آن باستثنای شهر ۱۵۵۸۸ نفر است

۳۷ - بخش حومه سمنان - مرکز شهرستان سمنان .

درشمال‌دشت کویر ۱۱۸ کیلومتری جنوب باختری دامغان واقع‌از۱۷قریه و مزرعه تشکیل مجموع نفوس آن باستثنای شهر ۱٤۹٤۷ نفر است .

۳۸ - دهستان گرمسار - از شهرستان سمنان .

در۳۵ کیلو متری خاوری دهستان ایوانکی واقع از ۱٦ قریه و مزرعه تشکیل مجموع نفوس آن ٤٢٤٠ نفر است

از ۳۸ بخش و دهستانهای مشروحه بالا فقط ٦ دهستان و بخش در حاشیه دشت لوت واقع بقیه در اطراف دشت کویر میباشند .

بطور کلی نواحی دشت کویر شمالی آبادتر از نواحی دشت لوت است علت عمده آن وجود کوهستانهای مرتفعیست که در اطراف دشت کویر واقع و مجاری آب آن متوجه کویر بوده که احداث قنوات را ایجاد نموده است در صورتیکه ارتفاعات حدود دشت لوت مخصوصاً قسمت خاوری خیلی پست وخشك میباشد ولی قسمت باختری آن مخصوصاً در حدود راور شهداد متکی بکوهستانها ئیست که ارتفاع متوسط آنها ۳۰۰۰ متر است در نتیجه بارندگی در کوهستانها و جریان رود و سیل آب اولا بوسیله آب رود ها در ثانی بوسیله قنوات که مادر چاه آنها متوجه دره های کوهستانی است آبادیهای مهمی احداث شده است در حوالی دشت لوت نقاطیکه در مجاور کوهستان مرتفعی قرار گرفته آباد در غیر اینصورت بایر است .

وجود ۲۰۰ قریه آباد و پرآب بخش بم بستگی کاملی بـه کوهستان مهم جالبارز و کوه شاه و نمداد دارد .

برهوت ترین حاشیه لوت حدودیست بین ریگان و دهستان نه بندان بطول ۳۵۰ کیلومتر که در طول این مسافت فقط چند چشمه و چاه آب مختصری دیده میشود .

راههائی که از دشت کویر میگذرد بیشتر از راههائیست که از دشت لوت عبور مینماید .

علت آنکه بقول دکتر آلمانی لکه سفیدی در روی نقشه بنظر میرسد و هنوز اکتشافاتی در آن بعمل نیامده همانا نبودن آبادیهای عمده ایست در خاور دشت لوت چه در صورت وجود ناچاراً چندین راه در آن قسمت احداث میگردید .

چنانچه بین شهداد و دهستان نه بندان که اولین دهستان مهم خاوری قسمت لوت است راه کاروانروئی موجود است که کاملا در روی نقشه معلوم و از روی چشمه های کوچکی عبور مینماید قافله های سیستانی در سال چندین مرتبه برای فروش پشم و خرید خرما از این راه رفت آ مد می نمایند .

فصل یازدهم

حرکت و راه پیمائی در کویر

در قسمتهای داخلی واطراف کویر دهات وقراءبسیاری است که مردمان و سکنه آن قرنها است در این سرزمین بسر برده و باسطوت و اشکال این نواحی سر کرده اند این سکنه برای زندگانی عادی خود مجبوراز ارتباط با سایر نقاط کویر بوده و ناگزیر اند که حاصل مختصر خودرا از منطقهٔبمنطقه دیگر حمل و بمعرض فروش یا مبادله برسانند و احتیاجات خود را تهیه نمایند ولی بایستی قبول کرد که برای این منظور تا کنون هزاران نفرقربانی تسلیم سطوت و عظمت این بیابان وسیع شده چه اکثر برای عبور و مرور ناگزیرند از وسط کویر عبور نمایند یگانه هادی آنها ستاره‌های آسمان و یا خطوط مشخص خود منطقه و مناظر دور دست است اکثر روز ها ناگزیر ازتوقف بوده پس از برطرف شدن گرمای روز بحرکت ادامه میدهند اگر شب خواب مانده یاسمت حرکت رااز دست دهند طبعاً در بیابان سرگردان ومحکوم بفناخواهند بود - راه پیمائی در بیابان انحصاراً باشتر که حیوان کویر است انجام شده این حیوان بابردباری خاصی مصائب این حرکت را تحمل مینماید خاصه‌شتران جماز که میتوانند آب - آذوغه - مرکوب خود را برای مدت ده روز بر دوش خود حمل نمایند - حرکت و راه پیمائی در بیابان های کویر برای‌اهالی خود محل عملی بسیار عادی و ساده است که مرتباً برای فروش حاصل و تهیه احتیاجات خود بدون تظاهر و هیاهوی انجام میدهند ولی برای سیاحان چون اولین اقدام و عمل است لذا مستلزم اقدامات و عملیات نسبتاً مشخص است که بایستی بشرح زیر تقسیم کرد :

۱ - تهیه وسایل حرکت (خاصه ظروف آب)

۲ - تهیه بلد از اهالی محلی و مطلعین

۳ ـ راه پیمائی در روز (برخلاف اهالی محل)

٤ ـ پیش بینی های لازمه از هرلحاظ برای زندگی در کویر

بایستی اذعـان کرد که در سراسر اطراف کویر اشخاصی دیده میشوند که کلیه خطوط کویر را طی و در هرجهت آ ن باشتر خود راه پیمائی کرده‌اند چه از لحاظ کنجکاوی و چه از لحاظ مسافرت و طی طریق بایستی گفت در کلیه کویر جا و محل ناشناس برای اهالی خود اطراف کویر وجود ندارد ولی چون راه پیمائی وحرکت‌سیاحان باتظاهر و انتشاراتی انجام میشودا ینست که بیشتر در اطراف آ ن بحث شده و نظریات و افکار آ نها اشائه میابد شخصاً در خورو بیاضه اشخاصی را ملاقات نمودم کـه بسیار مطلع و بـا سابقه به حال کویر بود اطلاعات بسیار نافع و ما ثر از جزئیات کـویر میدادند نه فقط اظهارات آ نها بر سبیل روایت بود بلکه از بیانات آ نها مشهود بود که کاملا این منطقه را شناخته و در آ ن مسافرت نموده اند .

راه پیمائی در کویر در صورت عادی کاری بسیار ساده و اگر راهنما بلد خوبی باشد اشکالی در موفقیت نخواهد بود ولی اشکال عمل راه پیمائی در کویر عبارت از نکات ومراتب زیر است :

۱ ـ گم کردن سمت و از دست دادن آن .

۲ـ تصادف با طوفانهای شن که خطرنا کترین پیش‌آمد های کویر محسوب شده اکثر باعث فنا و نابودی مسافرین است .

۲ ـ آ فتاب و گرما زدگی چه در تمام کویر کوچکترین سایه وجود ندارد .

٤ ـ تصادف با زمین های لغزنده و ماسه روان .

کوه پیمائی را اهمیتی‌قائل شده و اکثر ورزشکاران عملی مهم و شاهکاری عظیم میدانند بایستی دانست کـه راه پیمائی در کویر بدرجـات سخت‌تر و دشوار تر بوده و باسنجش با عمل کوه پیمائی بدرجات پرمشقت تر وبرای انجام آ ن ورزیدگی وتحمل بسیاری لازم است زیرا برای این راه پیمائی بایستی

هزاران مخاطرات جوی و ارضی را تحمل کرد و اگر چنانچه دچار طوفانهای شن گردند ممکن است سرنوشت آنها بکلی تسلیم توده متحرك شن شده محکوم بفنا گردند - شاید اکثر راه پیمائی‌در کویر را در مواقع‌خاص درنظر میگیرند بایستی در نظر داشت که مواقع برفی بد ترین مواقع شاید محسوب شود چه پوشیده شدن کلیه بیابان ومحو شدن کلیه علائم خود بیشتر باعث گمراهی خواهد شد .

پس از بارانهای مختصر عموماً حرکت در کویر بهتر است چه کمتر ممکن است دچار طوفانهای شن معمولی آن گردید .

فصل دوازدهم

۱ ـ مردمان و سکنه داخله کویر و اطراف آن

مردمانی که در داخل و اطراف کویر های ایران زندگانی مینمایند عموماً مردمانی بلند قد خوش هیکل و بسیار ورزیده میباشند ـ چه این مردمان در هر قسمت زندگانی خود مواجه با یك رشته اشکالات و زحمات طاقت فرسائی میباشند که اگر از خود حرارتی بروز نداده یا متکی به قدرت باز و پشت کار خود نشوند قطعاً از بین خواهند رفت زیرا برای کشاورزی و رعیتی مختصر نا گزیر از تلاش و کار زیاد بوده برای تهیه وخریداری حوائج خود بایستی مسافات زیاد و خطرناکی را در هر سمت پیموده تا ضمن مبادله یا خریداری احتیاجات عادی خود را تهیه نمایند ـ هوای منطقه بسیار سخت و دشوار و اکثر بایستی طوفانهای موحش و بسیار بدی را تحمل نمایند کلیه این جریانات بخوبی ثابت مینماید که وضعیت زندگانی و اوضاع احوال این سکنه با سکنه سایر نقاط فرق فاحشی را داشته و سکنه آن نمیتوانند با بی قیدی و بی حالی روزگار را بگذرانند بلکه برای تهیه مختصر راحتی و استراحت بایستی دائماً در نبرد با اشکالات طبیعت بوده با صرف قوا و قدرت خود موفقیت کم و بیش حاصل نمایند در بین سکنه این نقاط کمتر اهالی کوتاه قد یا ضعیف ملاحظه میگردد بلکه عموماً اهالی ورزیده وجسماً خوب میباشند ـ تعداد اولاد در خانواده ها خیلی زیاد است ولی متأسفانه نداشتن اصول بهداشتی تلفات زیادی تحمیل مینماید ـ نویسنده خوب در نظر دارد که درسال ۱۳۱۹ موقع عبور از بیاضه و خور در وسط کویر ملاحظه کردم کلیه سکنه متاثر ومتألم میباشند

پس از پرسش و سئوال معلوم شد در نتیجه بیماری آبله کلیه بچه های کوچك آبادی تلف شده و کسان و بستگان آنها را دچار تأثر و تألم روحی ساخته است .

۲ ـ عادات و اخلاق بلوچ های ساکن کویر

فقط در نتیجه معاشرت و تماس نزدیك ممکن است به خوی و اخلاق واقعی بلوچها آشنائی حاصل حرکات و رفتار آنها را درك نمائید .

بلوچها عادت ندارند که خود را مقید و پابند قوانین و اوامر زیادی نموده و در صورت خرده گیری حتی خود مختاری و منیت آنها را جریحه دار میسازد یك حس انفرادی شدیدی در بلوچ ها حکمفرما و از این لحاظ شباهت کاملی به بادیه نشین های عرب دارا میباشند .

وطن یك نفر بلوچ کویر و دشت میباشد در صورتیکه بطور طبیعی رشد و نمو نموده بلا مانع زندگانی مینماید جریانات و تحولات جهان در او تأثیری ندارد زیرا قانع و بی نیاز از همه چیزی زندگی نموده و بزرگ شده است .

فقر و مسکنت زندگانی در کویر مردمان آنجا را سخت و خشن بار آورده قالب روحی و دماغی آنها را ریخته است .

سرزمین باز و بی حد و حصر و زندگی بدون قید موجب غرور و تکبری در مردمان این سر زمین شده بهمین مناسبت است که بلوچ ها برای زندگانی در شهر متناسب نبوده زود از بین خواهند رفت .

بلوچها زندگی چادر نشینی را محترم شمرده در مقابل قانون با عظمت کویر سر تسلیم فرود آورده احساسات روحی آنها غریب است و در اثر زندگی در یك محیط وحشتناك و خشنی که رحم و شفقتی را قبول نماید خشونت جزو طبیعت آنها گردیده .

با حواس و قوای باطنی تند و تیزی که در آنها ایجاد شده متوجه عناصر مخالف خود بوده بدون داشتن حس خود خواهی بدون شك این مردمان از بین میرفتند مسافرت با بلوچ امری دشوار تقسیم آب و مصرف خوار بار در ضمن مسافرت با آنها فوق العاده مشکل است بلوچ تا زمانی که آب و خوراکی موجود

است دست از خوردن و آشامیدن برنداشته برای حال زندگانی نموده بهیچوجه بفکر روز بعد نمیباشد .

وقت و زمان در نزد آنها بهیچوجه قدر و قیمت و ارزشی ندارد . تهیه برنامه مشخص برای بلوچ کار مشکلی است .

چند نفر بلوچ درلباس محلی

تصمیم برای بلوچ نکته موهومی بشمار میرود و بهترین موقع عمر را با ولگردی بیهوده از دست‌میدهند :

در هوای سوزان آفتاب آرام و ساکت راه خود را پیش گرفته بدون اینکه باین فکر باشد که این عمل برای او و شترش خطرناك میباشد حفظ شتر برای آنها مثل سایر ایرانی ها انقدر ها مورد توجه نیست .

بلوچ نیز مانند سایر پیروان اسلام همیشه منتظر آخرین ندای ابدی‌است حیات در دست خداوند بوده در ساعت معینی بدنیا آمده و در ساعت معین دیگری از بین میرود و در مقابل یك چنین تقدیر کاری نمیتوان کرد

کویریك زهد تقوی عمیق تولیدنموده که با حس نفع طلبی وحرص ابداً وقف نمیدهد .

بلوچ فوق‌العاده جسور و بدون جنگ وکار بااسلحه زندگی برای او ارزشی ندارد یك تیرانداز قابلی بوده جرئت اقدام بهر کاری را داشته ترس را ابداً نمی‌شناسد .

بلوچها علاقه غریبی به انجام کارهای مهم داشته و اکتشاف‌شناسائی سر زمین های ناشناس برای آنها مایه مسرت و خوشوقتی میباشد .

۳ - زراعت کویر و اطراف آن

وضعیت زراعت در تمام آبادی و قراء اطراف کویر به یك نسبت نیست زیرا در اطراف کویر چشمه هائیست که آب آن کم بیش شیرین است و در اطراف آن چشمه ها واحه‌هائی تشکیل گردیده کلیه از آب کم‌این‌چشمه ها برای خوراك و حیوانات خود استفاده کرده و در ضمن برای کشاورزی هم ازآن استفاده مینمایند - کلیه آبادیهای اطراف کویر از لحاظ کشاورزی و زراعت وضعشان بدرجات بهتر از وضعیت واحه‌های‌داخلی کویر است مثلا کلیه آبادیهای که در شمال کویر قرار گرفته عموماً دارای باغات میوه‌بوده وثمره آنها هم بقدر کافی است مثلا آبادیهای اطراف سمنان که حد شمالی این کویر را تشکیل میدهد یا آبادیهای خراسان ولی در قسمت های داخلی کلیه‌آبادیها دارای نخلستانهای نسبتاً بزرگی میباشد مثلا خور - بیاضه که نخلستانهای این نقاط عموماً مصفا و دارای خرما های بسیار خوب میباشد .

بطوریکه در اکثر آبادیهای اطراف کویر تحقیق شده حاصل‌این آبادیها حد اکثر از تخم ده تخم در قراء اطراف کویر تجاوز نمی نماید .

٤ - آب و هوای کویر

در سراسر کویر معمولا آب و هوای بسیار زنندئی ملاحظه میشود چه تابستانها مخصوصاًحرارت آن در شب و روز بسیار و عبور ومروردر روزتقریباً غیر مقدور و اجباراً بایستی در شبهای ماهتاب یا ساعات اولیه روز انجام داده در زمستان‌در سراسر کویرتقریباً برف میبارد ولي باقي نمانده زود آب میشود

سرما نیز بسیار خشک و بسیار زننده و مزاحم است بارانهای کویر سیل آسا و از ماه قوس تا ۶۰ روز بعداز عید ادامه دارد در این مدت راه پیمائی بواسطه فرو رفتن ولغزندگی‌اراضی بسیار مشکل و دشوار وحتی خطر ناك است .

بادهای شنی در کویر بسیار فراوان وخطرناكترین موانع این سرزمین است چه در این مواقع است که ممکن است کاروانها را بکلی در خود مدفون و مستور سازد طوفان های شنی در کویرهای جنوبی بسیار سخت تر وخطرناك تر است .

کوهستانهای داخله کویر عموماً در زمستان از برف پوشیده شده و حتی مدتی برف خود را حفظ مینماید در کوهها تعداد چشمه کم است ولی طبق اصطلاح اهالی (سنك آب) در نقاط مختلف کویر زیاد دیده میشود و منظور از سنگ آب نقاطی است که آب باران در آن جمع و باقی مانده مورداستفاده قرار میگیرد .

در کوهستانهای اطراف کویر بر خلاف ارتفاعات داخلی آب زیاد یافت شده پر آب ترین این کوه‌ها کوه یخ است که در جنوب سبزواردر حد شمالی کویر واقع دارای ۲۰ کلاته وجنگل زارهائی میباشد .

۵ ـ حیوانـات

در قسمت های اصلی کویر بهیچوجه حیوانی دیده نشده و طبق اظهـار اهالی که سالها در این مناطق زندگانی نموده‌اند کفتار همیشه اوقات در این مناطق دیده شده و حتی کفتارها ی بزرگی در قسمت های مرکزی هم اکثراً جلب نظر بینندگان‌را نموده است .

در مناطق دورادور کویر گرگ ـ روباه ـ گورخر ـ زیاد دیده میشود بهمین قسم آهو که برای شکار سر گرمی و مشغله زیادی را فراهم میسازد .

در قسمت‌های کوهستانی کویر پلنگ اکثراً دیده شده است .

فصل سیزدهم

نظریات کلی نظامی و نتیجه

کویرهای مرکزی وجنوب خاوری عرض وطول زیادی را درمنطقه کشور اشغال کرده ودرنتیجه خاور ایران رااز قلب کشور جداساخته. این مناطق با آنکه مورد عبور ومروروبررسی اکثرسیاحان ومطلعین قرار گرفته بایستی اذعان کرد که هنوز آنقسمی که بایستی شناخته نشده وبه کانهای داخلی ومنابع تحت‌العرضی آن اطلاع حاصل نشده وفقط در منطقه انارك است که تا حدی اقدامات مأثر معمول وازلحاظ بهره برداری استفاده هائی شده است میتوان قطع‌داشت که در آتیه این پرده استتار درقبال علم وهنر پاره شده حقایق تحت‌العرضی این‌سرزمین نیزمکشوف خواهد شد . پس میتوان گفت ازلحاظ اقتصادی امروزارزشی‌را دارا نیست که بتوان اهمیتی را برآن قائل گردید .

از لحاظ سکنه بطوریکه در فصل دهم تشریح شد سکنه بسیار قلیل در اطراف این کویرها سکونت دارندکه ازلحاظ نظامی برای این‌عده‌نمیتوان اهمیتی قائل‌شد .

ازلحاظ وضعیت زمین هم‌ضمن بررسی های‌مفصل‌بخوبی ثابت شد که این اراضی صعوبت و اشکال سرشاری را برای عبور دربر دارد وعبور از این‌مناطق یك عمل‌ساده وسهلی محسوب‌نشده حتی ممکن است عابر دچار هزاران اشکالات گردد.

ازمجموعه مطالب مندرجه بالا بخوبی ملاحظه میگردد فعلا برای کویرها ازلحاظ اقتصادی ـ انسانی ـ اداری نمیتوان اهمیتی‌قائل‌گردید فقط۲ نکته قابل توجه را ازلحاظ‌نظامی مجسم میسازدکه برای ما قابل بررسی میباشد .

۱ ـ وجودمحورمرکزی فردوس گلشن یزد .

۲ـ تهیه یك‌مانع‌بزرگی درسراسر خاورودرنتیجه‌اجبارعبورازطرف‌شمال و جنوب این منطقه بطرف سایرنقاط کشور .

از لحاظ محور ارتباطی: بطوریکه ضمن بررسی کویر لوت تشریح شد منطقه خراسان فعلا دارای دو محور عرضی بیش نیست که این دو محور عرضی بواسطه مجاورت با مرز در اولین لحظه عملیات مورد تهدید قرار گرفته و مورد حملات هوائی واقع و بهیچوجه این محورها از لحاظ عملیات نظامی قابل استفاده نخواهد بود و در نتیجه از اولین لحظه عملیات ارتباط خراسان با مرکز قطع شده و اگر بخواهیم از طریق مکران این ارتباط را برقرار نمائیم شاید بیشتر از ۴۰۰۰ کیلومتر خواهد بود.

این نکته بما ثابت میکند که تا چه حد وجود یك راه نزدیکتری برای ارتباط خراسان با مراکز ایران لازم است بهترین راه برای تامین این نظر جاده گناآباد - فردوس - گلشن - یزد است که فقط در قسمت مختصری بایستی تعمیر و ترمیم گردد و اگر روزی این جاده تعمیر شود میتوان گفت بهترین محور عرضی خراسان نسبت به مرکز ایران شده و اهمیت نظامی سرشاری را دارا خواهد بود.

مانع بودن کویر: وضعیت دشوار و صعوبت عبور و مرور کویر حرکت و راه پیمائی و سوق ستونهای عادی و موتوری را از این سر زمین غیر مقدور ساخته و در حقیقت بایستی گفت کویرهای ایران یك مانع بزرگی در سر راه هر متعرضی از خاور بطرف باختر ایجاد خواهد کرد که متعرض ناگزیر است برای موفقیت خود یا از منطقه خراسان و یا از جنوب و کرمان بگذرد و در نتیجه در سراسر خاور ایران یك منطقه ۱۰۰۰ کیلومتری برای متعرض بکلی مسدود و مدافع بواسطه این موقعیت بهتر میتواند دفاع خاور را تهیه و آماده ساخته متوجه نقاط حساس و مهم این مناطق گردد در نتیجه این بررسی ملاحظه میکنیم وجود این کویر ها عمل مدافع را برای دفاع در مناطق محدودی تسهیل و برای متعرض آزادی عمل را بکلی سلب و او را متوجه دهلیز های مشخصی خواهد کرد که عبور از آن برای او مشکل و پر مشقت است.

بطوریکه تمام تهاجمات از خاور بطرف داخله کشور در تمام قرون باین مانع مصادف شده و ناگزیر از قبول یکی از دو راه شمالی یاجنوبی شده‌اند.

حتی اگر بعضی فاتحین درصدد استفاده از کویر برآمدند متاسفانه دچار صدمات و تلفات بی پایان کویر شده بادادن هزاران قربانی سر تسلیم در مقابل اشکالات و عظمت آن فرود آورده‌اند مثلا اسکندر مقدونی که قدرت و عظمت او برای کلیه جهانیان روشن و واضح است.

نتیجه: کویرهای ایران ½ خاك کشور را اشغال و مناطق بایر و بی حاصلی را بوجود آورده این مناطق امروزه از لحاظ اقتصادی - انسانی - اداری فاقد کوچکترین ارزشی بوده منطقه مرگ باری محسوب میشوند این کویرها از کلیه لوت و کویر های دنیا بی‌حاصل تر و سهمگین تر برای سیاحان و عابرین بوده و هزاران قربانی تسلیم آن میشود با تمام معایب و اشکالات بالا میتوان امیدوار بود که منابع تحت العرضی این مناطق روزگاری مکشوف شده و در مقابل کلیه معایب و نواقص خود منابع ثروتی برای کشور محسوب گردد کلیه اکتشافات ظاهری و تدقیقات سطحی تا کنون ثابت نموده است که این اراضی دارای منابعی است که بدون شك روزگاری مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

تا وقتی - علم و شناسائی بشر پیشرفت زیادی حاصل نماید باز این کویرها میدان بررسی و تدقیق سیاحان و مسافرین بوده بسیاری از سکنه کشورهای متمدن با امید اکتشافات جدیده به این سرزمین روی آور شده از ابهت و صلابت آن ترسناك و با هر سختی و بد بختی به داخله آن رسوخ خواهند یافت تا وقتی پرده استتار از روی کلیه حقایق این سرزمین برکنار نرود باید گفت دشت بسیار وسیع و کویر سهمگینی که بایستی باسم دشت مرگ خواند در سراسر خاور ایران قرار گرفته است.
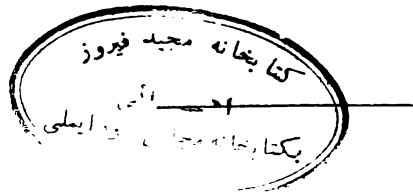
متمنی است غلط های زیر را در متن کتاب تصحیح فرمایند

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۱	۱۱	جواهری	جواهر
۲	۳	زیادی	زیاد
٤	۱۷	بسیار بوده	بسیارمتغیربوده
۷	۱	تغییر میباشند	تغییرمحل میباشند
۱۹	۱۸	بعد	به‌بعد
۲۰	۲۵	بازو	باز
۲۱	۲۲	وورود	ورود
۲٤	۳	کیلو متر	متر میرسد
۲۵	۸	قلل	قللی
۲۹	۱۳	محور	زیاداست
٤۰	۱	شرنقره	شیرقره
٤۰	۱	سنی	زیاد است
٤۱	۲۵	گرانووس	کرانروس
٤۸	۱۱	کویز	کویر
۵۸	۳	بطرف	زیاداست
۵۸	٤	هستیم	زیاداست
۵۸	۲۱	فدرت	قدرت
٦۲	۳	افادیم	افتیم
٦٦	۱	اسکاد	اسکادر
٦۷	۱۷	قرار	قراری
٦۹	۵	یا محل	محل
۷۱	۲۵	باو وترس‌به‌عشت‌حالم	با وحشت‌وترس‌به عالم
۷٤	۲۳	دریای	دریای
۸۸	۲٤	مواد	موادیکه

۵۶
۵۸
۶۰
مشهد
نیشابور
۱۱۷۵
سبزوار
۱۰۴۳
عمرانی
شاهرود
میاندشت
ساشین
شاه کاسه
فردوس
چاه خرشاب

نقشه دشت کویر و دشت لوت
طهران
دامغان
سمنان
کاشان
اردستان